

۳۹۸

# کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده  
جمعه ۱۴ تا ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۱ خورشیدی  
سال سی و نهم - شماره ۱۸۶۴

# یکپارچگی ایران شرط نیست اصل است!



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

<https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما ، کیهان لندن**

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

[https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

P.O. Box 435, Old Brompton Road 2, London, SW7 3DQ

Tel: +(44)-(0)20 3633 3684

Fax: +(44)-(0)20 3633 3685

e-mail: [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

\*\*\*\*\*

سال سی و نهم

کیهان شماره ۱۸۶۴ (۳۹۸)

جمعه ۱۴ تا ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۱

۳ تا ۹ فوریه ۲۰۲۳



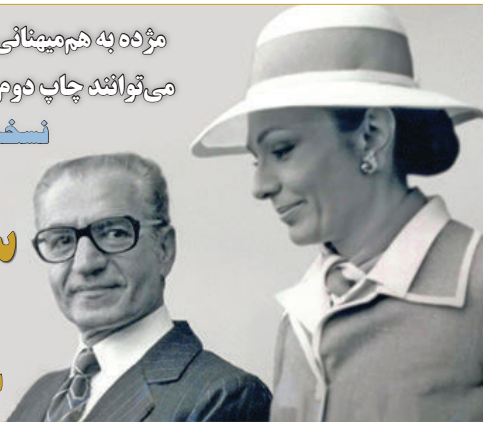
مژده به هم میهنائی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از کیهان خریداری نمایند

نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

**سقوط بهشت**

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندرو اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



**آگهی در کیهان آگاهی می آورد**

نشانی سایت:

[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)

روابط عمومی:

[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)

آگهی و تبلیغات:

[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)

سردبیری:

[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

**دارالترجمه بین المللی فریس**

زیر نظر و بامسئولیت دکتر ناصر رحیمی (استاد دانشگاه)

ترجمه رسمی شناسنامه، قبالة ازدواج و طلاق، مدارک حقوقی، تجاری، طبی، تحصیلی و مدارک مربوط به تقاضای پناهندگی  
تلفن: 8831 020-8222/8884020-8222/6500020-8735

فکس: 020-7760 7160

[www.assot.co.uk](http://www.assot.co.uk) / Email: [assot@aol.com](mailto:assot@aol.com)

Suite 611 , Britannia House , 11 Glenthorne Road Hammersmith , London W6 0LH

دوشنبه تا جمعه ۱۰ صبح تا ۵ بعداز ظهر

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com) [www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)

Super Hornumz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

۴ ..... سرمقاله - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تروریستی بود و هست! / الاهی بقرات  
 ۴-۵ ..... یکپارچگی ایران شرط نیست اصل است! / الاهی بقرات، حامد محمدی

۵ ..... پیام تاریخی و فرهنگی «شاه رفت»، «امام آمد»! / الاهی بقرات  
 ۶ ..... تحریریم «هسا» و توقف پروازهای «لوفت هانزا» به ایران: گام‌هایی برای ...  
 ۶ ..... استرالیایمانده ارتش و چند مقام ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را ...  
 ۷ ..... تحریریم هفت نهاد و شرکت وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به علت کمک ...  
 ۷ ..... گاردین: پلیس بریتانیاد در حال بررسی پرونده عطاءالله مهاجرانی به اتهام ...  
 ۸ ..... کمبود انرژی و پیامدهای مجرمانه؛ افزایش بزهکاری و سرقت ...  
 ۹ ..... بازگشایی خزانة جواهرات ملی ایران برای بازدید عموم ...  
 ۱۰ ..... اتهام «محرابه» برای سه شهروند در مشهد به دلیل از کار انداختن دوربین ...

بازنشر

۱۱ ..... دست دادن یا ندادن، مسأله این است! ... (۱) / احمد احرار  
 ۱۲-۱۴ ..... نکته‌هایی درباره «معمای هویدا» (۳) / منوچهر فرمانفرمائیان

بازنشر

بازنشر

۱۴ ..... روبریز: جمهوری اسلامی با بحران سنگین مشروعیت روبروست ...  
 ۱۵ ..... برگزاری دادگاه آر میتا عباسی؛ اتهام سوم این معترض ۲۰ ساله ...

۱۶-۱۷ ..... ادامه سرکوب در دانشگاه‌ها؛ دانشجویان و استادان زیر فشار ...  
 ۱۷ ..... تحریریم‌های ناقص و نا کارآمد غرب علیه رژیم آخوندها / طارق الحمید (شرق الاوسط)

۱۸ ..... روز جهانی هولوکاست، یادآوری گذشته با نگاه به آینده ... / احمد رأفت  
 ۱۹ ..... گزارش ویژه: مادر و پدر کیان پیر فلک به دادگاه حاضر شدند ...

۲۰ ..... خط و نشان کشیدن‌های جمهوری اسلامی برای اوکراین! ...  
 ۲۱ ..... نشست ویژه پارلمان اروپا درباره ماهیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ...

۲۲ ..... طرح جدید «مجلس انقلابی» برای مجازات افراد مشهور به دلیل اظهار نظر! ...  
 ۲۳ ..... گزارش عفویین الملل از شکنجه‌های وحشیانه جسمی و جنسی سه شهروند جوان ...

۲۴-۲۷ ..... «شنیده‌هایی از غزه» پروژه‌ای میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» ... (۳)  
 ۲۸ ..... تشکیل کمیته ۷ نفره با مصونیت قضایی جهت فروش اموال مازاد دولت ...

۲۹ ..... تکرار مواضع جمهوری اسلامی در فاینشال تایمز: سپاه بک نیروی نظامی رسمی ...  
 ۳۰ ..... زندگی کارگران بازپچه دولت رئیسی؛ اقدام غیرقانونی دولت ...

۳۱ ..... امانوئل ماکرون: همسایه‌ای «شهید راه آزادی» و ...  
 ۳۱ ..... خروج بیش از دو هزار میلیارد تومان از بازار بورس ساعاتی پس از انفجار ...

۳۲ ..... واشنگتن فری بیکن: طرح قانونگذاران آمریکا برای تحریم علی خامنه‌ای و ...  
 ۳۲-۳۳ ..... درهای سرکوب و زن‌ستیزی بر همان پاشنه می‌چرخند ...

۳۳ ..... قطعنامه مجلس نمایندگان ایالات متحده در حمایت از مردم ایران ...  
 ۳۴ ..... ادعا و توهمات اقتصادی دولت سیزدهم ادامه دارد ...

۳۵ ..... طرح آزمایشی کالا برگ؛ تحقیر و توهین به شهروندان ...  
 ۳۶ ..... ایده‌وزیر آموزش و پرورش: استفاده از ظرفیت آموزگاران بازنشسته برای ...

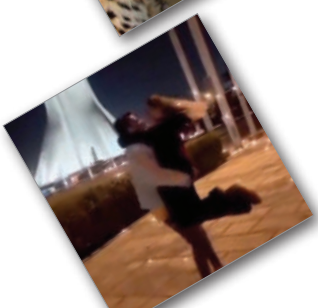
۳۶-۳۷ ..... بنیامین نتانیاهو خطاب به غربی‌ها: رژیم‌های سرکش که قصد ساختن بمب اتم ...  
 ۳۷ ..... «زلزله زدگان مظلوم» خوی نیازمند کانکس و مواد غذایی هستند ...

۳۸ ..... بیم و امید درباره یوز ایرانی؛ جفتگیری دوباره «ایران» و «فیروز» ...  
 ۳۹ ..... حسین امیرعبداللهیان «حاج قاسم دیپلماسی» روی دست نظام باد کرده!

۴۰-۴۱ ..... طرح «صیانت» به اجرا درآمده است؟! ...  
 ۴۱ ..... دو تالاب بین‌المللی گنبد کاووس خشک شدند و ...

۴۲-۴۳ ..... زارش ویژه: خروج مشکوک طلا از ایران سرویس‌های امنیتی اروپا را ...  
 ۴۳ ..... بیانیه شماری از اصلاح‌طلبان در حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ...

۴۴ ..... پشت جلد - عکس هفته / استیاز حقیقی ۲۱ ساله و امیر محمد احمدی ۲۲ ساله پس از انتشار ...



## یکپارچگی ایران شرط نیست اصل است!

سرمقاله  
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی  
تروریستی بود و هست!

جمهوری اسلامی فرزند خلف سازمان تروریستی «فداییان اسلام» است. در انقلاب ارتجاعی ۵۷ مجموعه‌ای از تشکیلات فرقه‌ای که عناوین جعلی مانند «ملی» و «آزادی» را نیز یدک می‌کشیدند در همکاری با اسلامگرایان تروریست، حکومت پهلوی را با پشتیبانی کشورهای غربی سرنگون کردند. نظام مذهبی تازه‌تأسیس و رهبرش به اندازه‌ای واپسمانده بودند که در مقایسه با خود، امثال «نهضت آزادی» و «جبهه ملی» را به غلط «لیبرال» می‌نامیدند و در کنار آن، چپ سنتی وابسته به اتحاد شوروی و همچنین گروه‌های تروریستی مذهبی و غیرمذهبی نیز که به



دنبال الگوهای چریکی بودند، همصدا با ارتجاع سپاه، «لیبرال» را چون دشنام به کار می‌بردند.

با جمهوری اسلامی، تروریست‌های اسلامگرا به قدرت دولتی دست یافتند تا کشوری استراتژیک و ثروتمند مانند ایران را به پایگاه صدور انقلاب و ایدئولوژی خود تبدیل کنند. هدفی که خمینی و دیگر زمامداران جمهوری اسلامی هرگز آنرا پنهان نکردند.

حکومت تروریست‌های فرقه‌ای و مذهبی طبیعتاً به ارتش منظم و متعارف آنهم از نوع ارتش شاهنشاهی هرگز نمی‌توانست اعتماد کند حتی پس از آنکه سران آن را اعدام و سربسته‌نشد کرد و با فراری داد. پس برای محافظت از نظام و رسیدن به اهداف ایدئولوژیک خود، به تروریست‌هایی نیاز داشت که بویی از «شاهنشاهی» نبرده باشند و با همان اراد و اوپاش کیمت‌های انقلاب و حزب‌اللهی‌ها، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بنیان گذاشت.

«سپاه پاسداران» عیناً ترجمه‌ی عبارت آلمانیست که مخفف آن «اس اس» (شوتزاشتافل Schutzzstaffel) است. «اس اس» نیز عین سپاه پاسداران یک تشکیلات شبه‌نظامی-امنیتی نازی‌ها بود که البته سال‌ها پیش از به قدرت رسیدن هیتلر و حزبش تأسیس شده بود و در طول رژیم هیتلری همان نقش سپاه پاسداران را در سرکوب مخالفان و حفاظت از حکومت فاشیست نازی‌ها ایفا می‌کرد. این تشکیلات با سرنگونی حکومت هیتلری برای همیشه به تاریخ سپرده شد و فرماندهان و اعضای جنایتکارش تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند.

تروریست‌های سپاه پاسداران که بسیاری از آنها در دوره‌های مختلف از جمله اکنون بر کرسی‌های مجلس و دولت و قوه قضاییه تکیه زده‌اند، علاوه بر سرکوب مردم ایران، در منطقه و غرب و آمریکای لاتین هم دست به ترور زده‌اند. این را هم خودشان و هم دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب بهتر از همه می‌دانند. از همین رو دست‌کم این پنهان که تردید اروپا در تروریستی نامیدن سپاه پاسداران به دلیل تهدیدهای انتقامجویانه آن است، منطقی نیست! چرا که با این کار، هم سپاه پاسداران و هم جمهوری اسلامی با محدودیت‌های ارتباطی و مالی به شدت تضعیف می‌شوند و همین به تشدید اختلافات درونی و ریزش نظام دامن خواهد زد! حمله موشکی عمدی به پرواز ۷۵۲ بجای خود!

حال گذشته از اینکه تصمیم شورای وزیران اتحادیه اروپا درباره تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران چه باشد، وقتی یک‌دسته که گویا از سال ۹۶ هنوز شعار «اصلاحطلب اصولگرا دیگه قوم ما جارا» را نشنیده‌اند، بعد از ۴۳ سال جنایت آشکار و در کشاکش انقلاب آزادیخواهی مردم ایران، در حمایت از این تشکیلات تروریستی و استمرار جمهوری اسلامی بی‌بانه می‌دهند، چه می‌توان گفت جز یادآوری سرنوشت «سپاه پاسداران» جمهوری آلمان هیتلری؟!

● یکی از مهم‌ترین حربه‌های جمهوری اسلامی که از زمان روی کار آمدنش همواره برای سرکوب استفاده کرده، تفرقه انداختن با اختلافات و تنوع قومی و مذهبی بوده که نه نقطه ضعف بلکه همواره اساس قوت ایرانیان بوده است. حربه‌ای که تا کنون با همبستگی ملی در کشور و همگرایی داخل و خارج ناکار مانده اما نباید قدرت تخریب آن را دست‌کم گرفت.

در چارچوب «جمهوری اسلامی» پر شده است. در شرایط بحرانی کنونی به نظر می‌رسد آنها از جمله منتظرند تا شاید مرگ خامنه‌ای فرصتی در اختیار آنها بگذارد تا نظام را به شکلی استحال یافته که از زمان علی اکبر رفسنجانی مطرح بوده ادامه دهند. بر اساس تجربه و آنچه از نظرات و سیاست‌ها انتشار می‌یابد، یکی از اهداف مهم این تلاش، مقابله با ملی‌گرایی و پهلوی‌هاست و برای رسیدن به هدف، اگر مجبور شوند، از گروه‌های تجزیه‌طلب و امثال مجاهدین خلق نیز یاری خواهند گرفت. نشانه‌های چنین سیاستی را این روزها به فراوانی می‌توان در رسانه‌های داخلی ایران دید.

## عادی‌نمایی شرایط بحرانی

مدتی است حکومت پروژه «عادی‌نمایی» را آغاز کرده و دستگاه‌های تبلیغاتی نظام و مقامات اصرار دارند چنین نمایش دهند که همه چیز آرام است و وضعیت کاملاً عادیست! اما ادامه فیلترینگ و سانسور پلتفرم‌های مجازی همراه با تداوم قطع و تضعیف اینترنت، در کنار استقرار نیروهای امنیتی در گوشه و کنار شهرها و همچنین ادامه اعتراضات در گوشه و کنار ایران نشان می‌دهد که اصلاً چنین نیست!

اینهمه جدا از شرایط اقتصادی اسفبار و گرانی نجومی ارز و کالاهای ضروریست که حکومت هیچ راهکاری برای مهار آن ندارد چه برسد به اینکه بتواند بر آن غلبه کند.

شرایط بین‌المللی نیز اصلاً به نفع جمهوری اسلامی نیست هرچند که برخی رسانه‌ها از جمله روزنامه‌های خارجی تلاش می‌کنند در همسویی با سیاست عادی‌نمایی جمهوری اسلامی، دوباره موضوع توافق اتمی را به خبر عمده تبدیل کنند. آنهم در حالی که دولت‌های خارجی به ویژه اروپایی‌ها در چهار ماه گذشته بیشتر از آنکه با مقامات جمهوری اسلامی مراد داشته باشند شونده مواضع مخالفان جمهوری اسلامی بوده‌اند.

در چنین شرایطی هرقدر تأثیر فعالیت‌های اپوزیسیون از جمله تظاهرات و راهپیمایی‌های مداوم در

هرچند تظاهرات خیابانی در ایران با سرکوب وحشیانه، اجرای چند حکم اعدام و بازداشت‌های گسترده و فشار بر خانواده‌های جانباختگان و زندانیان فروکش کرده اما مقامات حکومت نیز از بحرانی که پیش روی نظام قرار دارد با خبرند. به ویژه آنکه اعتراضاتی که خود مردم آن را «انقلاب» خوانده‌اند، به چرخش سیاست در کشورهای غربی انجامیده است. جامعه جهانی و افکار عمومی کشورهای مختلف هرگز تا این اندازه در مقابله با نظام جمهوری اسلامی و درک ضرورت تغییر شرایط، همگرا با یکدیگر و همچنین همسو با منافع و حقوق مردم ایران نبوده است.

## تلاش برای بقا به هر قیمت

بحران فراگیر نظام واقعیتی است که از سوی مقامات و تحلیلگران و رسانه‌های وابسته داخلی نیز بر آن تأکید شده است. آنها می‌دانند اعتراضات انقلابی در شرایط فعلی چیزی جز آتش زیر خاکستر نیست و در نخستین فرصت دوباره، و آنگونه که تجربه سال‌های گذشته نشان داده است، با شدت بیشتر ادامه خواهد یافت. از همین رو به اشکال مختلف تلاش می‌کنند یا توجهات را دوباره به سوی «توافق اتمی» جلب کنند و یا با تزریق یأس و ناامیدی چنین القاء کنند که انقلاب آزادیخواهی مردم شکست خورده است.

از سوی دیگر، اتاق‌های فکر امنیتی نظام از طریق نیروهایی که اتفاقاً برای چنین روزهای مبادایی در آب نمک خوابانده‌اند، تلاش می‌کنند همبستگی ملی در داخل و همچنین بین داخل و خارج را با جنجال و انواع تفرقه از جمله بر سر اصولی که بدون آنها انقلاب آزادیخواهی کنونی اساساً از مفهوم تهی می‌شود، به انحراف کشانند و همگرایی و پشتیبانی دمکراسی‌ها از جایگزینی نظام جمهوری اسلامی با یک نظام دمکراتیک و مبتنی بر حاکمیت ملی را با بن‌بست روبرو سازند.

روشن است که اتاق‌های فکر نظام همواره نه با اصولگرایان بلکه توسط کارگزاران و اصلاح‌طلبان تحول‌خواه

## پیام تاریخی و فرهنگی «شاه رفت»، «امام آمد»!



چهار دهه است که هر بار در زمستان، از سالگرد ۲۶ دی، روزی که «شاه رفت»، تا ۱۲ بهمن، روزی که «امام آمد» و ۲۲ بهمن که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، ایرانیان در رسانه‌ها و در سال‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی به بحث و جدال و بازیابی درباره «پهلوی‌ها» و «جمهوری اسلامی» و «مردم» و همچنین نقش «خارجی‌ها» می‌پردازند. آنهم در حالی که همین چهار کلمه که تیترو روزنامه‌های آن دوران شد، بدون آنکه تیترو زندگانش بخواهند و بر آن آگاه باشند، یک پیام تاریخی و فرهنگی را اعلام می‌کرد:



تخت جمشید

شاه رفت!  
امام آمد!

نهاد متجدد مدنی می‌رفت و نهاد مرتجع مذهبی می‌آمد! آن زمان نه تنها کسی به حقیقت تاریخی و فرهنگی این چهار واژه دقت نکرد بلکه کسانی که چه در میان فعالان سیاست و فرهنگ و چه در بین مردم شناختی از این جابجایی داشتند، بسیار اندک بودند. رسانه‌های داخل و خارج از «انقلاب» و علیه «شاه» و در استقبال از «امام» می‌گفتند و کم بودند کسانی چون شاپور بختیار، مهشید امیرشاهی، مصطفی رحیمی و بخشی از مردم عادی در ایران و افرادی چون اورینا فالاجی در خارج که طلیعه‌ی شوم «امام» را تشخیص می‌دادند بدون آنکه الزاماً علاقه‌ای به «شاه» داشته باشند. علاقه به «شاه» در میان مردم عادی، مانند سال‌های بعد و امروز، بیشتر بود تا در میان به اصطلاح نخبگان ایران و جهان!

بحث اما بر سر این نیست. صدها کتاب و مقاله درباره انقلاب ۵۷ و نقش «شاه» و «امام» و عوامل داخلی و خارجی آن نوشته شده و باز هم نوشته خواهد شد. قضیه بر سر دو واژه و پیام آنهاست که ناشنیده ماند: «شاه» و «امام»!

پیامی که راز آن را می‌بایست در هزرتوی زبان و فرهنگ و تاریخ جست. بخشی از مردم عادی «خطر» را بطور غریزی و بر اساس «حافظه تاریخی» که در «ناخودآگاه جمعی» آنها در طول سده‌ها ذخیره شده بود احساس می‌کردند. اما زمان و تجربه‌ای تلخ و خونین لازم بود تا آن را به خودآگاهی ملی در درک «امام» بجای «شاه» و فرقه‌گرایی بجای ملی‌گرایی تبدیل کند. ولی بر اساس کدام شواهد تجربی و تاریخی، افرادی چون خمینی و خامنه‌ای و مشابهان آنها می‌بایست راهی در پیش می‌گرفتند که به اعتلا و ارتقاء ملت و مملکت بیانجامد؟! «شاه رفت» یعنی نهاد مدنی قدرت در یک سرزمین پادشاهی رفت و «امام آمد» یعنی نهاد مذهبی قدرت در یک سرزمین به زور شمشیر و خون مسلمان شده آمد! جمهوری اسلامی باید که خود را با خونریزی حفظ می‌کرد!

اما خبر خوش اینکه: تقابل دو نهاد ایران‌ساز و ویران‌ساز تا عبور از قرون وسطای جمهوری اسلامی ادامه خواهد داشت. مردم ایران یک نبرد را در سال ۵۷ به رژیم کتونی باختند اما سرنوشت نهایی میدان این جنگ تاریخی و فرهنگی با دفع جمهوری اسلامی تعیین خواهد شد.

الاهه بقرات! توئیتر | اینستاگرام |

\*این سرمقاله نخستین بار در کیهان لندن شماره ۲۹۵ / ۱۷ دی‌ماه ۱۳۹۹ منتشر شد.

به کار انداخت: تفرقه با اختلافات و تنوع قومی و مذهبی که نه نقطه ضعف بلکه همواره اساس قوت ایرانیان بوده است. حربه‌ای که تا کنون با همبستگی ملی در کشور و همگرایی داخل و خارج ناکار مانده اما نباید قدرت تخریب



آن را دست‌کم گرفت.

در این میان، همراه با شعارهای مردم معترض در طول انقلاب کنونی که مرتب بر همبستگی ملی و یکپارچگی سرزمینی تأکید داشته، بخش بزرگی از گروه‌های سیاسی و فعالان سیاسی و مدنی خارج کشور نیز بر سه اصل تمامیت ارضی، ایجاد یک نظام دموکراسی سکولار مبتنی بر حقوق بشر و حق مردم برای تعیین شکل نظام سیاسی ایران آینده از طریق انتخابات آزاد اتفاق نظر دارند و بسیاری از چهره‌های شناخته شده و شماری از گروه‌ها و تشکل‌های ملی‌گرا و ایران‌دوست بر همین اساس اعلام موضع کرده‌اند. یکی از محورهای مشترک گروه‌های دموکراسی‌خواه که فراتر از تعلقات سیاسی خود بر منافع ملی و آزادی و امنیت و رفاه مردم ایران تمرکز دارند، دیدگاه آنها در مورد نقش ویژه شاهزاده رضا پهلوی به عنوان یک شخصیت سیاسی دموکرات ملی و بین‌المللی و آگاه و شفاف است که می‌تواند مدافع حقوق مردم ایران و صدای آنها در مجامع جهانی و گفتگو با مقامات دولتی و سیاستمداران باشد.

در همین ارتباط، وی پس از استقبال گسترده از کارزار وکالت سیاسی در بیانیه‌ای بار دیگر دست همکاری به سوی سایر دموکراسی‌خواهان دراز کرد و اعلام نمود «ابراز عمومی این اعتماد، از جمله این امکان را به من و دیگر افراد مورد وثوق شما می‌دهد تا با قدرت و صراحت بیشتری به نمایندگی از شما در سطح بین‌المللی گفتگو و مذاکره کنیم.» شاهزاده رضا پهلوی همچنین در مصاحبه با «اسکای نیوز» بار دیگر اعلام کرد «در تمام ۴۳ سال گذشته تأکید کردم که تنها هدفم رساندن ایران به نقطه‌ای است که مردم ایران در انتخاباتی آزاد و منصفانه در مورد آینده خود تصمیم بگیرند. در این لحظه باید با صدایی متحد صحبت کنیم که خواست اصلی و اساسی هموطنان در ایران است.»

در تضاد با این مسیر روشن است که هم جمهوری اسلامی و هم مدافعان پیدا و پنهان آن از یکسو با تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط اتحادیه اروپا مخالفت می‌ورزند و از سوی دیگر هر سنگی که بتوانند در این راه می‌اندازند تا از رسیدن جامعه به آن «نقطه‌ای که مردم ایران در انتخاباتی آزاد و منصفانه در مورد آینده خود تصمیم بگیرند» جلوگیری کنند.

الاهه بقرات، حامد محمدی

شهرهای مختلف جهان بر تصمیمات و اقدامات دولت‌های غربی در مورد جمهوری اسلامی افزایش پیدا کرده، کارآیی دستگاه به اصطلاح دیپلماسی جمهوری اسلامی که حتا از پشتوانه تحرکات نظامی و تروریستی سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی نیز برخوردار است تضعیف شده است. موضوع تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تصویب آن در پارلمان اروپا، حتا اگر شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا آن را تصویب نکند، بیش از پیش به انزوای سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی انجامیده به ویژه آنکه همزمان چندین کشور به تحریم ده‌ها مقام و فرد و نهاد وابسته به رژیم پرداختند. به این ترتیب، به پشتوانه‌ی انقلاب مردم ایران و جان‌فشانی آنها در وحشیانه‌ترین شرایط سیاسی و اقتصادی که جمهوری اسلامی به آنها تحمیل کرده، میدان تاخت و تاز بین‌المللی از جمهوری اسلامی گرفته شد و در اختیار مخالفان رژیم قرار گرفت. مخالفانی که از چهره‌های سیاسی جدی تا «اینفلوئنسرهای» شبکه مجازی را در بر می‌گیرد و چنانکه شاهزاده رضا پهلوی نیز تأکید کرده است، هر کدام نقش خود را ایفا می‌کنند. همین مجموعه سبب شد تا در نشست ۲۹ دی‌ماه پارلمان اروپا که در آن رأی به تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داده شد، اعضای پارلمان سخنانی بر زبان آورند که مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی چهار دهه است تکرار می‌کنند اما غرب هیچ گوش شنوایی برای آنها نداشت.

### ایرانیان خارج کشور در خدمت ایران متحد

در حالی که قدرت‌های بین‌المللی در تمام سال‌های گذشته ترجیح می‌دادند تا در مباحثات با جمهوری اسلامی به مهار جنگ‌افروزی و ماجراجویی‌های اتمی و تروریستی آن بپردازند، اما در عمل دیدند که اینهمه نه تنها به افزایش و گسترش پروژه‌های نظامی و تسلیحاتی آن انجامید بلکه از اواسط تابستان روشن شد که در تجاوز روسیه علیه اوکراین نیز رژیم اسلامی در برابر اروپا قرار گرفته است! انقلاب آزادخواهی ایرانیان در چنین صفت‌بندی پس از قتل حکومتی مهسا امینی در ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ شعله‌ور شد و ادامه یافت. با وجود هزاران خبر و تصویر و ویدئویی که از اعتراضات مردم و سرکوب وحشیانه‌ی آنان در فضای مجازی منتشر می‌شود اما مسئولیت اصلی رساندن صدای مردم داخل ایران به گوش رهبران غرب به عهده ایرانیان خارج کشور افتاد و آنها با هر تعلق سیاسی و اجتماعی این وظیفه را به بهترین شکل به انجام رسانده و می‌رسانند. البته جمهوری اسلامی نیز بیکار ننشست و یکی از مهم‌ترین حربه‌های خود را که از زمان روی کار آمدنش همواره برای سرکوب استفاده کرده،

## استرالیا فرمانده ارتش و چند مقام ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را تحریم کرد



عبدالرحیم موسوی و کیومرث حیدری

● عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی، کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش، سالار آبتوش از فرماندهان ارشد بسیج، قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی، الله‌کرم عزیزی رئیس زندان «رجایی‌شهر» کرج، حسین مدرس خیابانی استاندار پیشین استان سیستان و بلوچستان و احمد شفائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان سیستان و بلوچستان در فهرست تحریم قرار گرفتند.

دولت استرالیا روز سه‌شنبه ۳۱ ژانویه (۱۱ بهمن) ۱۶ مقام ویک نهاد جمهوری اسلامی را به دلیل «نقض حقوق بشر» و «ارسال پهپاد به روسیه برای استفاده از جنگ اوکراین» تحریم کرد. براساس گزارش روزنامه «گاردین» عبدالرحیم موسوی فرمانده ارتش جمهوری اسلامی، کیومرث حیدری فرمانده نیروی زمینی ارتش، سالار آبتوش از فرماندهان ارشد بسیج، قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی، الله‌کرم عزیزی رئیس زندان «رجایی‌شهر» کرج، حسین مدرس خیابانی استاندار پیشین استان سیستان و بلوچستان و احمد شفائی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی پاسداران استان سیستان و بلوچستان در فهرست تحریم قرار گرفتند.

این تحریم‌ها به دلیل «نقض جدی حقوق بشر در ایران» وضع شده است و باعث ممنوعیت سفر و توقیف دارایی‌های افراد تحریم شده در این کشور می‌شود.

بر اساس این گزارش اموال اشخاص و نهاد تحت تحریم قرار گرفته در استرالیا بلوکه شده و این مقامات از سفر به استرالیا منع خواهند شد.

پیش از این وزیر خارجه استرالیا با اشاره به مداخلات جمهوری اسلامی در امور کشورهای منطقه و «آزار و اذیت شخصی و آنلاین» علیه اتباع استرالیا ابراز نگرانی عمیق کرده بود. همزمان با استرالیا وزارت بازرگانی آمریکا نیز هفت نهاد و شرکت وابسته به جمهوری اسلامی را به دلیل نقض حقوق بشر و همدستی با روسیه در تجاوز به اوکراین در فهرست سپاه قرار داد.

از زمان تصویب قوانین جدید مربوط به تحریم‌ها در پارلمان استرالیا در اواخر سال ۲۰۲۱ این سومین دور تحریم‌هایی است که استرالیا علیه جمهوری اسلامی به اجرا می‌گذارد.

## تحریم «هسا» و توقف پروازهای «لوفت‌هانزا» به ایران؛ گام‌هایی برای تمام کردن کار جمهوری اسلامی؟



تست پهپادهای «آرش ۲»

را سخت‌تر از قبل می‌کند. به ویژه تکنولوژی و قطعاتی که شرکت‌های سازنده آن یا شرکت‌های واسطه واردکننده آن اروپایی‌اند یا با دولت‌های اروپایی در ارتباط هستند. طبق اعلام مسئولان هواپیمایی جمهوری اسلامی دو سوم ناوگان هوایی مسافربری و تجاری ایران زمینگیر است که عمدتاً با کمبود قطعه روبرو هستند. بخشی از هواپیماهای آموزشی سبک در ایران نیز در هسا ساخته می‌شوند که قطعاتشان وارداتی است. کیفیت پایین این هواپیماهای تک‌موتوره باعث افزایش آمار سقوط پروازهای آموزشی در ایران شده است.

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خطوط مسافربری و تجاری جمهوری اسلامی را به جنگ‌های منطقه‌ای کشاند و باعث تحریم آنها شد و اکنون صنایع هوانوردی ایران را نیز که تأمین کننده و پشتیبانی ناوگان هواپیمایی است به نابودی می‌کشاند. لری اودنر مشاور سیاست خارجی دولت رونالد ریگان در مقاله‌ای که شهریور ۱۳۹۷ در پایگاه خبری واشنگتن اگرمیز منتشر شد پیش‌بینی کرده بود «تحریم هوایی» جمهوری اسلامی را به سقوط می‌کشاند. او گفته بود اگر دونالد ترامپ بخواهد کار رژیم ایران را تمام کند باید پرواز خطوط بین‌المللی به ایران را متوقف کند.

اتفاقی اشاره اودنر به شرکت لوفت‌هانزا بود که بزرگ‌ترین شرکت هواپیمایی آلمان است. او نوشته بود تا ترافیک هوایی به ایران متوقف نشود ورود تجار سودجوی اروپایی که همچنان درصد تجارت با رژیم تروئیستی جمهوری اسلامی هستند ادامه خواهد داشت.

ترامپ در آن دوران برنامه داشت این اقدام را پیش برد و شاید اگر در انتخابات ۲۰۲۰ پیروز می‌شد این تصمیم را عملی می‌کرد اما اروپایی‌ها زیر بار نمی‌رفتند. اکنون حدود ۳ سال از آن دوران گذشته و اروپایی‌ها به جایی رسیدند که همان تصمیماتی را می‌گیرند که آن دوران برایشان سنگین به نظر می‌رسید!

البته اگرچه شاید تحریم صنایع هوایی جمهوری اسلامی بطور مستقیم به تمام شدن کار رژیم منتهی نشود اما تبعات آن و دامنه تأثیرات آن مثل اعلام منطقه پرواز ممنوع بر فراز ایران ضربات سنگینی به نظام خواهد زد.

● در بیانیه اتحادیه اروپا آمده هسا یک شرکت ایرانی متخصص در ساخت هواپیماهای نظامی و غیرنظامی و هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد) است. هسا پهپادهای مورد استفاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تولید می‌کند و در تحقیق، توسعه، تولید و عملیات پروازی پهپادها مشارکت دارد. ● تحریم هسا تأمین قطعات مورد نیاز صنایع هوایی ایران را سخت‌تر از قبل می‌کند. به ویژه تکنولوژی و قطعاتی که شرکت‌های سازنده آن یا شرکت‌های واسطه واردکننده آن اروپایی‌اند یا با دولت‌های اروپایی در ارتباط هستند. ● سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خطوط مسافربری و تجاری جمهوری اسلامی را به جنگ‌های منطقه‌ای کشاند و باعث تحریم آنها شد و اکنون صنایع هوانوردی ایران را که تأمین کننده و پشتیبانی ناوگان هواپیمایی است به نابودی می‌کشاند.

شورای اتحادیه اروپا شرکت صنایع هواپیماسازی ایران (هسا) را به اتهام دست داشتن در ساخت و تأمین قطعات پهپادهای نظامی برای ارتش روسیه که علیه اوکراین به کار گرفته شد در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.

در بیانیه اتحادیه اروپا آمده هسا یک شرکت ایرانی متخصص در ساخت هواپیماهای نظامی و غیرنظامی و هواپیماهای بدون سرنشین (پهپاد) است. هسا پهپادهای مورد استفاده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تولید می‌کند و در تحقیق، توسعه، تولید و عملیات پروازی پهپادها مشارکت دارد.

هسا یکی از شرکت‌های تابعه سازمان صنایع هوایی ایران (IAIO) و یک شرکت دولتی زیرمجموعه وزارت دفاع و لجستیک نیروهای مسلح ایران (MODAFI) است. پهپادهای تولید شده توسط هسا در ایران توسط روسیه در جنگ تجاوزکارانه علیه اوکراین استفاده می‌شود. اتحادیه اروپا همچنین تأکید کرد هسا مسئول حمایت از اقداماتی است که تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال اوکراین را تضعیف یا تهدید می‌کند.

شرکت صنایع هواپیماسازی ایران وابسته به سازمان صنایع هوایی و زیرمجموعه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی است و مقر آن «شاهین شهر» اصفهان است. تحریم هسا تأمین قطعات مورد نیاز صنایع هوایی ایران

## گاردین: پلیس بریتانیا در حال بررسی پرونده عطاءالله مهاجرانی به اتهام «حمایت از تروریسم» است



عطاءالله مهاجرانی

و از زمان مهاجرت به لندن بارها در سخنان خود قاسم سلیمانی فرمانده نیروی «قدس سپاه» پاسداران انقلاب اسلامی را که در عملیات پهنای آمریکا کشته شد، به عنوان قهرمان ملی ایران و اسلام ستایش کرده است!

مهاجرانی بعد از سوء قصد علیه سلمان رشدی (۱۲ اوت ۲۰۲۲) در توییتهی که بعداً پاک کرد نوشت «امروزه نیز بعد از حادثه مجروح شدن رشدی، همان نغمه کتاب من و فتوای امام نو شده است. من محاکمه در دادگاه لندن را، درخشان‌تر از استیضاح می‌دانم، آماده‌ام تا از این فرصت طلایی بهره‌مند شوم. جدی باشید.»

همچنین در این شکایت آمده مهاجرانی در کتاب خود با عنوان «نقد توطئه آیات شیطانی» که با حمایت رژیم ایران منتشر شده است فتوای قتل سلمان رشدی را توجیه و تأیید می‌کند. همینطور تأکید شده وی «دعوت از مسلمانان برای قتل سلمان رشدی، ناشران و مترجمان کتاب و همه نویسندگانی که از او حمایت کرده‌اند را تبلیغ و تشویق می‌کند.» شاکیان می‌گویند مواضع و اظهارات مهاجرانی در این کتاب ثابت می‌کند که به اعتقاد او فتوای قتل سلمان رشدی از نظر دینی موجه و ابطال‌ناپذیر است و چون سلمان رشدی «مرتد» است انصراف از این تصمیم غیرممکن است. مهاجرانی مدافع دواآتشه جمهوری اسلامی که یکی از منفورترین چهره‌های اصلاح‌طلب رژیم است، اوایل امرداد در یادداشتی برای روزنامه اصلاح‌طلب «اعتماد» با عنوان «توانایی فنی ساخت بمب اتمی» نوشت «وقتی کشوری اعلام می‌کند که توانایی فنی و علمی تولید سلاح هسته‌ای را داراست، این موضع مهم‌ترین درس اخلاقی است که می‌توان به نخست‌وزیر اسرائیل و بایدن داد!»

در این یادداشت آمده دستیابی به توان ساخت بمب اتمی نقطه پایانی بر تهدیدات علیه جمهوری اسلامی است. تهدیداتی که قدر مشترکشان، متوقف کردن انقلاب اسلامی در ایران، براندازی جمهوری اسلامی ایران و نابود کردن کانون‌های مقاومت در عراق، سوریه، لبنان و یمن است! در سال‌های اخیر بخش فارسی تلویزیون بی‌بی‌سی بارها مهاجرانی را به عنوان کارشناس و تحلیلگر در برنامه‌های مختلف جلوی دوربین آورد و به او تریبون داد تا نظرات خود را تبلیغ کند.

● کاوه موسوی وکیل حقوق بشر ایرانی و ربکا مونی وکیل انگلیسی در ماه اوت ۲۰۲۲ شکایتی مبسوط علیه مهاجرانی به مراجع قضائی ارائه کردند. آنها می‌گویند مهاجرانی معاون نخست‌وزیر و معاون پارلمانی و حقوقی رئیس جمهوری اسلامی بین سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۷ و در دوره‌ای بوده که صدها ترور مخالفان در اروپا به دستور رژیم ایران انجام شده است. آنها در شکایتنامه خود آورده‌اند که مهاجرانی برای جلوگیری از وقوع این قتل‌ها هیچ اقدامی انجام نداده و از زمان مهاجرت به لندن بارها در سخنان خود قاسم سلیمانی فرمانده نیروی «قدس سپاه» پاسداران انقلاب اسلامی را که در عملیات پهنای آمریکا کشته شد، به عنوان قهرمان ملی ایران و اسلام ستایش کرده است!

● مهاجرانی مدافع دواآتشه جمهوری اسلامی که یکی از منفورترین چهره‌های اصلاح‌طلب رژیم است، اوایل امرداد در یادداشتی برای روزنامه اصلاح‌طلب «اعتماد» با عنوان «توانایی فنی ساخت بمب اتمی» نوشت «وقتی کشوری اعلام می‌کند که توانایی فنی و علمی تولید سلاح هسته‌ای را داراست، این موضع مهم‌ترین درس اخلاقی است که می‌توان به نخست‌وزیر اسرائیل و بایدن داد!»

روزنامه «گاردین» دوشنبه ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) گزارش داد پلیس متروپولیت لندن در حال بررسی پرونده‌ای است که در آن عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد اسلامی پیشین رژیم ایران متهم به تشویق تروریسم شده است. مهاجرانی وزیر ارشاد دولت محمد خاتمی سال‌هاست که ساکن لندن است و این پرونده در ارتباط با حمایت وی از فتوای روح‌الله خمینی برای قتل سلمان رشدی نویسنده مشهور بریتانیایی است.

## تحریم هفت نهاد و شرکت وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به علت کمک به روسیه در جنگ با اوکراین



شماری از فرماندهان سپاه پاسداران در نمایشگاه نظامی

● شرکت طراحی و ساخت موتورهای هوایی، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی سپاه پاسداران انقلاب، شرکت «اوج پرواز ما دو نفر»، شرکت پرآور پارس، صنایع هوایی قدس و صنایع هوایی شاهد در فهرست تحریم‌های وزارت بازرگانی آمریکا قرار گرفتند.

وزارت بازرگانی آمریکا سه‌شنبه ۳۱ ژانویه برابر با ۱۱ بهمن هفت نهاد و شرکت ایرانی مرتبط با صنایع نظامی جمهوری اسلامی را به دلیل مشارکت در ارائه پهپاد به روسیه تحریم کرد. در بیانیه وزارت بازرگانی آمریکا آمده پهپادهای تولیدشده در ایران برای استفاده در اوکراین به روسیه ارسال می‌شوند؛ فعالیتی که با امنیت ملی و منافع سیاست خارجی آمریکا در تعارض است.

مقامات جمهوری اسلامی مدت‌ها ارسال پهپاد به روسیه را انکار می‌کردند اما در نهایت حسین امیرعبداللهیان وزیر خارجه دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی اعتراف کرد این پهپادها ارسال شده اما همزمان ادعا کرد که قبل از جنگ اوکراین تحویل روسیه داده شده است.

علاوه بر سرکوب اعتراضات مردم در ایران، همکاری با ارتش روسیه در حمله به اوکراین دو موضوع مهم و اصلی است که غربی‌ها در هفته‌های اخیر بر آن تمرکز کرده‌اند.

فهرست تحریم‌های جدید به این شرح است:

- ۱) شرکت طراحی و ساخت موتورهای هوایی
- ۲) نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- ۳) سازمان تحقیقات و جهاد خودکفایی سپاه پاسداران انقلاب
- ۴) شرکت «اوج پرواز ما دو نفر»
- ۵) شرکت پرآور پارس
- ۶) صنایع هوایی قدس
- ۷) صنایع هوایی شاهد

برخی از این نهادها و شرکت‌ها پیشتر در فهرست تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا قرار گرفته بودند.

شمار زیادی از شرکت‌هایی که در توسعه صنایع موشکی و پهپادی جمهوری اسلامی همکاری دارند در پوشش شرکت‌های خصوصی فعالیت کرده و قطعات و لوازم مورد نیاز را از طریق قاچاق وارد ایران می‌کنند تا در اختیار نیروهای مسلح قرار گیرد.

روشنایی برخی معابر را به نوبت خاموش می‌کنند.»

ناصر امانی توضیح داده که خاموشی‌ها «سبب شده برخی نقاط بی‌دفاع شهری روشنایی نداشته باشند و چراغ‌های برخی بوستان‌ها و معابر خاموش شوند، مشکلاتی که این وضعیت می‌تواند ایجاد کند افزایش ناامنی، سرقت و خفت‌گیری‌ها است، همچنین می‌تواند سبب افزایش تصادفات در معابر شهری شود، حتی برخی از مردم جرات نمی‌کنند با خودرو از مناطقی که روشنایی ندارد عبور کنند، این مسئله به نوعی زندگی شبانه مردم را مختل می‌کند، ما حتماً از طریق شورای شهر این مورد را تذکر می‌دهیم و پیگیری می‌کنیم.»

روزنامه «همدلی» هم گزارشی از «مصائب شهروندی در تهران تاریک» دارد و از مختل شدن زندگی مردم و همچنین افزایش سرقت‌ها و ناامنی در نتیجه این اتفاق نوشته است.

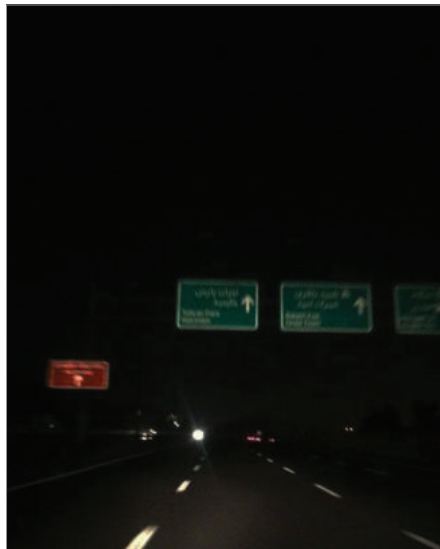
در این گزارش آمده که «تاریکی در برخی خیابان‌ها به حدی است که علائم ترافیکی و تابلوهای راهنمای مسیر نیز از دیدکافی برخوردار نیست. خلاء روشنایی در برخی از کوچه و خیابان‌ها در درگیری برای عابران پیاده از حیث امنیت نیز شده است. افزایش سرقت‌ها شاهدهی روشن بر این ادعاست. محروم کردن معابر پایتخت از روشنایی، مسئولان دلیل اخذ و اجرای این تصمیم را بالا رفتن مصرف گاز و فشار آمدن به ایستگاه‌های برق برای تأمین آن اعلام کردند و این ماجرا برای همه کسانی که نیاز به روشنایی در شب است قطعاً اختلال بزرگی ایجاد می‌کند.»

در ادامه این گزارش آمده که گرفتن نور از شب‌های پایتخت هم اعتراض مردم و هم برخی از سازمان‌ها و ارگان‌ها را به دنبال داشت. مردم گفتند خاموشی معابر در ساعات شب امنیت شهر را پایین می‌آورد، برای کسانی که شب هنگام در معابر تهران تردد دارند، تجربه رانندگی یا عبور از خیابان‌های تاریک تکراری است، انتشار عکس و فیلم‌ها در فضای مجازی نشان می‌دهد این روزها روشنایی شهر در شب برای همه معابر میسر نیست.

زنجیره تباهی که از ناتوانی در تولید گاز تا افزایش بزهکاری و سرقت در تهران ادامه یافته تنها یکی از نتایج چهار دهه حکمرانی جمهوری اسلامی است. اصلی‌ترین عامل کمبود گاز، فرسودگی خطوط تولید و توزیع و عدم به روزرسانی تکنولوژی است. موضوعی که از سوی حمیدرضا عراقی مدیرعامل سابق شرکت ملی گاز ایران مورد تأکید قرار گرفته است: «زمانی که قیمت گاز ارزان باشد طبیعتاً کسی به دنبال بخاری یا راندمان بالا نمی‌رود، نیروگاه‌ها خود را بهینه نمی‌کنند، صنایع نیز به دنبال راهکارهایی برای صرفه‌جویی سوخت نمی‌روند که منجر به کاهش قیمت‌ها شود، چرا که قیمت سوخت در هزینه‌های صنایع بزرگ همچون فولاد، پتروشیمی و نیروگاه‌ها تأثیر چندانی ندارد، بنابراین اگر قیمت بر اساس برنامه پنجم تغییر می‌کرد تکنولوژی نیز به این عرصه راه پیدا می‌کرد.»

به گفته حمیدرضا عراقی «بهینه‌سازی انرژی مستلزم قیمت، تکنولوژی و فرهنگ است، در همه جای دنیا انرژی قیمتی دارد که مردم نسبت به آن حساس هستند، در ایران قیمت افزایش نیافت، تکنولوژی وارد نشد، فرهنگ مصرف نیز شکل نگرفت و اکنون شاهد شرایط موجود هستیم. در شرایط فعلی، می‌توان گفت نیروگاه‌ها ۵۰ درصد با سوخت دوم فعال باشند و با صنعت سیمان محدودتر شود و یا پتروشیمی‌ها در زمستان کمتر مصرف کنند اما اگر این سیاست به همین روال ادامه پیدا کند، این مشکل را مانند آب زاینده‌رود هیچ کس نمی‌تواند حل کند.»

## کمبود انرژی و پیامدهای مجرمانه؛ افزایش بزهکاری و سرقت در شب‌های تاریک تهران



قطعات به سختی پیدا می‌شود و به همین دلیل با سختی آن‌ها را تعمیر و راه‌اندازی می‌کنند. طبق آماری که از مترو تهران دریافت کردیم متوجه شدیم که در حال حاضر در ایستگاه تجریش پله برقی ۱۱ روز است که خاموش است، در ایستگاه شریعتی نیز پله برقی شش روز است که خاموش است. همچنین سه روز یک پله برقی در ایستگاه میرزای شیرازی و یک پله برقی هم در ایستگاه نبرد ۲ روز خاموش است. بی‌تردید رفع مشکل پله برقی‌ها ربطی به تحریم‌ها ندارد؛ اما نصب برخی از تجهیزات تغییر کرده است و تأمین قطعات به دلیل این تغییر نصب سخت شده است!

شرکت «توانیر» اعلام کرده که افزایش دما و مصرف بالای برق مشترکان خانگی، صنعتی، ادارات و کشاورزی موجب فشار بر شبکه برق در بیشتر نقاط کشور شده و طی چند روز اخیر شاهد قطعی برق چند ساعته در برخی مناطق بوده‌ایم.

خاموشی‌ها اما زندگی شبانه در تهران را با تهدیدهای مختلفی روبرو کرده و سبب افزایش بزهکاری و دزدی شده است. به گزارش «خبرآنلاین» برای کسانی که شب هنگام در معابر تهران تردد دارند، تجربه رانندگی یا عبور از خیابان‌های تاریک تکراری است، انتشار عکس و فیلم‌ها در فضای مجازی نشان می‌دهد این روزها روشنایی شهر در شب برای همه معابر میسر نیست، مشاهدات میدانی حکایت از خاموشی چراغ برخی بزرگراه‌ها مانند بزرگراه شهید مدرس دارد، آنطور که ناصر امانی عضو شورای شهر تهران می‌گوید: «برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی

● مصرف برق به دلیل افت شدید فشار گاز در بخش خانگی افزایش پیدا کرده و بسیاری از شهروندان ناچار به استفاده از «اسپیلیت» یا اجاق‌های برقی برای افزایش دمای خانه‌ها هستند.

● تهران بار دیگر با خاموشی چراغ‌ها به ویژه در بزرگراه‌ها در شب و همچنین قطع پله برقی متروها روبرو شده که نه تنها زندگی مردم را بیش از پیش مختل کرده بلکه ناامنی و دزدی نیز افزایش یافته است.

● شرکت «توانیر» اعلام کرده که افزایش دما و مصرف بالای برق مشترکان خانگی، صنعتی، ادارات و کشاورزی موجب فشار بر شبکه برق در بیشتر نقاط کشور شده است.

کمبود برق در ایران بار دیگر تهران را در خاموشی فرو برده است؛ از چراغ‌های اتوبان تا پله برقی متروها در ساعات مختلف خاموش شده و حالا گزارش‌ها از افزایش ناامنی و سرقت در پایتخت خبر می‌دهند.

آثار چهار دهه بی‌اعتنایی جمهوری اسلامی به سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشور و ویران کردن زیرساخت‌های بجا مانده از پیش از انقلاب ۵۷ به مختل شدن روند زندگی روزمره مردم رسیده است. کشوری که دارنده یکی از بزرگترین ذخایر گازی جهان است از تأمین گاز مورد مصرف در فصول سرد ناتوان شده بطوری که قطع و اُفت فشار گاز طی از هفته‌های گذشته مشکلات زیادی برای بخش صنعت و خانگی ایجاد کرده است.

جدا از زیان هنگفتی که قطع گاز کارخانه‌های صنعتی و تولیدی به اقتصاد کشور وارد کرده و هزاران شهروند در یکی از سردترین زمستان‌های سال‌های اخیر با قطع گاز روبرو هستند، تولید برق نیز با اختلال روبروست. گاز به عنوان سوخت نیروگاه‌های فسیلی کشور که بیشتری سهم در تولید برق ایران را دارند، با افت فشار و قطع روبرو شده و در نتیجه بخشی از نیروگاه‌ها تولید خود را قطع و بخش دیگر از مازوت یا نفت کوره به جای گاز استفاده می‌کنند. استفاده از نفت کوره نه تنها سبب آلودگی شدید هوا شده که امکان تولید برق را نیز کاهش داده است.

در آنسو، مصرف برق به دلیل افت شدید فشار گاز در بخش خانگی افزایش پیدا کرده و بسیاری از شهروندان ناچار به استفاده از «اسپیلیت» و اجاق‌های برقی برای افزایش دمای خانه‌ها هستند.

کاهش برق اما مشکلات جدیدتری را ایجاد کرده است و تهران بار دیگر با خاموشی چراغ‌ها به ویژه در بزرگراه‌ها در شب و همچنین قطع پله برقی متروها روبرو شده است. خاموشی پایتخت نه تنها زندگی مردم را بیش از پیش با مشکل روبرو کرده بلکه سبب افزایش ناامنی و دزدی نیز شده است.

بر اساس گزارش‌ها شواهد میدانی نشان می‌دهد که در برخی از ایستگاه‌های مترو که تا حدودی پرتردد و شلوغ هم هستند، پله‌های برقی در طول روز خاموش می‌شوند و چنین مشکلی صدای شهروندان را در آورده است، لازم به ذکر است که عواملی همچون آلودگی هوا، ترافیک خیابان‌ها و وضعیت کرایه تاکسی‌ها، سردی هوا و... باعث شدند که مردم به استفاده از مترو بیشتر رغبت داشته باشند اما در حال حاضر قطار شهری پایتخت با هفت خط فعال و ۱۴۵ ایستگاه با توجه به خرابی یا خاموشی پله برقی‌ها موجب شده است تا رضایت کامل از این خطوط وجود نداشته باشد.

در همین رابطه ناصر امانی عضو شورای شهر تهران گفته که ۴۰ درصد پله‌های برقی تهران هنوز فعال نیستند گویا



# بازگشایی خزانه جواهرات ملی ایران برای بازدید عموم؛ ادعاهای سخنگوی دولت رئیسی همچنان ادامه دارد



تاج شهبانو

● خود جمهوری اسلامی و مقاماتش که پس از انقلاب به غارت کاخ‌های پادشاهی پرداختند بهتر از هر کسی می‌دانند که آنچه مفقود شده و یا با نمونه‌های بدلی جایگزین شده در خانه چه کسانیست و یا به چه کسانی فروخته شده و یا در کجا مخفی شده است. حالا در شرایطی که مردم ایران با خشم و انزجار خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند، و رژیم از تأمین نیازهای اقتصادی اولیه آنها بر نمی‌آید به دروغ‌پردازی دوباره درباره پهلوی و جواهرات سلطنتی پرداخته‌اند که متعلق به هیچ حکومتی نیست و جزو خزانه و اموال ملی به شمار می‌رود.

● به نظر می‌رسد به کارزاری نیاز است تا در این شرایط انقلابی از سرقت بیشتر اموال و خزانه ملی توسط مسئولان جمهوری اسلامی جلوگیری به عمل آورد.

همشهری آنلاین در خبری نوشت: «پس از حاشیه‌های ادامه‌دار در مورد دو تاج سلطنتی، بانک مرکزی اعلام کرد که خزانه جواهرات ملی ایران به مناسبت ایام دهه فجر برای بازدید عموم هموطنان بازگشایی می‌شود.»

در ادامه این گزارش آمده است: «این بانک در نظر دارد به مناسبت ایام مبارک دهه فجر، نسبت به بازگشایی خزانه جواهرات ملی به منظور بازدید عموم با تهیه بلیط، از روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۲ تا ۱۴۰۱/۱۱/۲۲ (بجز روزهای پنجشنبه، جمعه و ایام تعطیل) از ساعت ۱۴ تا ۱۶:۳۰ اقدام کند.»

بازگشایی خزانه جواهرات ملی پس از توییت جنرال‌آفرین علی‌بهادری جهرمی سخنگوی دولت ابراهیم رئیسی در دستور کار قرار گرفته است.

وی در ۲۶ دی‌ماه درباره خروج جواهرات سلطنتی از ایران به دست محمدرضا شاه پهلوی و شهبانو فرح ادعا کرد که پادشاه پیشین ایران هنگام خروج از کشور، ۳۵ میلیارد دلار از «اموال ایرانیان» شامل ۳۸۴ چمدان جواهر و الماس، «دو تاج با ۵ هزار قطعه الماس»، و «۵۰ قطعه زمرد و ۳۶۸ حبه مروارید» را با خود برده‌اند!

در همین ارتباط شهبانو فرح پهلوی در واکنش به این ادعای سخنگوی دولت جمهوری اسلامی با تأکید بر اینکه همه این جواهرات در گنجینه بانک مرکزی ایران قرار دارد به «رادیو فردا» گفت: «با خودم پوتین‌هایم را آوردم اما حتی تنها نیم‌تاجی را که متعلق به خودم بود که الماس و فیروزه‌نشان بود، گذاشتم ایران و آدم.»

در ادامه حاشیه توییت جنجالی بهادری جهرمی، عزت‌الله ضرغامی از این گنجینه بازدید و وجود دو تاج سلطنتی را در این مجموعه تأیید کرد.

روز گذشته وبسایت «سرپوش» پس از انتشار عکس یادگاری ضرغامی با تاج‌های گنجینه جواهرات بانک مرکزی در گزارشی با اشاره به اینکه اعتماد مردم در موضوع تاج‌های سلطنتی به شدت خدشه‌دار شده نوشت: «افکار عمومی همچنان تردید دارند که آیا تاج‌های موجود در عکس ضرغامی واقعی هستند یا خیر؟ برای اینکه راستی‌آزمایی به گونه‌ای پیش برود که افکار عمومی نیز قانع شود باید کمیته‌ای متشکل از متخصصان مستقل جواهرات، اعضای کمیته ملی موزه‌های ایران و خبرنگاران تشکیل شده و تاج‌ها در حضور این افراد به نمایش گذاشته شده و بررسی شود. تنها چنین فرآیند راستی‌آزمایی مستقلی است که می‌تواند پاسخ مکفی به سوالات افکار عمومی در این خصوص را بدهد.»

در همین ارتباط نیز شهبانو فرح پهلوی به بخش فارسی صدای آمریکا گفته است که پس از اظهارات سخنگوی دولت جمهوری اسلامی، نسبت به سرقت جواهرات سلطنتی از

بزرگ‌ترین ثروت‌های خصوصی جهان را که بیش از یک میلیارد دلار بالغ می‌گردد داراست. روزنامه نیویورک تایمز که بر اساس تحقیقات و گزارش‌های بانکداران، بنگاه‌های معاملات ملکی، کارشناسان مالی خاورمیانه و اسناد و اطلاعات منتشره گزارش خود را تهیه کرده است، می‌نویسد: میزان واقعی دارایی‌های خانواده پهلوی نامعلوم است اما مسلم است که ثروت خانواده پهلوی در خاورمیانه فقط با ثروت خانواده رهبران سعودی و خانواده کویتی الصباح قابل مقایسه است. نیویورک تایمز می‌افزاید: قسمت اعظم ۲ الی ۴ میلیارد دلار پولی که ظرف دو سال گذشته از ایران به آمریکا منتقل شده به خانواده سلطنتی تعلق داشته است. در همین گزارش نیویورک تایمز به فهرست دارایی‌های خانواده پهلوی نیز اشاره شده است.»

در ادامه این متن به مصاحبه احمد علی مسعود انصاری پسرخاله شهبانو فرح و از همراهان محمدرضا شاه اشاره شده و آمده است «قسمت سوم جواهراتی است که خاندان پهلوی از ایران بیرون آوردند. آنطور که شنیدم، قسمتی از این جواهرات را در چهار صندوق بزرگ، خانم فریده دیبا و آقای شهبازی در بانک‌های سوئیس گذاشتند.»

بهادری در ادامه توجیحات و تحریفات خود به بخشی از کتاب خاطرات امیراصلان افشار آخرین رئیس تشریفات دربار پهلوی نیز اشاره و ادعا کرده است: «۱۰ روز مانده به سفر، به دستور شاه تدارک سفر را دیدیم. اول از همه اثاث فرح بسته‌بندی شد و پیش از هر چیز جواهرات ملکه در صندوق‌هایی که از یک موسسه خارجی خریداری شده و از نظر امنیتی مطمئن بود بسته‌بندی شد. سرانجام روز خداحافظی فرار رسید. وسایل قبلاً در ۲ هواپیمای بوئینگ قرار گرفته بود. شاه شخصاً جواهرات را جمع می‌کردند و در این کار لوئیز قطبی، ندیمه پارمیس علم و لیلی امیرارجمند او را کمک می‌دادند.»

بهادری بار دیگر به متن توییت جنجالی خود استناد و ادعا کرده است: «حجم جواهرات و اشیا گرانبهایی که از سوی دیکتاتور به خارج از کشور منتقل شده، غیرقابل تخمین است. در بین این اموال گرانبهایی که متعلق به مردم ایران است، تاج و نیم‌تاج‌هایی هم وجود داشته است که تعداد دقیق آن را فقط خود خاندان فراری پهلوی می‌دانند و همیشه هم از اعلام جزئیات آن خودداری کرده است. میزان سرقت صورت گرفته از اموال ایرانیان به قدری زیاد است که هیچ تاریخ نگار صادقی منکر آن نیست و صرفاً بر سر تعداد و حجم آن اختلاف نظرهایی وجود دارد.»

اینهمه دروغ و تخطئه و ادعاهای بی‌پایه در حالیست که شهبانو فرح همواره درباره این مسائل بطور مستند توضیح داده است و خود جمهوری اسلامی و مقاماتش که پس از انقلاب به غارت کاخ‌های پادشاهی پرداختند بهتر از هر کسی می‌دانند که آنچه مفقود شده و یا با نمونه‌های بدلی جایگزین شده در خانه چه کسانیست و یا به چه کسانی فروخته شده و یا در کجا مخفی شده است. حالا در شرایطی که مردم ایران با خشم و انزجار خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند، و رژیم از تأمین نیازهای اقتصادی اولیه آنها بر نمی‌آید به دروغ‌پردازی دوباره درباره پهلوی و جواهرات سلطنتی پرداخته‌اند که متعلق به هیچ حکومتی نیست و جزو خزانه و اموال ملی به شمار می‌رود. اتفاقاً به شدت جای این نگرانی وجود دارد که این اموال توسط مقامات نالایق جمهوری اسلامی که آینده‌ای برای خود نمی‌بینند، دزدیده شود. از همین رو به نظر می‌رسد به کارزاری نیاز است تا در این شرایط انقلابی از سرقت بیشتر اموال و خزانه ملی توسط مسئولان جمهوری اسلامی جلوگیری به عمل آورد.

بانک مرکزی توسط حکومت نگران است، چرا که به گفته او، «می‌دانند ممکن است رژیم عوض شود» و می‌خواهند «این جواهرات را بردارند.»

با اینهمه بهادری جهرمی پس از انتشار آن توییت جنجالی و ادعای کذب بجای عذرخواهی از دروغی که گفته بود، در پی انتشار مطلبی در روزنامه «مردم‌سالاری» در یکم بهمن ماه با عنوان «چرا موزه جواهرات ملی ایران همچنان تعطیل است؟» یک جوابیه بلندبالا به دفتر این روزنامه ارسال کرد. در بخشی از این جوابیه، بهادری در دروغی دیگر ادعا کرده است که روزنامه دلی تلگراف انگلیس در گزارش اخیر خود که در ۱۸ ژانویه ۲۰۲۳ منتشر شده به صراحت نوشته است: شاه آنقدر طلا و وسایل قابل حمل بار هواپیما کرده بود که هواپیما بلند نمی‌شد!

در ادامه این جوابیه، سخنگوی دولت رئیسی ادعا کرده است که «روزنامه فایننشال تایمز در سال ۲۰۰۹ میزان دارایی‌های خارج کرده از سوی دیکتاتورهای فراری از کشورهای مختلف را بررسی کرده است و با بررسی دارایی‌های دیکتاتورهای مخلوع، آمده است که محمدرضا پهلوی شاه مخلوع ایران ۳۵ میلیارد دلار دارایی از ایران خارج کرده که ۲۰ میلیارد دلار آن از سوی دولت آمریکا مسدود شده است. این موضوع در گزارش انجمن فرانسوی CCFD نیز تصریح شده است.»

بهادری در ادامه نوشته است که روزنامه نیویورک تایمز نیز در تاریخ ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ (مطابق با ۲۰ دی ۱۳۵۷) تقریباً یک ماه پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در گزارشی نوشت: «بر اساس برآورد بانکداران، شاه ایران یکی از

## اتهام «محاربه» برای سه شهروند در مشهد به دلیل از کار انداختن دوربین مدار بسته!



مجید خوش نظر و فرزندش امیررضا خوش نظر

پایشان در خلاف جهت بریده شوند و یا نفی بلد شوند.» سخنگوی قوه قضاییه با حمله به «اساتید، حقوقدانان، روحانیون» و دیگر شهروندانی که صدور احکام «اعدام» و تعیین اتهامات سنگینی چون «محاربه» علیه معترضان بازداشت شده را زیر سوال برده اند، گفت این انتقادها «تشویش اذهان عمومی» است و «خط قرمز» است!

این در حالیست که اکثر شهروندان بازداشت شده که با صدور حکم اعدام روبرو شدند از دسترسی به وکیل انتخابی محروم بودند و از سوی دیگر زیر شکنجه های شدید جسمی و روانی ناچار به اعتراف علیه خود و تکرار آنچه شدند که مقامات امنیتی وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه ستاریوی آن را نوشته و پرداخته بودند.

برای نمونه سازمان عفو بین الملل در تازه ترین گزارش خود از شکنجه جسمی و جنسی سه جوان خبر داده که در جریان اعتراضات بازداشت و در دادگاه به اعدام محکوم شده اند.

در این گزارش آمده است: «سه معترض جوان شکنجه شده با نام های عرشیا تکدستان ۱۸ ساله، مهدی محمدی فرد ۱۹ ساله و جواد روحی ۳۱ ساله، در معرض خطر اعدام قرار دارند. احکام آنها مرتبط با اعتراضات صورت گرفته در نوشهر استان مازندران در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ است. آنها در آذرماه ۱۴۰۱ بابت اتهامات «محاربه» و «افساد فی الارض» به دو بار اعدام محکوم شدند. جواد روحی یک حکم سوم اعدام هم بابت اتهام «ارتداد» دریافت کرده است که بر اساس «اعترافات» حاصل از شکنجه مبنی بر سوزاندن قرآن صادر شده است.» در ادامه این گزارش آمده است: «جوانان نامبرده جهت «اعتراف گیری» مورد ناپدیدسازی قهری و انواع شکنجه و سایر رفتارهای بی رحمانه، غیر انسانی و تحقیرآمیز قرار گرفته اند از جمله حبس طولانی مدت در سلول های انفرادی، آویزان شدن، ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه به روی پیشانی و تجاوز یا سایر خشونت های جنسی از جمله گذاشتن یخ روی بیضه ها.» سازمان عفو بین الملل تأکید کرده که اعتراف جواد روحی به سوزاندن قرآن که سبب صدور اتهام ارتداد علیه او شده، حاصل شکنجه های وحشیانه بوده است. این گزارش افزوده که در نتیجه این شکنجه ها، جواد روحی دچار پارگی کتف، عدم کنترل ادرار، عوارض گوارشی و اختلالات حرکتی و گفتاری و عرشیا تکدستان دچار شکستگی انگشت پا و مشکلات حافظه شده است.

بر اساس اطلاعاتی که سازمان عفو بین الملل منتشر کرده بین مهدی محمدی فرد به دلیل ضرب و جرح در زمان دستگیری شکست و او به دلیل تجاوز دچار جراحات و خونریزی مقعدی شد.

بر اساس آمار ارائه شده از سوی خبرگزاری «هرانا» تا هفته گذشته حدود ۲۰ هزار نفر از معترضان بازداشت شده اند که از میان آنها، ۳۳۷ نفر در دادگاه های انقلاب محکوم شده اند و در کل ۱۲ هزار و ۳۳۰ ماه حکم حبس صادر شده است.

خبرگزاری «هرانا» بر اساس آخرین گزارش های دریافتی اعلام کرد از ۲۶ شهریور تا شامگاه پنجشنبه ۶ بهمن دست کم ۷۱۷ دانشجو بازداشت شدند.

فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران اعلام کرد که از آغاز اعتراضات سراسری تا کنون ۷۲ روزنامه نگار توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند که از میان آنها ۲۷ تن کماکان در زندان بسر می بردند. در گزارش پیش رو به آخرین وضعیت این شهروندان پرداخته شده است.

فدراسیون بین المللی روزنامه نگاران تأکید کرده از آغاز اعتراضات سراسری پس از جان باختن مهسا (ژینا) امینی تا کنون، ۷۲ روزنامه نگار توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده اند. بر اساس این گزارش، از مجموع این ۷۲ روزنامه نگار تا کنون تنها ۴۹ تن از آنها آزاد شده اند. صدور حکم اعدام برای شهروندانی که در جریان اعتراضات بازداشت شدند با واکنش شدید بخشی از وکلا و اساتید حقوق روبرو شد. آنها معتقد بودند صدور اتهاماتی چون «محاربه» که دست قاضی برای صدور اشد مجازات یعنی «اعدام» را برای این متهمان باز می گذارد اساسا بر خلاف قوانین حقوقی و فقهی است.

محسن برهانی دانش آموخته حوزه علمیه، دارای مدرک دکترای حقوق و وکیل پایه یک دادگستری در تهران در هفته های گذشته به شکل پیوسته و منسجم با صدور اتهامات سنگینی چون «محاربه» و «افساد فی الارض» علیه شهروندانی که در جریان اعتراضات بازداشت شدند و همچنین صدور حکم اعدام و اجرای این احکام اعتراض کرده بود. محسن برهانی بطور روشن اتهامات و احکام صادر شده را نادرست و برخلاف قانون و شرع خوانده بود. محسن برهانی دو هفته پیش از هیئت علمی دانشگاه تهران اخراج شد!

مقامات قوه قضاییه جمهوری اسلامی از صدور اتهامات سنگین و حکم «اعدام» علیه معترضان دفاع کرده و معتقدند آنها سزاوار «طاب دار، بریدن دست و پا و نفی بلد» هستند. مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه روز سه شنبه ۲۹ آذرماه ۱۴۰۱ از صدور احکام اعدام علیه شهروندان معترضی که از ابتدای خیزش ملی بازداشت شدند دفاع کرده و گفته که «در حوزه محاربه، یک مبانی قرآنی مطرح است که می توان به آیه شریفه ۳۳ سوره مائده اشاره کرد که می فرماید سزای کسانی که با خدا و پیامبر می جنگند و در زمین ظلم می کنند، سزایی نیست جز این که به دار آویخته شوند و یا دست و

بابک زرین، مجید خوش نظر و فرزندش امیررضا خوش نظر معترضان بازداشتی در مشهد، توسط شعبه ۹۰۴ دادسرای عمومی و انقلاب این شهر به دلیل «از کار انداختن دوربین های مدار بسته» به «محاربه» متهم شدند.

● مجید خوش منظر ۴۹ ساله و کارمند ارشد مرکز کنترل ترافیک شهرداری مشهد و پسرش امیررضا خوش منظر قهرمان بوکس است.

سه شهروند معترض در ایران به دلیل «از کار انداختن دوربین های مدار بسته» به «محاربه» متهم شده و زیر خطر صدور حکم اعدام قرار دارند. دو تن از متهمان که پدر و فرزند هستند، هر دو با اتهام واهی «محاربه» روبرو هستند.

بابک زرین، مجید خوش نظر و فرزندش امیررضا خوش نظر معترضان بازداشتی در مشهد، توسط شعبه ۹۰۴ دادسرای عمومی و انقلاب این شهر به ریاست علی سلیمانی مارشگ به دلیل «از کار انداختن دوربین های مدار بسته» به «محاربه» متهم شدند. اتهامی که می تواند به صدور حکم اعدام علیه آنها منتهی شود.

مجید خوش منظر ۴۹ ساله و کارمند ارشد مرکز کنترل ترافیک شهرداری مشهد و پسرش امیررضا خوش منظر قهرمان بوکس چند روز پس از تجمعات اعتراضی روز ۴ آبان و همزمان با چهلمین روز کشته شدن مهسا امینی در مشهد بازداشت شدند. خبرگزاری «هرانا» گزارش داده که امیررضا خوش نظر ورزشکار رشته بوکس در حالی که قصد سفر به خارج از کشور را داشت توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شد. او سپس به یکی از بازداشتگاه های امنیتی در مشهد انتقال داده شد.

مجید خوش نظر و بابک زرین نیز توسط مأموران وزارت اطلاعات در مشهد بازداشت شدند. پیشتر یکی از روزنامه های داخلی بدون اشاره به هویت این شهروندان از بازداشت این شهروندان خبر داده بود.

از بعد از آغاز خیزش انقلابی جمهوری اسلامی حدود ۲۰ هزار شهروند را در شهرهای مختلف بازداشت کرد که از این تعداد بیش از ۱۰۰ نفر به دلیل اتهامات سنگین «محاربه»، «افساد فی الارض» و «بغی» با خطر اعدام روبرو شدند.

علیه بیش از ۱۵ شهروند حکم اعدام صادر شد اما درخواست فرجام خواهی برخی از آنها در دادگاه تجدید نظر پذیرفته شد و شماری دیگر همچنان با خطر اعدام روبرو هستند. در این میان حکم اعدام چهار جوان، محمدحسین کرمی، مجیدرضا رهنورد، محسن شکاری و محمد حسینی اجرا شد و آنها به دار آویخته شدند.

عاجز ماند و به دست و پا افتاد و تعهد سپرد که زبانش را نگهدارد به شرطی که ما هم پرونده را بایگانی کنیم. دست دادن با خانم (یا خانم‌هایی) در جلو چشم همگان، آن هم در یک کشور خارجی و در یک اجلاس عمومی خیلی فرق دارد با درآغوش کشیدن زن شوهردار که آقای خاتمی را این طور به دست و پا انداخته و حتی امروز که دیگر دارای مقام رسمی و مرئوس آیت‌الله خامنه‌ای و مرعوب دستگاه امنیتی و آدمکشان حرفه‌ای نیست، به واکنش منفعلانه واداشته است. سید محمد خاتمی از در بزرگی که تاریخ به رویش گشوده بود وارد شد و هشت سال عجز نشان داد و سرانجام از در کوچک بیرون رفت. دلایل زیادی برای ناکامی او در مقام ریاست جمهوری می‌توان برشمرد از ضعف شخصی تا موانع عمومی. این حرفی را که ایشان امروز می‌زند و می‌گوید عطای قدرت را به لقای آن بخشیدم، اگر در پایان دوره اول ریاست جمهوری بر زبان می‌آورد و بدان عمل می‌کرد امروز در چنین وضع خفت‌انگیزی قرار نمی‌گرفت و شاید مملکت

بازشم

## دست دادن یا ندادن مسأله این است!

( کیهان لندن شماره ۱۱۷۴-۱۱۶۳ )

تیر تا مهر ۱۳۸۶

احمد احرار



سید محمد خاتمی در سازمان ملل متحد ۱۳۷۷

هم به چنین روزی نمی‌افتاد که از منجنیق فلک بر سرش سنگ فتنه ببارد و در این حال مسأله روز و مشغله دولت و ملت، دست دادن یا دست ندادن فلان آدم با زن نامحرم باشد.

این نتیجه هشت سال حکومت بزدلانه خاتمی است که جنبش تحول‌طلبی در ایران، علی‌رغم برخورداری از حمایت قدرتمندانه اکثریت قاطع مردم و پشتیبانی افکار جهانی، شکست خورد و برگشته‌ایم به عصر استبداد و حاکمیت ارتجاع. بگذریم و بپردازیم به ماجرای اخیر.

یک فیلم پنج - شش دقیقه‌ای از سفر آقای خاتمی به ایتالیا انتشار یافته که او را در حال عبور از برابر چند خانم خارجی و خوش و بش کردن با آنها نشان می‌دهد. این خانمها برای استماع سخنرانی آقای خاتمی در مجمعی گرد آمده و بر سر راه ایشان قرار گرفته بودند. لابد آقای خاتمی هم پیش‌بینی چنین برخوردی را نکرده بود تا مثل سفرش به نیویورک همان گونه بگیریزد که برای روبرو شدن با کلینتون گریخت.

این فیلم چند دقیقه‌ای را قرشمال‌هایی که حکومت استبدادی - ارتجاعی موجود در استخدام دارد برای رئیس جمهوری پیشین، پیراهن عثمان کرده و خواستار خلع لباس و محاکمه او شده‌اند. آقای خاتمی به هراس افتاده است و می‌گوید فیلم، حقیقی نیست و مونتاژ است. دقیقاً همین جاست که من حرف دارم.

«بقیه حرفها در شماره آینده»

چندی بعد، که یکی از رفقای عکاس به من گفت عکسها واقعی است و خود او در ماجرا حضور و مداخله داشته است. دام‌گذاری برای اشخاص و فیلم‌برداری یا عکس برداری و ضبط صدای آنها توسط دستگاه امنیتی، در تمام دنیا امری رایج است. ساواک هم از این کارها می‌کرد. از جمله، زنان عشوه‌گری در اختیار داشت که آنها را بر سر راه اشخاص مورد نظر می‌گمارد و «شکار» را به خلوتگاه می‌کشاند و در معرض دید دوربین‌ها و شنود ضبط صوت‌ها قرار می‌داد. داستان، از این هم جالب‌تر شد وقتی دنباله آن را سالها بعد، از زبان یکی از مقامات برجسته امنیتی شنیدم.

او برابم گفت: رئیس (ارتشبد نصیری) واعظ را احضار کرد، عکس‌ها را جلو او گذاشت و خروشید که مرد ناحسابی، این چه رسوایی است؟ راست گفته‌اند که: واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند - چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند. آن منبر رفتنت، این خلوت کردنت! واعظ شهیر البته نمی‌توانست ادعا کند که عکسها ساختگی است. گفت کار خلاف شرعی صورت نگرفته، خانم فلان صیغه من است. ما که در اتاق مجاور نشسته بودیم و از طریق میکروفونی که زیر میز رئیس نصب شده بود این مذاکرات را گوش می‌کردیم، یادداشتی نوشتیم و برای رئیس فرستادیم که زن، شوهر دارد. شوهرش فلانی است. این آقا هم می‌داند و او را می‌شناسد. پیرسید آیا می‌توان زن شوهردار را صیغه کرد و به رختخواب برد؟ حریف، با همه سخنوری، در جواب

فلک دون نواز یک چشم است  
وان یکی هم میان سر دارد  
خرکی از زمین بلند کند  
چون عزیزانش معتبر دارد  
بردش بر فراز دیده خود  
چون ببیند که سم خر دارد  
زندش بر زمین که خرد شود  
خر دیگر به جاش بردارد

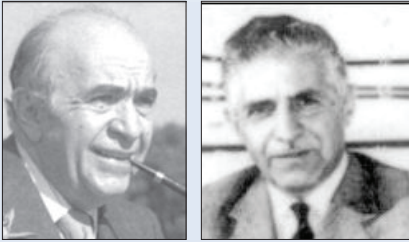
آقای محمد خاتمی یکی از آن برگزیدگان بود که فلک دون نواز او را برکشید، هشت سال معتبرش داشت و چنانش بر زمین زد که احتمال برخواستنش منتفی است، هرچند عاشقان چشم و ابرو و ناز و ادای او در داخل و خارج هنوز به وقوع معجزه عیسوی و دمیدن روح در این مرده سیاسی امیدوارند. من تعجب می‌کنم از اشخاص صاحب نظر و بی‌غرض و اکثراً سپیدموی که خود باور کرده‌اند و می‌خواهند به دیگران نیز بیاوراند که خاتمی سعی کرد با آمریکا وارد مذاکره شود و مسائل فی‌مابین را حل کند ولی آمریکایی‌ها مرتکب اشتباه شدند و این فرصت تاریخی را از دست دادند. ما ایرانی‌ها، از بزرگ و کوچک، یک خصلت مشترک داریم. بدیهیات را کمتر باور می‌کنیم تا وهمیات. چیزی را که جلوی چشممان واقع می‌شود نادیده می‌گیریم و به افسانه‌ای که معلوم نیست چه کسی و با چه نیتی به هم بافته است به دیده قبول می‌نگریم.

ما به چشم دیدیم که بیل کلینتون به هر کاری که عقلش می‌رسید و طرفداران مصالحه با ایران، از ایرانی و آمریکایی، پیشنهاد کردند تن سپرد. به او گفتند برای شکست یخ‌ها در رابطه بین ایران و آمریکا باید واشنگتن به گناه خود در قضایای منتهی به ۲۸ مرداد اعتراف کند. پذیرفت و وزیر خارجه‌اش، خانم اولبرایت را مأمور کرد رسماً اعتراف و عذرخواهی کند. اقدامی یک طرفه و بی‌نتیجه. بعد، فرصت دیدار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیش آمد. آمریکایی‌ها تمام مقدمات را تدارک دیدند تا رئیس جمهوری آمریکا و رئیس جمهوری ایران، محترمانه با هم بنشینند و صادقانه گفتگو کنند. کلینتون در تالار جلسه علنی نشست و به موعظه آقای خاتمی که گریزی هم به صحرای کربلا و مظالم آمریکا داشت گوش سپرد اما آقای خاتمی از ترس آن که مبدا سینه به سینه کلینتون قرار گیرد و مجبور شود دست او را بفشارد، به سرعت از سالن گریخت. حتی از حضور در برابر دوربین عکاسان و فیلم‌برداران، به هنگام عکس‌برداری و فیلم‌برداری از رؤسای هیأت‌های نمایندگی امتناع ورزید. آن وقت چه طور می‌توان به اعتبار حرف فلان مأمور درجه سوم آمریکائی داستان ارسال نامه‌ای به امضای آقای خاتمی و وزیر امور خارجه وی برای مذاکره با آمریکا و بی‌اعتنایی کاخ سفید به این نامه را جدی گرفت و باور داشت؟

داستان واقعی، و نه خیالی، این آخرین نمایشی است که آقای خاتمی در مرکز آن قرار دارد: دست دادن یا ندادن با زنان در سفر ایتالی!

در اوایل دهه پنجاه، یک روز صبح تعدادی عکس در تهران و قم و مشهد به دست این و آن رسید که یکی از واعظان سرشناس را در حال معاشقه و همبستری با خانمی جوان نشان می‌داد. عکسها در طول روز دست به دست گشت و تکثیر شد و زمزمه‌هایی نیز برانگیخت اما طولی نکشید که مدافعان «روحانیت مبارز» به مقابله برخاستند و مدعی شدند که عکسها «مونتاژ» و ساخته و پرداخته ساواک است به منظور لکه‌دار ساختن دامان قبای آن روحانی صاحب نام. آن عکسها را من دیدم ولی این ادعا را نیز باور کردم تا

## نکته‌هایی در باره «معمای هویدا» (۳)



منوچهر فرمانفرمایان

## در طوفان انقلاب، من دوبار با هویدا دیدار کردم

## مردی که سیزده سال ریاست دولت و پانزده سال مرکزیت مملکت را داشت بیکار و نومید در کنار حوض منزل راه می‌رفت بدون عصا و پیپ!

(تاریخ نشر در کیهان لندن:

مهر تا آبان ماه ۱۳۸۰

شماره‌های ۸۸۰-۸۷۸)



«معمای هویدا» - که بخشی از آن را در خاطرات و تاریخ کیهان خواندید - کتابی است بحث برانگیز. همان گونه که در بازار کتاب مورد توجه قرار گرفت و تیراژ قابل توجهی به دست آورد، در محافل و مجالس نیز موضوع بحث ایرانیان آشنا به مسائل سیاسی و اجتماعی یا دست اندرکاران امور در رژیم پیشین بوده است.

ما وعده کرده بودیم نظریات و انتقادات صاحبزنان و مطلعین را، مشروط به آن که مربوط به موضوع و عاری از حب و بغض یا کلی بافی باشد، راجع به این کتاب منعکس کنیم. مقاله مسووط دکتر منوچهر فرمانفرمایان نمونه یک نقد متین و منطقی در باره «معمای هویدا» است. این مقاله را به نقل از «ره آورد» در سه شماره به نظرتان می‌رسانیم. منوچهر فرمانفرمایان با امیر عباس هویدا دوستی نزدیک داشته است و زمانی هر دو از مدیران شرکت ملی نفت ایران بودند.

هویدا هیچ وقت از شنیدن حرف حساب و ایراد بجا رو بر نمی‌گردانید و از شوخی و مزاح که بر ضد او می‌شد تا حدودی لذت می‌برد و با وصف این که بی نهایت نکته سنج بود جواب تندى به کسی نمی‌داد و تحمل حرفهای سخت را می‌کرد. یکی از دفعات که او را در منزل تقي رضوي دیدم، تصادفاً گفت نخست وزيري مثل مرض سل است تا آدم را نکشد ول کن نیست. نمی‌دانم آیا در موقع مرگ به فکر این جمله افتاد یا خیر. خدا بیامرزد هویدا را، وجداناً تصور می‌کنم که آقای میلانی هر چند مطلب شایسته‌ای درباره او نوشته‌اند ولی حق هویدا بیش از آن است که در کتاب گفته شده و تصور می‌کنم با شمارش عیوب و ایراداتی که وارد آورده‌اند بر عکس هویدا را آن چه نبوده معرفی می‌کنند:

۱- از بدو امر هویدا را در معاملات مشکوک می‌گذارد و با وصف این که مدرکی بر علیه او یافت نشده باز به عقیده من خدش‌های است که بدون دلیل به او وارد می‌آید. مثل «من اطلاعات مربوط به آلمان را نداشتیم.»

۲- «پدرش» بهائی بوده و معلوم نیست چه ربطی به او دارد و چرا خواننده وقت خودش را با این امر باید تلف کند که فلان کسی چه مذهبی داشته. مثل این است که مذهب تاثیر کلی به رفتار شخص هویدا داشته و این چه حرفی است که این همه تکرار می‌شود. به شما و بنده چه که پدر هویدا یا خودش فلان مذهب دارد یا ندارد.

۳- باز هم موضوع فراماسون بودنش به بنده و امثال من چه ارتباط دارد که این همه در باره آن توضیح داده شده، فراماسونری نه حزب است نه مذهب، باشگاهی است که انگلیس ها اختراع کرده‌اند برای مقاصد خودشان.



امیرعباس هویدا و لیلا امامی در دوران زناشویی

شاهقلي در صفحه ۲۷۸ ذکر شده که به سفارت امریکا براي گزارش مي رود و مي‌گويد به چه نحوي حزب ايران نوين را شاه در هم شکسته و دليل مي آورد که تمام پول بنياد پهلوي و قدرت حزب مردم و شاه قادر نشدند که آرای اهالي رامسر را به حزب مردم منتقل نمایند، بنابراین شاه تصمیم گرفت حزبي که این قدرت را کسب کرده منحل کند. بعد خود نویسنده می‌گوید که دکتر شاهقلي مرتکب اشتباهي شد و آنچه می‌گوید مربوط به شهسوار است که کاندیداي حزب ايران نوين با اکثریت آراء برنده شد. نمی‌دانم باید بر طبابت دکتر شاهقلي ايمان آورد و یا شَم سياسي ایشان. در این مورد هم باید به دکتر شاهقلي تبریک گفت و هم به سفارت امریکا و هم به نویسنده کتاب. کدام ایرانی است که بگوید در اول ۱۹۷۷ مردم شهسوار یا هر جای دیگر در ایران طوري قد علم کردند که هیچکس نتوانست جلوي اشتیاق ملت را به رأی دادن بگیرد و شهسوارها یا رامسريها آن کاري که خواسته بودند کردند و موفق شدند و حزب ايران نوين توانست با ايمان و علاقه و مردانگي انتخابات را به نحوي که حزب دستور می‌داد علیرغم دولت و پول و شاه، وکیل خودش را به مجلس بفرستد. آقای دکتر شاهقلي و نویسنده کتاب بهتر است اعلان کنند که خوانندگان همگی نادانند و بگویند که تمام آنان از بین نادانهای که ایران را نمی‌شناسند انتخاب شده‌اند و این اراجیف را قبول خواهند کرد.

## شکنتجه در ایران

بعید نیست که همین پراکنده‌گویی‌ها، سفارت امریکا را گمراه کرد و ایران را به باد داد. در صفحه ۲۲۳ از

۴- می‌گویند توده‌ای بوده. عده زیادی در جوانی توده‌ای بودند، و هرکسی که امروز هم پولي ندارد توده‌ای است. این که دلیل خوب یا بد طرف نمی‌شود و چه گفتن دارد.

۵- در صفحه ۲۰۶ عکسي از ازدواج هویدا به چاپ رسیده، مثل این است که عزاداري داشته. این عکس رقت آور است. ما عکسهای خیلی بهتر با لبخند دیده بودیم. می‌فرمایید که خانم هویدا از این عکس بهتر نداشت که بدهد شما چاپ کنید. در همان صفحه می‌نویسید که homosexual - pederast - impotent - بود. اقا آقای میلانی می‌خواست به امثال ما که در ایران با نخست وزیري او ۱۳ سال زندگی کردیم رحم کند. این گفته شایسته مجله یا روزنامه‌های پایین شهر است چنان که خافش هم مطالبی که به او بسته شده تکذیب می‌کند. تصدیق می‌کنم که او مرد زن باز قهارى نبود ولی کسی که تمایلات انحرافات جنسي دارد آخرالمرم خود را لو می‌دهد، چنان که در تمام محافل دنیا چنین اشخاصی همیشه انگشت نم‌هستند. هویدا در زمره آنها نبود.

از هویدا بگذریم. در کتاب آقای میلانی صفحات متعددی در باره رفت و آمد وزرای کابینه منصور و هویدا به سفارت امریکا اختصاص داده شده است. اسامي راکول و یاتسویچ به حد وفور ذکر گردیده و وزرای هویدا همگی به سفارت امریکا برای عرض گزارش و یا صلاحید معرفی شده‌اند. ما اگر بخوایم به جزئیات این کتاب وارد بشویم صدها صفحه نوشته لازم است و چون فقط می‌خواهم در باره هویدا صحبت کنم که چطور این آدم و شاه که همه جور می‌توانستند از وزراء مؤأخده و بازخواست کنند گذاشته بودند تا این حد امور از دستشان در برود که هر وزیري هرکاري می‌خواست انجام دهد. مثلا دکتر

کرد به خصوص اگر تجدید نظر در قیمت ها نشود. ضمناً او گفته است که با روال فعلی بهای نفت می بایست در سال ۱۹۹۰ به نود دلار برسد!

۷- وسایل خبری ممالک صنعتی برای پوشاندن تورم داخلی خودشان نفت را بهانه کرده اند و دایم از طریق وسایل خبری که قویا در اختیار دارند ما را می کوبند و ما صادرکنندگان نفت را سبب تورم در دنیا معرفی می کنند.

شاه مطالبی را که رئیس جمهوری ونزوئلا در دل داشت و مثل سیل سرازیر کرد، قبول فرمودند ولی اضافه کردند ما هر کاری بکنیم محکوم می شویم.

اولا اگر عواید نفت را خرج کنیم به تورم داخلی خودمان اضافه می کنیم چون زیربنای محکمی برای نرخ صحیح هنوز

هر چه می شد منجر به انقلاب نمی گردید چون امریکایی ها مدعی بودند که دموکراسی در ایران نیست (و لابد جاهای دیگر هست). برای اطلاع خوانندگان قسمتی از یادداشتی را که در موقع سفارت و قدری پس از مسافرت اعلیحضرت به کاراکاس و مذاکرات بین شاه و رئیس جمهوری ونزوئلا به عمل آمد خدمت خوانندگان عرض می کنم (در این مذاکرات فقط دکتر خلعتبری وزیر امور خارجه وقت و بنده وزرای نفت و وزیر امور اقتصادی ونزوئلا شرکت داشتند).

شاه: آیا ونزوئلا با تورم و مشکلات ناشی از آن رو به رو است یا خیر؟

پاسخ رئیس جمهوری:

۱- محققاً دولتهای در حال توسعه تورم را تولید نکرده اند

→ قول نجم آبادی که او را در بدو امر با نقره فولادین زره پوش می کند می نویسد (صفحه ۱۶۶) ما اطلاع داشتیم که شکنجه در ایران رواج دارد ولی ما سکوت را انتخاب کردیم و برای اینکار گناه کاریم. ولی سکوت اختیار کردیم چون خدماتی که جمعی به مملکت می کردیم ارزش سکوت را داشت و با وصف اینکه سکوت گناهکارانه بوده من و همکارانم از عملیاتی که انجام دادیم می توانیم سربلند باشیم.

در این مورد بهتر است خوانندگان متن انگلیسی کتاب را مطالعه کنند و بعد قضاوت کنند که این خدمات چطور منجر به تسلیم بلاعارض شش دانگ مملکت شد و آیا این آقایان تصور نمی کنند که هیچ رهبر پی لیاقتی، حتی شاه سلطان حسین مملکت را این طور تسلیم نکرده است و حالا می آیند دستورات شاه را هم که سبب می شده جاده و راه آهن و سدهای متعدد بسازند، به حساب خودشان می گذارند. در هر حال برای بنده روشن نیست چطور چنین مطالبی از طرف گویندگان که اسمشان برده می شود و آنان را الی الابد محکوم می کنند تکذیب نمی گردد تا اقلاً روزی اولاد ایشان بدانند که چنین نبوده و منظور پدرشان شرکت و طرفداری از شکنجه و کشتار نبوده است.

در صفحات ۲۷۰ به بعد آقای میلانی صحبت از احزاب زمان محمد رضا شاه می کنند. شاید من اشتباه می کنم ولی اعتقاد دارم که در ایران هیچ حزبی با ایمان روی کار نیامد (جز حزب توده) و کلیه احزاب از زمان قوام السلطنه به بعد، با یک نیش قلم تأسیس و یا از بین می رفتند و این روند در تمام کشورهای کوچک متداول است و ایران استثنا نیست.

فقط بنده عرض می کنم که چون با آقای پروفیسور عدل قوم خویش بودم و با ایشان همیشه تماس نزدیک داشتم اطلاع دارم که وقتی حزب ایران نوین و حزب مردم ادغام شدند و نویسنده کتاب به حق و به طور واضح می نویسد (صفحه ۲۷۶) متحیر است که عده ای تحصیل کرده ایران چطور تسلیم ادغام شده اند و قبول کردند که حزب دولتی منحصر به فرد باقی بماند. نویسنده با کمال تاسف چنان که عرض کردم عمری در امریکا گذرانده و نمی داند که شرط سر کار ماندن فقط تسلیم بودن است و تا حدودی از خود هویدا درس دوام آوری را هر روز می آموختند. بنده منظورم توضیحی است در باره تشکیل حزب رستاخیز و انحلال حزب مردم. چنان که عرض شد، پروفیسور عدل این حزب را اداره می کرد ولی تعزیه گردانی و عضو موثر آن مهندس جفرودی بود که سالها سناتور شد و امروز در پاریس سکونت دارد.

از آنچه معلوم است آقای میلانی دسترسی به آن ها پیدا نکرده تا از آن دو بازیگر که به هیچ عنوان نمی شود نادیده گذاشت سؤال کند که حزب مردم چه شد. بنده پس از خواندن کتاب، چون به هر دوی آنها ارادت از قدیم دارم مراجعه کردم تأیید کردند که اولین کسی که به فکر ادغام این دو حزب افتاد خود هویدا بود. هویدا موضوع را به شاه عرض کرد و شاه همچنان که خود نویسنده کتاب می گوید لابد از انورسادات که با او دوستی نزدیکی داشت الهام گرفت و دستور ادغام را صادر کرد. غافل از این که ایران، مصر نیست و او هم انور سادات نیست.

### مشکل تورم

در صفحات ۲۸۰ به بعد صحبت از تورم و نابسامانی سرمایه گذاری دولت و تأثیرات سوء آن می شود و مطالب گفته شده روشن نیستند و یا درست تجزیه و تحلیل نشده که سبب اصلی آن چه بوده، آیا تورم بدون بوجه ارزش پیش می آید؟ آیا دولت می توانست جلوی مخارج خودش را بگیرد، آیا دولت قادر بود جلوی تورم دنیایی بایستد؟ آیا دولت می توانست طوری عمل کند که مردم را راضی کند و آیا هر طور بود و



هویدا در حال مذاکره با لیندون جانسون رئیس جمهوری امریکا کاخ سفید واشنگتن - دسامبر ۱۹۶۸

نداریم.

ثانیا اگر جلوی خرج را بگیریم و امساک بکنیم به مردم مملکت به نحوی تلقین خواهند کرد که این خودداری از خرج برای گذاشتن میلیاردها است در خارج برای کمک به بانکها و اقتصاد اروپا و آمریکا و بعد فرمودند ای کاش حرف والتر لوی درست در می آمد ولی ما به نصف این مبلغ هم راضی هستیم. برای خاتمه عرض می کنم که ماموریت اینجانب در ونزوئلا در اواخر سال ۱۹۷۷ خاتمه پیدا کرد و با خوشوقتی زیاد برگشتم به ایران که به آن علاقه مفرط داشتم و به آب و خاک و هوایش نیز مأوس بودم. در چند ماهی که در ایران بودم افتخار پیدا کردم که یک مرتبه هم به حضور شاه شرفیاب شوم. این بار به خلاف دفعه اول، بدون لباس رسمی و در دوران نخست وزیری جمشید آموزگار بود. شاه از اوضاع ونزوئلا سئوالاتی کردند که حتی المقدور جواب داده شد.

### دیدار با هویدا

چندی بعد رفتم به دیدن آقای هویدا در منزلی که جنب کاخ سعدآباد برای نخست وزیر تهیه شده بود (خانه بزرگی بود که می گفتند تیمور بختیار ساخته ولی فرصت زندگی در آن را پیدا نکرده و دولت آن را توقیف کرده) اتفاقاً آن روز با آقای رستمی زاده بودم و ایشان هم آمدند. مرحوم هویدا طبقه بالا بود. با خصوصیتی که با او داشتم رفتم بالا. او را در سالن کوچک جلوی اتاق خواب دیدم. روبوسی گرمی کردیم و محققاً با این روبوسی از حرفهای تلخ سابق گذشته بودیم و صحبتیمان آن روز بعد از سالها به جای اولش برگشت. رفتیم پایین و هویدا با همان سادگی و بدون نخوت از رستمی زاده که

چون ما قدرت مالی آن را نداریم و با چند هزار میلیون دلار نمی شود تورم عمومی در دنیا ایجاد کرد. ما هستیم که تورم را از ممالک صنعتی وارد می کنیم، چون آن ها حاکم به تولید اجناس صنعتی هستند.

۲- دلار آمریکا تا چندی پیش جزو ضعیف ترین ارزهای دنیای صنعتی بود ولی سیر صعودی را مجدداً پیش گرفته چون امریکا پایه طلا را از دلار جدا کرده و دلار آزاد شده است.

۳- دولت امریکا موفق شده با فعل و انفعالاتی مقادیر زیادی «اورو دلار» را که روی دست اروپایی ها مانده بود و تا چندی پیش قرار بود طلا در مقابل آنها بپردازد با دلار عادی یکسان کند. و چون دیگر طلا نمی دهند از درخواست طلا خلاصی پیدا کرده (چندی قبل دولت انگلیس تقاضا کرده بود که دولت امریکا صد میلیارد دلار به طلا بپردازد).

۴- نظر به اینکه امریکا قادر است نود درصد آن چه را مصرف می کند خودش تولید کند از تورم در امریکا تا حدودی جلوگیری شده ولی چون ما مجبوریم اجناس صنعتی و به خصوص داروهایی که نیاز داریم تماماً وارد کنیم و بهای آن ها ترقی فاحشی کرده اند تورم ضربه بزرگی به ما وارد آورده است.

۵- والتر لوی متخصص بزرگ دنیا در باره اقتصاد نفت تصدیق دارد که بهای نفت به هیچ عنوان سبب تورم نبوده و نفت فقط ۵ یا ۱۰ درصد آن را شامل است و متأسفانه به علت عدم همکاری دولت عربستان سعودی برای ترقی بهای نفت قادر نیستیم که از این راه عواید جدیدی به دست بیاوریم و جبران خسارات کنیم.

۶- والتر لوی عقیده دارد که بهای نفت ترقی که باید بکند در مقابل تورم نکرده و آن چه ترقی کرده جبران تورم را نخواهد



بازدید علی خامنه‌ای از نمایشگاه «توانمندی‌های تولید داخلی»

## رویترز: جمهوری اسلامی با بحران سنگین مشروعیت روبروست؛ اعتراف علی خامنه‌ای: مردم بطور محسوس مشکل معیشت و رفاه دارند!

محمد فرزین رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی مدعی شده ارتباط مستقیم بین بانک‌های ایران و روسیه برقرار شده است.

محسن کریمی معاون بانک مرکزی جمهوری اسلامی می‌گوید «با اتصال سامانه‌های پیام‌رسان ملی بانک‌های ایران و روسیه، حدود ۷۰۰ بانک روسی می‌توانند با بانک‌های ایرانی تبادل پیام مالی داشته باشند» این در حالیست که تقریباً تمام بانک‌های روسیه تحریم‌اند و دسترسی به سوئیفت ندارند.

رویترز می‌نویسد با گسترش بحران اقتصادی، عمدتاً به دلیل تحریم‌های ایالات متحده به خاطر برنامه‌های اتمی رژیم ایران تورم و بیکاری در اقتصاد ایران تشدید شد.

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی در یک سخنرانی در جمع فعالان اقتصادی تأیید کرد که مردم ایران «بطور محسوس مشکل معیشت و رفاه دارند».

در شرایطی که غربی‌ها به دنبال تشدید فشارهای اقتصادی بر جمهوری اسلامی به ویژه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هستند تهران به دنبال تقویت روابط تجاری و بانکی با روسیه تلاش می‌کند. دو کشوری که به همراه بلاروس در تجاوز به اوکراین شریک‌اند. همزمان علی خامنه‌ای طلبکارانه با اعتراف به بخشی از مشکلات اقتصادی مردم از عملکرد دولت‌ها در دهه‌های اخیر ایراد گرفته است در حالی که هر سه قوه و همه نهادهای نظامی و غیرنظامی گوش به فرمان وی هستند که برای همه چیز تصمیم می‌گیرد!

در این میان، محمد فرزین رئیس بانک مرکزی جمهوری اسلامی مدعی شده ارتباط مستقیم بین بانک‌های ایران و روسیه برقرار شده است.

گفته می‌شود با امضای قرارداد بین تهران و مسکو با سیستم پیام‌رسان مالی (سپام) مرادوات بانکی بین ایران و روسیه الکترونیک می‌شود و ریال برای مرادوات مالی عمده بانک‌ها از قبیل اعتبارات اسنادی ارزی و ضمانت‌نامه‌ها قابل استفاده خواهد بود. حتا ادعا شده از طریق این سیستم بانک‌ها بدون برقراری سوئیفت مرادوه مالی می‌کنند! این در حالیست که بانک‌های بزرگ روسیه در تحریم هستند و شبکه ارتباطی مورد نظر جمهوری اسلامی فقط به بانک‌های بلاروس و چند کشور دیگر از جمله قزاقستان متصل است.

محسن کریمی معاون بانک مرکزی جمهوری اسلامی می‌گوید «با اتصال سامانه‌های پیام‌رسان ملی بانک‌های ایران و روسیه، حدود ۷۰۰ بانک روسی می‌توانند با بانک‌های ایرانی تبادل پیام مالی داشته باشند».

خبرگزاری رویترز با انعکاس ادعاهای محسن کریمی نوشت

کارمند وزارت خارجه بود پذیرایی کرد، حتی گفت شپرنی آوردند و خوردیم و به ایشان گفت انشاءالله باز هم در ماموریت آینده با فرمانمائی‌ان خواهید بود. گفتیم این حواله‌ها را نکن. من به سن بازنشستگی هستم. به آقای رستمی‌زاده اجازه دهید که به ماموریت دیگری خودش برود. چند دقیقه بعد خداحافظی کردیم.

طولی نکشید که طوفان انقلاب تمام ایران را گرفت هویدا را هم شاه بیکار کرد و رفت خانه‌اش در خانه‌اش گمان می‌کنم بیش از چند روزی نبود که او را توقیف کردند. ولی من دو مرتبه رفتم منزلش و با هم نیمساعتی نشستیم. البته دم در سؤال وجواب می‌کردند و اسم و رسم را می‌خواستند ولی با کمال تأسف روزگاری بود که دیگر ما حرفی با هم نداشتیم برزیم و بیشتر از آقای انتظام صحبت می‌کردیم. دفعه آخری که هویدا را دیدم دو روز یا سه روز قبل از توقیفش بود. کمی در باغچه راه رفتیم. به من گفت این چند روزه کسی این جا نیامده و این گاردهای دم در مواظب هستند. به او گفتم که اگر همین گاردها تو را نکشند برو خدا را شکر کن. دست آخر موقع خداحافظی به فرانسه گفت il faut sauver la monarchie (باید سلطنت را نجات داد).

من گمان می‌کنم که احتمالاً نفر آخری بودم از دوستان گذشته که به دیدنش می‌رفتم. بیچاره نا امید جلوی منزل در ایوان نشسته بود. کتاب خواندن تنهایی ساعت‌ها را دراز می‌کند.

هویدا که در مدت تقریباً پانزده سال مرکزیت مملکت را در دست داشت، حالا بیکار کنار حوض راه می‌رفت. شکی نیست که به او بد می‌گذشت ولی انتظار توقیف خود را به دستور شاه نداشت. چنان که گفت او Scape - goat شده است. به او حتی گفتم برو اروپا احتیاج به سفارت نیست، همگی مشغول رفتن هستند، گفت خودت چرا نمی‌روی؟ به او جواب دادم اولاً من نخست وزیر و وزیر دربار نبوده‌ام و حالا هم در ایران صاحب خانه و ملک هستم و عموم فامیل من در ایران زندگی می‌کنند. تو کسی را به جز مادرت نداری و برادرت هم که نیست رفته. امیدی که او را تکان بدهد دیگر باقی نمانده بود.

چهره‌ای محزون داشت، خنده بر لبش دیده نمی‌شد، حتی عصای همیشگی را در دست نداشت و یواش یواش راه می‌رفت. حرفهای من هم به زور به گوشش می‌رسید. چشمهایش افق دوری را نگاه می‌کرد. و حواسش به من نبود، حتی آن روز پیپ به لب نداشت. خدا روز بد نیاورد. ولی باکمال تأسف روزهای بدتری برای او تعیین شده بود، آن هم از طرف ولینعمتی که به او اعتقاد داشت.

هر چه بود زمان گذشت و باقیمانده آن زمان هم ناپود خواهد شد. تاریخ را نمی‌شود از بین برد به خصوص در زمان ما هر چه هست روزی آفتابی خواهد شد چنان که امروز باز هم تاریخ چهار صد سال پیش را می‌نویسند، چون که اسنادی یافت می‌شود که روشننگری آن زمان را می‌کند. انسان هم باز انسان است، رحم و شفقت مجدداً بر دل گویندگان رخنه خواهد کرد چنان که بعد از هشتاد سال روسها آمدند و استخوانهای تزار را از چاه در آوردند و در کلیسای سن پترزبورگ به خاک سپردند. اخیراً نیز استخوانهای هایلاسلاسی را به حبشه عودت دادند، روزی هم خواهد رسید که نوبت محمد رضا شاه خواهد رسید. آن روز گزر چه ممکن است دور باشد ولی به آن دوری هم که تصور می‌کنی نخواهد بود. عداوت متعلق به حال است. آینده نمی‌تواند با این عیب و نقض اساسی بشر زندگی کند و آن را رفع و رجوع خواهد کرد. مسلماً روزگار پیشین بعدالتی‌هایی که به هویدا شده را جبران خواهد کرد و حتی از گناهان امروزه ما که فقط می‌خواهیم دیگران را محکوم کنیم خواهد گذشت.

پایان

در حالی که بانک مرکزی روسیه از اظهار نظر درباره قرارداد امضا شده با ایران خودداری کرده، کریمی بدون اشاره به نام بانک‌های خارجی گفته است: «به غیر از این بانک‌های روسی، ۱۰۶ بانک غیر روسی از ۱۳ کشور دیگر هم به این سامانه پیام‌رسان متصل شده و می‌توانند با بانک‌های کشور تبادلات مالی داشته باشند».

چهار ماه پیش از این مقامات جمهوری اسلامی گفته بودند به زودی شبکه ایرانی «شتاب» (شبکه تبادل اطلاعات بین بانکی) که شبکه روسی «میر» (MIR) وصل خواهد شد. شبکه «میر» و شبکه «SPFS» در سال ۲۰۱۴ و با در نظر گرفتن احتمال اخراج روسیه از سیستم بین‌المللی سوئیفت تأسیس شد. بعد از تجاوز روسیه به اوکراین دسترسی روسیه به سوئیفت قطع شد.

رویترز می‌نویسد از زمان شروع جنگ اوکراین، تهران و مسکو برای ایجاد روابط نزدیک دوجانبه اقدام کرده‌اند، زیرا هر دو تلاش می‌کنند تا شراکت‌های اقتصادی و دیپلماتیک جدید ایجاد کنند. با گسترش بحران اقتصادی، عمدتاً به دلیل تحریم‌های ایالات متحده به خاطر برنامه‌های اتمی رژیم ایران تورم و بیکاری در اقتصاد ایران تشدید شد.

اکنون تورم به بیش از ۵۰ درصد رسیده که بالاترین سطح در چند دهه اخیر است. بر اساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، بیکاری جوانان همچنان بالاست و بیش از ۵۰ درصد از ایرانیان زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

بعد از تظاهرات ضدحکومتی در ایران به دنبال قتل مهسا امینی در بازداشت «گشت ارشاد» مقامات جمهوری اسلامی با بحران سنگین مشروعیت روبرو شده‌اند. آنها می‌ترسند که انزوای اقتصادی و عدم بهبود اقتصادی منجر به اعتراضات بیشتری شود.

در این میان، علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی دوشنبه ۳۰ ژانویه (۱۰ بهمن) در یک سخنرانی در جمع فعالان اقتصادی تأیید کرد که مردم ایران «بطور محسوس مشکل معیشت و رفاه دارند».

رهبر جمهوری اسلامی ضمن تأکید بر عقب‌ماندگی اقتصادی ایران و اینکه «جبران آن کار آسانی نیست»، افزود: «در دهه ۹۰ به دلایل مختلف، تعطیلی نسبی مسائل اقتصادی را داشتیم. در این موضوع تحریم‌ها، کاهش ارزش نفت و تمرکز بر مسئله هسته‌ای که اقتصاد را شرطی کرد، موثر بودند. نتیجه این شد که ما یک دهه عقب‌ماندگی داریم و شاخص‌های منفی زیاد داریم».

علی سعدوندی مشاور بین‌المللی بانکداری، سرمایه‌گذاری و تأمین مالی به «تجارت نیوز» می‌گوید اقتصاد ایران طولانی‌ترین تورم تاریخ بشر را دارد!

## برگزاری دادگاه آرمیتا عباسی؛ اتهام سوم این معترض ۲۰ ساله چیست؟



آرمیتا عباسی

● وکیل آرمیتا عباسی در گفتگو با رسانه‌های داخل ایران گفته ترجیح می‌دهد در مورد سومین اتهام درج شده در پرونده آرمیتا عباسی «تا زمان صدور رأی دادگاه بدوی» صحبت نکند.

● جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای مدعی شد که او یکی از «رهبران اغتشاشات» بوده و پلیس «۱۰ کوکتل مولوتف» از آپارتمانش کشف کرده است.

● بر اساس گزارش تحقیقی سی‌ان‌ان آرمیتا عباسی در بازداشت مورد آزار و اذیت جسمی و جنسی و همچنین تجاوز قرار گرفته است.

جلسه دادگاه آرمیتا عباسی دختر معترض ۲۰ ساله برگزار شده و وکیل او می‌گوید کوچکترین اتهاماتی که الان در پرونده آرمیتا وجود دارد، تبلیغ علیه نظام و اجتماعی و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت است.

آرمیتا عباسی دختر جوان ۲۰ ساله ساکن کرج که هم‌راه امسال به دلیل انتشار مطالب اعتراضی علیه جمهوری اسلامی در اینستاگرامش بازداشت شده بود، محاکمه شد. آرمیتا عباسی در بازداشت مورد آزار و اذیت جسمی و جنسی و همچنین تجاوز قرار گرفته است.

شها اروچی وکیل «تعیینی» (انتخابی) آرمیتا عباسی یک روز پس از برگزاری جلسه محاکمه او در دادگاه انقلاب کرج اعلام کرد که در پرونده موکلش، سه عنوان اتهامی از جمله «تبلیغ علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی» مطرح شده است.

این وکیل دادگستری در گفتگو با رسانه‌های داخلی گفته ترجیح می‌دهد در مورد سومین اتهام درج شده در پرونده آرمیتا عباسی «تا زمان صدور رأی دادگاه بدوی» صحبت نکند. وی تأکید کرده «بعید می‌دانم جلسه دیگری برای رسیدگی به پرونده آرمیتا عباسی برگزار شود و جلسه دیروز به نظر من جلسه آخر بود.»

شها اروچی درباره آزادی موقت موکلش هم گفته که «حکم بازداشت موقت اولیه آرمیتا عباسی دو ماهه بود. با توجه به اینکه اعتبار حکم بازداشت موقت حداکثر می‌تواند سه ماه باشد، آرمیتا همین حالا هم شرایط آزادی به قید وثیقه را دارد ولی متأسفانه نمی‌دانم چرا در مقابل آزادی او با قید وثیقه مقاومت می‌شود.»

این وکیل دادگستری افزوده که «قاضی به من برای آزادی آرمیتا عباسی با قید وثیقه بعد از صدور رأی دادگاه بدوی، قول مساعد داده است.»

پیش از این دو وکیل دیگر دادگستری، محمد اسماعیل بیگی و سونیا محمدی، وکالت آرمیتا را به عهده داشتند اما به دلیل آنچه «عدم اجابت درخواست ملاقات حضوری با موکل» اعلام شده استعفا داده بودند.

شها اروچی تنها یک روز پیش از برگزاری دادگاه، وکالت آرمیتا عباسی را پذیرفته بود و در نتیجه نتوانست پیش از جلسه دادگاه با او ملاقات حضوری داشته باشد: «از آنجایی که من تازه دیروز اعلام وکالت کرده‌ام و امروز هم جلسه رسیدگی بوده فرصتی نبوده که من بخواهم درخواست ملاقات حضوری بدهم که ببینیم آیا می‌پذیرند یا خیر ولی آنطور که من دیدم برای متهمین دیگر پرونده درخواست

ملاقات حضوری را پذیرفته بودند.»

با اینهمه شها اروچی گفته که هم خودش و هم آرمیتا دفاعیاتشان را در دادگاه ارائه دادند و در طول جلسه دادگاه توانسته‌اند همفکری داشته و در تنظیم دفاعیات هماهنگ باشند. این وکیل دادگستری امیدوار است طی یک تا دو هفته آینده حکم دادگاه صادر شود.

آرمیتا عباسی ساکن کرج پس از انتشار نوشته‌های اعتراضی خود علیه جمهوری اسلامی در شبکه‌های اجتماعی بازداشت شد و جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای مدعی شد که او یکی از «رهبران اغتشاشات» بوده و پلیس «۱۰ کوکتل مولوتف» از آپارتمانش کشف کرده است.

شبکه سی‌ان‌ان روز دوشنبه ۲۱ نوامبر برابر با ۳۰ آبان‌ماه با انتشار گزارشی از خشونت و آزار جنسی و حتی تجاوز به شماری از دختران و پسرانی خبر داده که در طول هشت هفته نخست جنبش انقلابی در ایران بازداشت شده بودند. یکی از موارد این گزارش تحقیقی آرمیتا عباسی بود.

به گزارش سی‌ان‌ان آرمیتا عباسی از جمله قربانیان تجاوز در بازداشتگاه‌های جمهوری اسلامی است. این گزارش با اشاره به پرسینگ ابرو و موهای بلوند پلاتینه آرمیتا نوشته که او کاملاً دارای مشخصات یک دختر جوان «نسل زد» است.

سی‌ان‌ان نوشته که بر اساس مدارکی که از بیمارستان «امام علی» در کرج درز کرده است، آرمیتا عباسی روز ۲۵ مهر به همراه افسران لباس شخصی با حالی وخیم به این بیمارستان برده می‌شود در حالی که موهایش تراشیده، سرش بسته شده و به شدت می‌لرزید.

«مکالمات میان پزشکان در سرویس پیام خصوصی اینستاگرام» از جمله اسنادی است که نشان می‌دهد به آرمیتا در زندان تجاوز و آسیب‌هایی به اعضای جنسی او وارد شده است و پزشکان با دیدن شرایط آرمیتا دچار

وحشت شدند.

آرمیتا پیش از بازداشت مواضع تندی علیه جمهوری اسلامی در صفحاتش در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بود. جمهوری اسلامی اما مدعی شده که او یکی از «رهبران اغتشاشات» (اعتراضات) بوده و پلیس «۱۰ کوکتل مولوتف» از آپارتمانش کشف کرده است. سی‌ان‌ان احتمال داده که قوه قضاییه جمهوری اسلامی مجازات سختی برای این دختر ۲۰ ساله در نظر گرفته است.

«حالش آنقدر بد بود که فکر کردیم سرطان داره»، «قلب منی که دیدمش و نمی‌تونستم فرارم بدم داره دیوانم می‌کنه»، «مردان لباس شخصی اصرار داشتند که دکتر گزارش تجاوز را مربوط به قبل از دستگیری بنویسد» و «گند زده بودند. گند بالا آوردند و نمی‌دانند چگونه دوباره آن را جمع و جور کنند»، اینها از جملاتی است که از چت خصوصی پزشکان بیمارستان «امام علی» درباره آرمیتا درز پیدا کرده است.

یک منبع در بیمارستان «امام علی» صحت این اطلاعات را در گفتگو با سی‌ان‌ان تأیید کرده و در حالی که نخواستند هویت‌اش در گزارش مشخص شود گفته زمانی که آرمیتا به بیمارستان منتقل شد، ماموران گفتند که به دلیل تجاوز مکرر، مقعدش خونریزی داشته است.

یکی از پزشکان در رسانه‌های اجتماعی گفت که پلیس از صحبت کارکنان بیمارستان با آرمیتا جلوگیری کرده است و گزارش بیمارستان از وضعیت پزشکی او مدام تغییر می‌کند. هنگامی که سی‌ان‌ان با بیمارستان «امام علی» تماس گرفت، یکی از کارکنان بیمارستان گفت که هیچ سابقه‌ای از او در این بیمارستان وجود ندارد.

بر پایه گزارش‌های فاش شده، نیروهای امنیتی آرمیتا را درست قبل از ورود خانواده‌اش برای ملاقات با او از در عقب بیمارستان خارج کردند.

# ادامه سرکوب در دانشگاه‌ها؛ دانشجویان و استادان زیر فشار تعليق و اخراج و صدور حکم قضایی



تحصن دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

«تحریک مخاطبان به خشونت در فضای مجازی و انتشار اخبار کذب به قصد تشویش اذهان عمومی» متهم شده است.

شورای صنفی دانشجویان دانشگاه حکیم سبزواری در استان خراسان رضوی در بیانیه‌ای «تعليق» و پرونده‌سازی علیه دکتر حسن باقری‌نیا را «غیرقانونی و ناعادلانه» خوانده است.

در این بیانیه تأکید شده که دکتر حسن باقری‌نیا عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری و جزو آندسته از اساتیدی است که در طول عمری خدمت علمی و آموزشی به ارزش و اعتبار دانشگاه افزوده است و در این روزها که غبار بر ساحت حقیقت نشسته است، سکوت نکرده و حمایتش همواره شامل حال مردم این سرزمین بوده است! و البته که می‌دانیم صراحت بیان و صلابت ایشان در بیان حقایق روز و دفاع از حقوق ملت چیز جدید و غریبی نیست! پس چگونه فقدان چنین اساتیدی که همواره غمخوار، همراه، هم‌دل و هم‌آوای مردم‌اند درد و دغدغه‌ی دانشجو نباشد؟!

در این بیانیه آمده است: «مایه تأسف جامعه‌ی دانشگاهی است که ببیند عضوی بس فرهیخته از اعضای دانشگاه، آن هم نه عضوی معمولی که استادی مجرب، با شرافت و با درایت را طی اقدامی بس ناجوانمردانه و البته غیرقانونی به تعليق درآورده‌اند و ایشان را از رسالت اصلی‌اش یعنی آگاهی‌سازی و انتقال عشق و معرفت منع نموده‌اند!»

این شورا می‌نویسد که دکتر باقری‌نیا «در این روزها که غبار بر ساحت حقیقت نشسته است، سکوت نکرده و حمایتش همواره شامل حال مردم این سرزمین بوده است.» پیشتر نیز دانشجویان دانشگاه هنر تهران از فشار بر دانشجویان و اساتید این دانشگاه‌ها خبر داده و نوشته بودند که «بعد از تعليق چندین دانشجوی مجسمه‌سازی و توبیخ مدیر گروه این رشته و ممنوع کردن تدریس در آینده برای هفت استاد مدعو که همراه با دانشجویانشان شجاعانه ایستاده‌اند، حالا نوبت رسیده به دستور حذف ترم جمعی!» جمعی از دانشجویان دانشکده‌ی زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران نیز در بیانیه‌ای نسبت به رفتار توهین‌آمیز و تهدیدآمیز مقامات امنیتی و مدیران دانشگاه با دانشجویان و خانواده‌هایشان و همچنین پرونده‌سازی انضباطی را محکوم کردند.

(ایران) اخراج شده است. امیر نیک‌پی تحصیل‌کرده مدرسه عالی علوم اجتماعی پاریس و دانشجوی جامعه‌شناسان و فیلسوفان نامداری چون ادگار مورن، محمد ارکون، آلن تورن و کاستوریادیس بوده است. این جامعه‌شناس چندین کتاب از جمله «مدرنیته، سیاست و سکولاریسم: ریشه انقلابی به نام دین» را به فارسی و «سیاست و دین در ایران معاصر» را به فرانسوی و مقالات متعدد به فارسی، انگلیسی و فرانسوی نوشته و منتشر کرده است.

به گزارش شورای صنفی دانشجویان کشور نگار ذیلابی استاد دانشکده الهیات و دکتر محمد راغب استاد ادبیات و دکتر اسلام ناظمی استاد کامپیوتر سه استاد دیگر دانشگاه «بهشتی» هستند که در هفته‌های گذشته اخراج شده‌اند.

سرکوب در دانشگاه‌ها در سراسر کشور جریان دارد و پیشتر با اخراج دکتر رضا امیدی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران آغاز شده بود.

در دیگر دانشگاه‌های کشور نیز فشار بر اساتید دانشگاه ادامه دارد. دکتر مهشید گوهری استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد با انتشار متنی در صفحه شخصی خود در اینستاگرام اعلام کرد پس از هفت سال تدریس مستمر، قطع همکاری با او و چندین نفر از همکارانش تأیید شده است. در بخشی از این یادداشت آمده «آموختیم که با زبان بُرنده ادبیات می‌توان به دل سیاهی زد و دست بیداد و تباهی را کوتاه کرد و به دل بیدادگران زمان هراس افکند. خونریزی ضحاک در این ملک فروز گشت. کو کاوه که چرمی به سر چوب نماید. البته این ترم شرایطی فراهم شد که به صورت عملی مشق خردورزی و آزاداندیشی و حق‌جویی را در دانشگاه تمرین کنیم و همین.»

پیشتر نیز حسن باقری‌نیا عضو هیئت علمی گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه حکیم سبزواری، به دلیل همراهی با دانشجویان و اعتراض به احکام انضباطی صادره برای دانشجویان، از طرف دانشگاه تعليق و نام او از دروس ارائه شده در ترم آینده حذف شد.

گفتنی است پرونده‌ای با شکایت سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در شعبه ۹۰۲ مشهد، علیه این استاد دانشگاه به جریان افتاده است. حسن باقری‌نیا در پرونده تنظیم شده توسط سازمان اطلاع سپاه به «اغوا یا تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر به قصد برهم زدن امنیت کشور» و

● امیر نیک‌پی استاد جامعه‌شناسی حقوقی و انسان‌شناسی حقوقی دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) اخراج شده است.

● نگار ذیلابی استاد دانشکده الهیات و دکتر محمد راغب استاد دانشکده ادبیات و دکتر اسلام ناظمی استاد دانشکده مهندسی کامپیوتر سه استاد دیگر دانشگاه «بهشتی» هستند که در هفته‌های گذشته اخراج شده‌اند.

● حسن باقری‌نیا عضو هیئت علمی گروه روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه حکیم سبزواری به دلیل همراهی با دانشجویان از طرف دانشگاه تعليق و نام او از دروس ارائه شده در ترم آینده حذف شد.

● دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نیز هفته گذشته اعلام کردند که قطع ناگهانی گاز خوابگاه‌های این دانشگاه و دادن ضرب‌العجل یک روزه به دانشجویان برای تخلیه دانشگاه، از دیگر روش‌های سرکوب دانشجویان است.

● بازداشت، احضار، تشکیل کمیته انضباطی، صدور حکم زندان و شلاق و ممنوع‌الخروجی، حمله نیروهای نظامی و امنیتی و لباس شخصی به دانشجویان معترض از جمله اقدامات سرکوبگرانه علیه آنها بوده است.

شورای صنفی دانشجویان کشور گزارش داده که حذف و تصفیه در دانشگاه ادامه دارد. دانشجویان و استادانی که در پنج ماه گذشته همراه و حامی دانشجویان بودند با احضار، تعليق، اخراج و پرونده‌سازی روبرو هستند. دانشجویان با تحصن و صدور بیانیه به روند سرکوبگرانه حاکم بر دانشگاه‌ها اعتراض دارند.

در روزهای گذشته دانشجویان پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران در پی تشدید صدور احکام انضباطی و پرونده‌سازی قضایی علیه دانشجویان این دانشکده، تحصن کردند.

شورای صنفی دانشجویان کشور گزارش داده ضمن اینکه بیش از ۷۰۰ دانشجو در شهرهای مختلف در طول هفته‌های گذشته و پس از آغاز جنبش انقلابی بازداشت شده‌اند، شمار زیادی از استادان دانشگاه نیز که در این مدت حامی دانشجویان بودند تعليق یا اخراج شده‌اند.

در یکی از نمونه‌هایی که از سوی شورای صنفی دانشجویان گزارش شده، امیر نیک‌پی استاد جامعه‌شناسی حقوقی و انسان‌شناسی حقوقی دانشگاه «بهشتی» (دانشگاه ملی



## تحریم‌های ناقص و ناکارآمد غرب علیه رژیم آخوندها به حکم دادگاه احتیاج ندارد!



سفر جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا به تهران با هدف میانجیگری برای آغاز مجدد مذاکرات اتمی / تیر ۱۴۰۱

قانونی بر چه اتکا دارد؟ اعمال اینهمه تحریم علیه روسیه پس از جنگ اوکراین بر مبنای کدام قانون یا دادگاه بوده است؟ این یک بحث اقلیتی نیست بلکه پرسشی است که باید پاسخ بگیرد. اتحادیه اروپا تا کنون در برابر جنایات تروریستی رژیم آخوندها گام قاطعانه برنداشته است. درباره همه جنایاتی که این رژیم چه در خود ایران و چه در جاهای دیگر، چه دبیروز و چه امروز، مرتکب شده، شواهد و اسناد بسیار و غیرقابل انکار وجود دارد.

کافیست به آنچه سپاه پاسداران در عراق، یمن، لبنان و سوریه و همچنین در اوکراین مرتکب می‌شود نگاه کنیم یا بر آنچه در داخل ایران علیه ملت ایران که خواستار عزت، کرامت و متوقف شدن اعدام و سرکوب است اشاره کنیم. جنایات آخوندها و سپاه پاسداران، چه علیه ایرانیان در داخل و چه علیه دولت‌های منطقه و چه علیه قوانین بین‌المللی، آنقدر زیاد است که دیگر نیازی به مدرک ندارد و حکم دادگاه برای تروریستی شدن آن ندارد!

در صورتی که بر اساس ادعای بولر، تصمیم قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی مستلزم تصمیم دادگاه باشد، این پرسش نیز مطرح می‌شود: مراجعه به دادگاه مسئولیت کیست؟ آیا این مسئولیت بر عهده افراد است یا نهادها؟! چه کسی باید به دادگاه شکایت برود؟! حقیقتی که ما در منطقه‌ی خود به تجربه به آن رسیده‌ایم اینست که رژیم آخوندی فقط زبان زور می‌فهمد و فقط برخورد قاطعانه و شدید را درک می‌کند و نه گفتار و منطق! متأسفانه هرآنچه تا کنون از سوی غرب برآمده در سطحی نیست که خطری برای رژیم آخوندها در تهران به وجود آورد، بلکه برخورد‌های کشورهای غربی همواره به رژیم آخوندها امیدواری می‌دهد که درهای مذاکره و معامله با این رژیم همیشه باز نگهداشته می‌شود. به همین دلیل تمامی تحریم‌هایی که تا کنون علیه نظام جمهوری اسلامی اعمال شده در عمل ناقص و ناکارآمد است.

\*منبع: شرق الاوسط

\*نویسنده: طارق الحمید

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

● جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در اظهاراتی عجیب گفت: «این اتحادیه نمی‌تواند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد، مگر پس از صدور حکم یک دادگاه اروپایی مبنی بر اینکه این نهاد در فهرست تروریسم قرار گیرد».

● در اینجا چند پرسش پیش می‌آید و برای گشودن بحث هم که شده باید پرسید آیا اینهمه تحریم‌های اخیر آمریکا، انگلیس و اروپا بر اساس حکم دادگاه علیه افراد و نهادهای جمهوری اسلامی اعمال شده؟!

● آیا محکومیت تمام جنایات سپاه پاسداران در ایران، خاورمیانه به غیر از آمریکا و اروپا و سایر کشورهای جهان نیاز به حکم دادگاه دارد؟ پس چرا یکی از این کشورها تا کنون اقدامی نکرده است؟

● چرا در حال حاضر یا ماه‌ها پیش که جنایات سپاه پاسداران حتی به اوکراین نیز کشیده شد و پهبادهای همین سپاه در اختیار روس‌ها قرار گرفت و اوکراینی‌ها را هدف قرار داد و آنهم در شرایطی که اتحادیه اروپا در این جنگ از اوکراین حمایت می‌کند، حکم دادگاه لازم نیست؟

طارق الحمید (شرق الاوسط) - دوشنبه گذشته (۲۳ ژانویه ۲۰۲۳) شاهد تحریم‌های متعددی از سوی آمریکا، انگلیس و اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران بودیم. این تحریم‌ها علیه افراد و نهادهای متفاوت از جمله اعمال تحریم‌ها علیه جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران و همچنین شبه‌نظامیان «بسج» و معاون فرمانده آن بود.

با این اوضاع اما جوزپ بولر مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در اظهاراتی عجیب گفت: «این اتحادیه نمی‌تواند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهد، مگر پس از صدور حکم یک دادگاه اروپایی مبنی بر اینکه این نهاد در فهرست تروریسم قرار گیرد».

بولر گفت: «اشما نمی‌توانید بگویید من شما را تروریست می‌دانم چون از شما خوشم نمی‌آید!»

وی افزود که باید ابتدا دادگاهی در یکی از کشورهای عضو اتحادیه اروپا یک محکومیت حقوقی علیه سپاه پاسداران صادر کند تا دادگاه عالی اروپا در محکومیت این تشکیلات حکم صادر کند.

در اینجا چند پرسش پیش می‌آید و برای گشودن بحث هم که شده باید پرسید آیا اینهمه تحریم‌های اخیر آمریکا، انگلیس و اروپا بر اساس حکم دادگاه علیه افراد و نهادهای جمهوری اسلامی اعمال شده؟!

آیا محکومیت تمام جنایات سپاه پاسداران در ایران، خاورمیانه به غیر از آمریکا و اروپا و سایر کشورهای جهان نیاز به حکم دادگاه دارد؟ پس چرا یکی از این کشورها تا کنون اقدامی نکرده است؟

چرا در حال حاضر یا ماه‌ها پیش که جنایات سپاه پاسداران حتی به اوکراین نیز کشیده شد و پهبادهای همین سپاه در اختیار روس‌ها قرار گرفت و اوکراینی‌ها را هدف قرار داد و آنهم در شرایطی که اتحادیه اروپا در این جنگ از اوکراین حمایت می‌کند، حکم دادگاه لازم نیست؟

یا اینکه جوزپ بولر اوکراین را یک کشور اروپایی نمی‌داند، به این معنا که به اتحادیه تعلق ندارد، و بنابراین این یک موضوع متفاوت است؟! پرسش دیگر این است: اتحادیه اروپا از نظر

در بخشی از این بیانیه آمده که «پنجمین ماه انقلاب ژینا نیز از راه رسید؛ انقلابی نوین که با غریو «زن» آغاز شد و با نوید «زندگی و آزادی» به ما شهمت ایستادن و جنگیدن داد. مسئولین دانشگاه تهران! روی سخن ما با شماست. شما می‌توانید ما را آزار دهید اما نمی‌توانید انقلاب ژینا را از ما بگیرید چرا که این انقلاب حالا در ذهن و جان ما رسوخ کرده و جای گرفته است.»

در ادامه این بیانیه آمده بود که «ما دانشجویان دانشکده‌ی زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران ضمن محکومیت خفقان حاکم بر فضای دانشگاهی، مخالفت خود را با احکام سختگیرانه‌ی حجاب اجباری اعلام داشته و از همتایانمان در سایر دانشکده‌ها درخواست همدلی و هم‌صدایی داریم. در نهایت «پیروز نبرد ملتیست که خواست او آزادی و زندگیست. زندگی بر مرگ پیروز می‌شود.»

دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد نیز هفته گذشته اعلام کردند که قطع ناگهانی گاز خوابگاه‌های این دانشگاه و دادن ضرب العجل یک روزه به دانشجویان برای تخلیه دانشگاه، از دیگر روش‌های سرکوب دانشجویان است که در کنار احضار، تعلیق و پرونده‌سازی برای دانشجویان و اساتید از سوی نهادهای امنیتی و قضایی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین برای شمار زیادی از صدها دانشجویی که طی چهار ماه و نیم گذشته و از آغاز جنبش اعتراضی بازداشت شده‌اند احکام قضایی صادر شده است. اکثر دانشجویان به زندان، شلاق و ممنوع الخروجی محکوم شده‌اند. بخشی از دانشجویان پس از هفته‌ها بازداشت با سپردن وثیقه و به طور موقت از زندان آزاد شده و در انتظار صدور حکم هستند، و بخشی از آنها همچنان در زندان هستند.

یاشار دارالشفای زندانی سیاسی و دانشجویی مقطع دکترای دانشگاه علوم پزشکی تهران در رشته سلامت و رفاه اجتماعی، روز ۳ بهمن ۱۴۰۱ در زندان رجایی شهر و در حضور اساتید راهنما، مشاور و سه نفر به عنوان داور، به دفاع از رساله دکترای خود پرداخت. بر اساس گزارش‌ها گرفتن موافقت مقامات قضایی و هماهنگی برای برگزاری جلسه دفاع از رساله دکترای در زندان با دوندگی و تلاش چند هفته‌ای خانواده یاشار دارالشفای صورت گرفته است.

یاشار دارالشفای از تابستان امسال همراه با برادرش کاوه دارالشفای به ترتیب برای ۱۵ ماه و ۱۰ ماه حبس تعزیری زندانی شدند؛ این دو برادر بعد از آتش‌سوزی زندان اوین در مهرماه امسال به زندان رجایی شهر منتقل شدند.

جنبش دانشجویی در ایران سال‌ها در خدمت اهداف و برنامه‌های جناح اصلاح‌طلبان حکومت بود اما در دی‌ماه ۹۶ با سر داده شدن شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا دیگه همومه ماجرا» از دانشگاه تهران، مرزبندی جنبش دانشجویی با اصلاح‌طلبان آغاز شد. در جنبش انقلابی کنونی نیز جنبش دانشجویی نقش ویژه‌ای در همراهی با انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایفا کرد. دانشجویان در بیش از ۱۲۰ دانشگاه کشور اعتراضات و تجمعات گسترده‌ای برگزار کردند. شعارهای ساختارشکن با تأکید بر «براندازی» و حفظ یکپارچگی و اتحاد ملی در برابر جمهوری اسلامی از سوی دانشجویان سر داده شد.

بازداشت، احضار، تشکیل کمیته انضباطی، صدور حکم زندان و شلاق و ممنوع‌الخروجی، حمله نیروهای انتظامی و امنیتی و لباس‌شخصی به دانشجویان معترض از جمله سرکوب‌ها علیه آنها بوده است. در این میان استادانی که به اشکال مختلف از جمله همراهی با اعتصاب دانشجویان با آنها همسو بودند نیز زیر فشارهای امنیتی و قضایی قرار گرفته‌اند.

## روز جهانی هولوکاست، یادآوری گذشته با نگاه به آینده؛ آزادی یک آرزوی جمعی و جهانی است



یادبود هولوکاست/ «دروازه آزادی» از خوزه میگل اوتانده / مادرید / ژانویه ۲۰۲۳ / عکس از توئیتر خوان ترز گارسیا عضو شورای شهر مادرید

باشند. این هنرمند اسپانیایی در ادامه گفتگو با کیهان لندن، در اشاره به انقلاب «زن، زندگی، آزادی» در ایران می‌افزاید «آنچه ما در ماه‌های اخیر در ایران شاهد آن هستیم خارج از هر انتظاری بود. هزاران هزار ایرانی، به ویژه زنان و نسل جوان، با پرداخت هزینه‌ای بسیار بالا به دنبال آزادی هستند و دیگر حاضر نیستند بپذیرند که گروهی مرتجع با قوانینی عقب‌مانده و ضد آزادی بر آنها نه تنها حکومت کنند بلکه بخواهند ایدئولوژی خود را نیز با استفاده از خشونت به آنها تحمیل کنند. دقیقاً آنچه نازی‌ها در زمان خود انجام دادند.»

خوزه میگل اوتانده درباره تندیس‌هایی که آفریده می‌افزاید «این مجموعه تنها یادآور جنایت نازی‌ها و متحدانش در آن سال‌ها نیست. با دروازه آزادی می‌خواستم این پیام را به مخاطبان اسپانیایی برسانم که بی‌شمارند کسانی که آزادی آنها سلب شده و ما امروز باید به آنها برای به دست آوردن آزادی یاری برسانیم، وگرنه سال‌ها بعد بار دیگر مجبور خواهیم شد برای یادآوری آنها که امروز در مبارزه برای آزادی جان خود را از دست می‌دهند مجسمه بسازیم و مراسم یادبود برگزار کنیم.»

خوزه میگل اوتانده در خاتمه با نگاهی بدبینانه به دورانی که در آن زندگی می‌کنیم می‌گوید «متأسفانه انسان‌ها از گذشته نیاموخته‌اند و چون دیروز که مقابل کشتار ۶ میلیون نفر در اردوگاه‌های نازی‌ها چشم بسته و سکوت اختیار کردند، البته نه همه، ولی هنوز هم بسیاری با بی‌تفاوتی به آنچه در دیگر کشورها و یا حتی در کشور خودشان می‌گذرد نگاه می‌کنند.»

از مراکز مهم یهودیان، مجموعه‌ای از پنج تندیس افتتاح شد که یادآور گذشته با نگاهی به آینده است. خالق این مجموعه یکی از مجسمه‌سازان مشهور اسپانیا خوزه میگل اوتانده است که کارهای قبلی‌اش را می‌توان در میادین بسیاری از شهرهای اسپانیا مشاهده کرد.

این مجموعه چنانکه گفته شد دربرگیرنده پنج تندیس است. سه تندیس با نام «درختان رویا» که روی آنها نام‌های ۴۹۰ نفری که از مادرید به اردوگاه ماوتهازن برده شدند، و بسیاری از آنها هرگز باز نگشتند، حک شده‌اند. همه یهودی نبودند، برخی کولی و یا آزادیخواهانی بودند که با رژیم فرانسیسکو فرانکو، دیکتاتور اسپانیا و متحد نازی‌ها، مبارزه می‌کردند. در آنسوی میدان چند جمله از «سوگند ماوتهازن» حک شده است. ۱۶ ماه مه سال ۱۹۴۵ زمانی که سربازان آمریکایی زندانیان بازمانده در این اردوگاه را آزاد کردند، همه آنها، چه یهودی و چه غیریهودی، نام خود را زیر سوگندنامه‌ای گذاشتند که در آن متعهد می‌شوند تا زمانی که در قید حیات هستند آنچه را بر آنها گذشته روایت کنند تا نسل‌های آینده مرتکب چنین جنایت هولناکی نشوند. تندیس اصلی که در وسط این میدان کوچک ولی بسیار زیبا قرار داده شده، تندیس به ارتفاع ۵ متر و ۵۰۰ کیلو وزن و نام آن «دروازه آزادی» است.

خوزه میگل اوتانده به کیهان لندن می‌گوید «آزادی نه ملیت دارد و نه محدودیت زمانی. آزادی یک آرزوی جمعی و جهانی است و مردم هر گوشه این کره خاکی به دنبال آن هستند و برای آن مبارزه می‌کنند. کسانی که از آن بهره می‌برند باید همیشه در تلاش برای حفظ آن

● امسال در پایتخت اسپانیا، در قلب بخش قدیمی مادرید، در میدانی در Calle del Rollo در نزدیکی شهرداری و یکی از مراکز مهم یهودیان، مجموعه‌ای از پنج تندیس افتتاح شد که یادآور گذشته با نگاهی به آینده است. خالق این مجموعه یکی از مجسمه‌سازان مشهور اسپانیا خوزه میگل اوتانده است که کارهای قبلی‌اش را می‌توان در میادین بسیاری از شهرهای اسپانیا مشاهده کرد.

● خوزه میگل اوتانده به کیهان لندن می‌گوید «آزادی نه ملیت دارد و نه محدودیت زمانی. آزادی یک آرزوی جمعی و جهانی است و مردم هر گوشه این کره خاکی به دنبال آن هستند و برای آن مبارزه می‌کنند. کسانی که از آن بهره می‌برند باید همیشه در تلاش برای حفظ آن باشند.»

احمد رأفت - ۲۷ ژانویه هر سال در عمده کشورهای جهان مراسمی برای یادآوری کشتار جمعی یهودیان، و البته غیریهودیان، در اردوگاه‌های نازی برگزار می‌شود. حدس زده می‌شود که ۶ میلیون نفر در آن دوران در این اردوگاه‌ها تنها به جرم یهودی بودن، و یا «متفاوت» بودن، به اشکال مختلف به قتل رسیدند که سوزاندن انسان زنده در کوره‌هایی در اردوگاه‌های مختلف در آلمان، اتریش، لهستان و جمهوری چک کنونی، شاید فجیع‌ترین شکل آن باشد. کلمه هولوکاست که برای این جنایت استفاده می‌شود به زبان یونانی است و ترجمه فارسی آن «همه‌سوزی» است. امسال در پایتخت اسپانیا، در قلب بخش قدیمی مادرید، در میدانی در Calle del Rollo در نزدیکی شهرداری و یکی

**Boloh** مشاوران سازمان کمک‌دهنده  
با تسلط به زبان مادری شما، همواره آماده همکاری و کمک به متقاضیان بزرگسال پناهندگی در بریتانیا هستند.

لطفاً با شماره تلفن:  
**۰۸۰۰۱۵۱۲۶۰۵**  
تماس بگیرید.



Believe in  
children  
Barnardo's



خانواده پیرفلک

## گزارش ویژه؛ مادر و پدر کیان پیرفلک به دادگاه احضار شدند؛ جابجایی میثم پیرفلک فقط با برانکار دامکان پذیر است!

دلیل آسیب نخاعی توان نشستن، راه رفتن و ایستادن را ندارد. خانواده تصمیم گرفته بودند خبر جان باختن کیان را از او پنهان کنند تا این خبر ناگوار بر روند بهبود و درمان او اثر منفی نگذارد. دوم دی ماه همزمان با چهلم کیان پیرفلک میثم از جان باختن فرزندش مطلع شد. رضا پیرفلک برادر میثم با انتشار تصویری که رادین، برادر کوچکتر کیان پیرفلک، را در آغوش پدرش میثم نشان می‌دهد، نوشت: «رادین جان پدرت را محکم در آغوش بگیر و آرومش کن چون اون الان دیگه میدونه که کیان نیست. الان دلخوشیش تو هستی، تو بوی کیان را میدی و خاطرات کیان را برای بابایی زنده میکنی.»

جان باختن کیان، کودکی تیزهوش و دوست‌داشتنی و با استعداد و با آرزوهای بزرگ بود از جمله اینکه مخترع شود، نه تنها خانواده بلکه کل ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. شب حادثه پس از آنکه کیان در بیمارستان ایذه جان می‌بازد، مادر کیان از هراس اینکه مبادا مأموران امنیتی پیکر کودک‌کش را بدزدند و پنهانی به خاک بسپارند، با کمک اقوام نزدیک پیکر کیان را از بیمارستان تحویل گرفت و به خانه برد و با گرفتن یخ از همسایه‌ها برای قرار دادن روی پیکر فرزندش تا صبح در کنار او ماند تا ساعت خاکسپاری فرا برسد.

بلافاصله پس از جان باختن وی ویدئوهای او که از علاقه‌اش به اختراع و ریابتیک گفته بود و ویدئوی قایقی که خودش اختراع کرده بود تا در جشنواره علمی «جابرین حیان» شرکت کند در شبکه‌های اجتماعی هزاران هزار بار چرخید و دیده شد. کیان در ویدئوی آزمایش قایق‌اش با عبارت «به نام خدای رنگین کمان» توضیحات‌اش را آغاز کرد و با «پس نتیجه می‌گیریم که کار می‌کند» به پایان برد.

«به نام خدای رنگین کمان» و «قایق» به سرعت با نام کیان پیرفلک پیوند خورد. همچنین «یخ» برای بسیاری از ایرانیان یادآور رنج بی‌پایان و توصیف‌ناشدنی و تصورناپذیر مادر کیان در شب از دست دادن فرزندش است. شامگاه چهارشنبه ۲۵ آبان بیش از ۱۰ نفر در ایذه با شلیک مأموران حکومتی کشته و زخمی شدند. در این میان به جز کیان، دو کودک دیگر به نام سپهر مقصودی و آرتین رحمانی نیز جان باختند.

جمهوری اسلامی در دروغی وقحیانه ادعا کرد تیراندازی به سمت مردم از سوی مأموران حکومتی نبوده و یک حمله تروریستی بوده است! شهروندان اما چنین ادعایی را رد کرده‌اند و در مراسم خاکسپاری کیان پیرفلک، مادرش پشت بلندگو ماجرای شب حادثه را تعریف و تأکید کرد این حمله تروریستی نبود و مأموران حکومتی به سوی آنها و دیگر شهروندان شلیک کردند.

میثم، نیز حدود دو ماه است به دلیل جراحات ناشی از شلیک مأموران جمهوری اسلامی در بستر بیماری است. مادر و پدر کیان در شرایطی به دادگاه احضار شده‌اند که یک منبع آگاه به «کیهان لندن» می‌گوید که جراحات پدر کیان به دلیل شلیک گلوله مأموران حکومتی و اصابت گلوله به چند نقطه از لگن و پهلو و پا شدید است. میثم نه قادر به راه رفتن و نه حتی نشستن و ایستادن است. او الان در خانه‌ای در نزدیکی بیمارستان عرفان تحت مراقبت درمانی خانگی است. او الان به دادرسی خوزستان احضار شده اما نه تنها تحت بستری خانگی است بلکه حتی امکان جابجایی او بدون برانکار وجود ندارد.»

این منبع آگاه درباره علت احضار مادر و پدر کیان به کیهان لندن گفته که «به هر حال این خانواده ایستادگی زیادی از خود نشان داده‌اند و حاضر نشدند روایت حکومت از حادثه تلخی که به کشته شدن کیان و چند شهروند دیگر در ایذه شد را بپذیرند و تکرار کنند. بلکه در گفتگو با رسانه‌های داخلی و همچنین مادرش در خاکسپاری کیان روایت حکومت را رد کرد. همه اینها باعث شده این خانواده ایرانیخواه زیر ضرب فشارهای امنیتی قرار بگیرند. درباره احضار هم مدت‌هاست دادگستری خوزستان در اهواز و ایذه به دنبال کشاندن پدر و مادر کیان به دادرسی است. آنچه مشخص است دادگستری به دنبال به جریان انداختن یک پرونده درباره تیراندازی به شهروندان در ایذه است. روایت حکومت تیراندازی تروریستی است که از سوی شهروندان رد شده. حالا پدر و مادر کیان را به عنوان «مطلع» احضار کرده‌اند و احتمالاً به دنبال ثبت اظهارات این دو هستند که مطمئناً پدر و مادر کیان روایت خودشان که شاهد واقعه بودند را بیان می‌کنند.»

گفتنی است میثم پیرفلک روز چهارشنبه ۲۵ آبان به همراه همسر و دو فرزند ۱۰ ساله و ۵/۳ ساله‌اش، کیان و رادین، در ایذه در حال عبور از خیابان بودند که اتومبیل آنها از سوی مأموران جمهوری اسلامی هدف رگبار گلوله قرار گرفت. میثم و کیان فرزند ۱۰ ساله‌اش که روی صندلی عقب سمت راننده نشسته بودند مورد اصابت گلوله قرار گرفتند. کیان در دم جانباخت و میثم بیهوش به بیمارستان منتقل شد.

وضعیت میثم به حدی وخیم بود که شبانه از ایذه به بیمارستان گلستان اهواز منتقل شد. در بیمارستان گلستان چند عمل جراحی روی میثم انجام شد و در نهایت پس از سه هفته، در پی ناپایداری شدن دوباره وضعیت و به توصیه پزشکان، او به بیمارستان «عرفان» در تهران منتقل کردند. هفته گذشته میثم پیرفلک از بیمارستان به خانه‌ای در تهران منتقل شد تا ادامه روند درمان در خانه ادامه پیدا کند. او به

● عمومی کیان خبر داده که برای میثم پیرفلک، پدر کیان، و زینب مولایی‌راد، مادر او، احضاریه قضایی صادر شده است.

● یک منبع آگاه در گفتگو با کیهان لندن با بیان اینکه خانواده پیرفلک زیر فشار شدید امنیتی هستند گفته مادر و پدر کیان، به عنوان «مطلع» به دادرسی احضار شده‌اند.

● آموزش و پرورش ایذه از روز اول بهمین مادر کیان را «تا اطلاع ثانوی» از ورود به هنرستان محل کار خود منع کرد.

زینب مولایی‌راد و میثم پیرفلک مادر و پدر کیان با حکم قضایی به دادگاه احضار شدند. مادر کیان پیشتر از حضور در هنرستان محل کارش «تا اطلاع ثانوی» منع شده بود و میثم نیز در پی آسیب ناشی از شلیک مأموران حکومتی در بستر بیماری است و فقط با برانکار امکان جابجایی او وجود دارد.

مهرداد پیرفلک عمومی کیان در استوری صفحه اینستاگرام خود خبر داد که برای میثم پیرفلک، پدر کیان، و زینب مولایی‌راد، مادر او، احضاریه قضایی صادر شده است.

مهرداد پیرفلک روز پنجشنبه ششم بهمین نوشت: «زن برادر را تعلیق کردند و برای او و برادرم که حتی توان نشستن ندارد» و «با زخم‌های عمیق و تن بی‌رمق» تحت مراقبت ۲۴ ساعته است، احضاریه می‌فرستند.

آموزش و پرورش ایذه از روز اول بهمین مادر کیان را از ورود به هنرستان محل کار خود منع کرد. کانال شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران گزارش داده که روز شنبه یک بهمین ۱۴۰۱، زینب مولایی‌راد مادر کیان پیرفلک در هنرستان فاطمیه شهرستان ایذه، محل خدمت خود حضور یافته اما به او گفته شده باید به حراست اداره مراجعه کند.

این کانال نوشته که حراست آموزش و پرورش ایذه بعد از مراجعه به او گفته تا اطلاع ثانوی حق حضور در مدرسه را ندارد. بر اساس این گزارش زینب مولایی‌راد تا کنون هیچگونه ابلاغیه‌ای مبنی بر ارتکاب تخلف دریافت نکرده و منع حضور او در محل کار به صورت «شفاهی» و بدون «مجوز کتبی» اعلام شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران تأکید کرده که «سوال اینجاست طبق کدام قانون و مجوز خانم مولایی حق ورود به محل خدمت را ندارد؟ اگر ایشان تخلفی انجام دادند و باید مجازات شوند چرا تا کنون بصورت کتبی ابلاغ نشده؟ و در آخر چگونه امکان دارد بدون هیچ مجوز کتبی از ورودشان جلوگیری شود؟»

زینب مولایی‌راد در حالی از کار منع شده که همسرش،

## خط و نشان کشیدن‌های جمهوری اسلامی برای اوکراین! جز اقدام تروریستی از رژیم ایران چه کاری ساخته است؟!



انفجار در تأسیسات نظامی اصفهان متعلق به «ساصد»

یعنی دست آنها برای اقدام خالی است! اما جدال بین جمهوری اسلامی و اوکراین فقط مربوط به همکاری رژیم با روسیه نیست. هنوز تکلیف جنایت شلیک موشک به هواییمی «اوکراین اینترنشنال» روشن نشده و جمهوری اسلامی همچنان پس از سه سال از همکاری خودداری می‌کند.

پیتر استانو سخنگوی اتحادیه اروپا در یک نشست خبری در بروکسل گفت «اتحادیه اروپا نمی‌داند چه کسی پشت حمله به اصفهان است.»

مقامات جمهوری اسلامی انگشت اتهام را به سوی اسرائیل دراز کرده‌اند. هرچند مقامات رسمی اسرائیل هیچ واکنشی نشان تا این لحظه نشان نداده‌اند. حمله به تأسیسات نظامی اصفهان و چند انفجار دیگر از جمله در شهرک صنعتی آذرشهر (تبریز) و اصابت ریزپرنده به پارچین مواردیست که همزمان اتفاق افتاد و همگی ۲۴ ساعت بعد از حمله به کنیسه یهودیان در اورشلیم روی داد.

از مدت‌ها پیش حتا در داخل نظام به مقامات جمهوری اسلامی در مورد سیاست روسیه برای کشاندن ایران به باتلاق اوکراین هشدار داده بودند. اما پیامدهای منفی نادیده گرفتن این هشدارها بیشتر شده و جمهوری اسلامی در مسیری قرار گرفته که احتمالاً مجبور خواهد شد دست به خطرهای بیشتری بزند.

پیش از این محمد مرندی مشاور تیم مذاکره کننده اتمی جمهوری اسلامی در واکنش به حمله ریزپرنده‌ها به اسرائیل و اقلیم کردستان عراق هشدار داده و گفته بود که اسرائیل هفته خوبی نخواهد داشت! حتا برخی رسانه‌های حکومتی انگشت اتهام را به سوی جمهوری آذربایجان گرفتند. مجموعه‌ای این برخوردها در عین حال بیانگر این است که رژیم ایران نمی‌داند از کجا این ضربه را خورده است! آنهم در حالی که رهبر جمهوری اسلامی و مقاماتش مدعی بودند «دوران بز در رو» تمام شده است.

نفت. اوکراین به شما هشدار داده بود.» پایگاه خبری العربیه نیز به نقل از منابع آمریکایی گزارش داد حمله به تأسیسات نظامی اصفهان با مشارکت نیروی هوایی آمریکا و یک کشور دیگر انجام شده است. به ادعای این منابع، در این حملات مخازن نگهداری از موشک‌های بالستیک هدف قرار گرفته‌اند.

در واکنش اظهارات مشاور زلینسکی «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی با اشاره به «راهبرد مشترک» اوکراین و اسرائیل برای تهدید رژیم ایران، تهدید کرد «در صورت عدم برائت رسمی دولت اوکراین، تبعات سنگینی برایشان در پی خواهد داشت.» پس از اظهارات میخائیلو پودولیاک گزارش شد که کاردار اوکراین در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شده است.

در چنین شرایطی منابع امنیتی جمهوری اسلامی صحبت از «احتمال تغییر راهبرد ایران در قبال جنگ اوکراین» می‌کنند.

در همین ارتباط «نور نیوز» می‌نویسد «پذیرش تلویحی دست داشتن اوکراین در حمله چند ریزپرنده به مجتمع کارگاهی وزارت دفاع در اصفهان از سوی مشاور زلنسکی، اعترافی مسئولیت‌آور و دارای بار حقوقی است» و اگر مواضع او اصلاح نشود می‌تواند واکنش‌های متفاوتی را از سوی جمهوری اسلامی به دنبال داشته باشد.

در این گزارش اشاره شده که مسئله اوکراینی‌ها پهنادهای ارسال از جمهوری اسلامی برای روسیه است. اما «نور نیوز» آن را ادعایی دروغ و بر اساس «تحریک» و «اطلاعات غلط اروپایی‌ها» دانسته است. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران نیز پرسیده «آیا پاسخ ایران به کی‌یف نظامی خواهد بود؟»

البته این موضوع که جمهوری اسلامی تهدید می‌کند «اگر مواضع اوکراین اصلاح نشود واکنش متفاوت خواهد بود»

● میخائیلو پودولیاک حمله به تأسیسات نظامی در اصفهان را «شب انفجاری در ایران» نامید و با اشاره به همدستی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ علیه اوکراین نوشت: «اوکراین به شما هشدار داده بود.»

● در واکنش به اظهارات مشاور زلینسکی «نور نیوز» وابسته به شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی با اشاره به «راهبرد مشترک» اوکراین و اسرائیل برای تهدید رژیم ایران تهدید کرد «در صورت عدم برائت رسمی دولت اوکراین، تبعات سنگینی برایشان در پی خواهد داشت.»

● پس از اظهارات میخائیلو پودولیاک گزارش شد که کاردار اوکراین در تهران به وزارت خارجه جمهوری اسلامی احضار شده است.

● در همین ارتباط «نور نیوز» می‌نویسد «پذیرش تلویحی دست داشتن اوکراین در حمله چند ریزپرنده به مجتمع کارگاهی وزارت دفاع در اصفهان از سوی مشاور زلنسکی، اعترافی مسئولیت‌آور و دارای بار حقوقی است» و اگر مواضع او اصلاح نشود می‌تواند واکنش‌های متفاوتی را از سوی جمهوری اسلامی به دنبال داشته باشد.

مواضع میخائیلو پودولیاک مشاور رئیس‌جمهوری اوکراین در مورد حمله به تأسیسات نظامی در اصفهان مقامات جمهوری اسلامی را خشمگین کرده است. میخائیلو پودولیاک حمله به تأسیسات نظامی در اصفهان را «شب انفجاری در ایران» نامید و با اشاره به همدستی جمهوری اسلامی با روسیه در جنگ علیه اوکراین نوشت: «اوکراین به شما هشدار داده بود.»

در توییت پودولیاک آمده «منطق جنگ بی‌رحم و کشنده است، هم برای عاملانش و هم برای همدستان آنها هزینه‌های سنگینی به بار می‌آورد: وحشت در روسیه- بسیج بی‌پایان نیروها، پدافند موشکی در مسکو، سنگسازهای هزار کیلومتر آن‌سوتر، آماده‌سازی پناهگاه‌های پمب. شب انفجاری در ایران- در تأسیسات تولید پهپاد و موشک، پالایشگاه‌های

## نشست ویژه پارلمان اروپا درباره ماهیت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛ چارلی وایمرز: مردم ایران مستحق خلاص شدن از شریک مشت دزد و آخوند مذهبی هستند



رزمایش خیابانی سپاه محمد رسول الله تهران

صفایی افزود: «ما اینجا هستیم تا این پیام را در پارلمان اروپا مطرح کنیم که سپاه پاسداران به خاطر گروگانگیری، کشتن مخالفان در خارج از مرزها، کشتار مردم و تأمین مالی گروه‌های تروریستی مثل اسلامی فلسطین، فاطمیون، زینبیون و هزاران گروه دیگر، تروریست است.»

ایرج مصداقی فعال سیاسی در این نشست با طرح این پرسش که چرا سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نگرفته و چه راهی برای رسیدن به این هدف طی شده است، گفت: «اگر شش ماه پیش در اروپا این مسئله را مطرح می‌کردیم که سپاه باید در فهرست تروریستی قرار بگیرد، همه فکر می‌کردند ما با لوازم کار و سیاست آشنا نیستیم اما امروز می‌بینیم که قطعنامه جامعی در پارلمان اروپا با این هدف تصویب می‌شود که این موفقیت بزرگی است؛ اما کافی نیست!»

وی افزود: «بسیاری در اروپا می‌گویند سپاه بخشی از ارتش رسمی جمهوری اسلامی ایران است در حالی که این موضوع واقعیت ندارد. بهانه دیگرشان برای مخالفت با تروریستی خواندن سپاه این است که در هیچ دادگاهی محکوم نشده اما دلیل واقعی این مخالفت‌ها، امیدواری آنان به احیای برجام و بقای جمهوری اسلامی است.»

شهران طبری روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی هم تهدید سپاه پاسداران را نه مسئله‌ای داخلی که موضوعی جهانی خواند و با اشاره به اینکه در ایران «یک انقلاب تمام‌عیار برای سرنگونی جمهوری اسلامی» در جریان است به بیان بخش‌هایی از اقدامات تروریستی سپاه پاسداران یا پشتیبانی شبه‌نظامیان منطقه پرداخت.

علیرضا نادر کارشناس مسائل ایران نیز در اظهاراتی گفت «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتش [نیروی نظامی] ملی نیست بلکه یک تشکیلات شبه‌نظامی و تروریستی است و مأموریت آن تلاش برای بقای رژیم و صدور انقلاب اسلامی است.»

پارلمان‌های کشورهای اروپایی از جمله دریا صفایی نماینده ایرانی‌تبار پارلمان بلژیک و شماری از فعالان سیاسی و مدنی از جمله علیرضا نادر، ایرج مصداقی، فرنگیس بیات، شهران طبری نیز در این نشست سخنانی کردند. چارلی وایمرز سوئدی نماینده پارلمان اروپا در این نشست گفت: «ما علاوه بر تروریستی اعلام شدن سپاه خواستار تعلیق برجام هستیم.» این نماینده با تأکید بر اینکه اتحادیه اروپا باید از اعضای خود حمایت و از این فرصت برای اعمال محدودیت در اقدامات تروریستی سپاه استفاده کند، گفت: «همکاران ما در اتحادیه اروپا باید بدانند جمهوری اسلامی با به تعویق انداختن تحریم‌ها می‌خواهد وقت تلف کند که بتواند برای خود یا روسیه اسلحه خریداری کند تا علیه مردم بی‌گناه ایران و اوکراین به کار گرفته شود.»

ایرج مصداقی فعال سیاسی در این نشست با طرح این پرسش که چرا سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نگرفته گفت «بسیاری در اروپا می‌گویند سپاه بخشی از ارتش رسمی جمهوری اسلامی ایران است در حالی که این موضوع واقعیت ندارد.»

علیرضا نادر کارشناس مسائل ایران نیز در اظهاراتی گفت «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتش [نیروی نظامی] ملی نیست بلکه یک تشکیلات شبه‌نظامی و تروریستی است و مأموریت آن تلاش برای بقای رژیم و صدور انقلاب اسلامی است.»

پارلمان اروپا جمعه ۲۷ ژانویه هفتم بهمن‌ماه در بروکسل نشست ویژه‌ای با عنوان «سپاه پاسداران از چه پاسداری می‌کند؟» برگزار کرد. «نقش سپاه در سرکوب خونبار اعتراضات مردم ایران» و «همکاری با روسیه در جنگ اوکراین» دو محور اصلی این نشست بود. یکی از اهداف این نشست اطلاع‌رسانی و آگاه ساختن نهادهای بین‌المللی و مقامات دولتی و فضای عمومی در مورد چهره واقعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. علاوه بر نمایندگان پارلمان اروپا شماری از نمایندگان

پارلمان اروپا با هدف آگاه ساختن نهادها و مقامات بین‌المللی و افکار عمومی در بروکسل نشست ویژه‌ای با عنوان «سپاه پاسداران از چه پاسداری می‌کند؟» برگزار کرد. «نقش سپاه در سرکوب خونبار اعتراضات مردم ایران» و «همکاری با روسیه در جنگ اوکراین» دو محور اصلی این نشست بود.

چارلی وایمرز سوئدی نماینده پارلمان اروپا در این نشست گفت: «ما علاوه بر تروریستی اعلام شدن سپاه خواستار تعلیق برجام هستیم. همکاران ما در اتحادیه اروپا باید بدانند جمهوری اسلامی با به تعویق انداختن تحریم‌ها می‌خواهد وقت تلف کند که بتواند برای خود یا روسیه اسلحه خریداری کند تا علیه مردم بی‌گناه ایران و اوکراین به کار گرفته شود.»

ایرج مصداقی فعال سیاسی در این نشست با طرح این پرسش که چرا سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار نگرفته گفت «بسیاری در اروپا می‌گویند سپاه بخشی از ارتش رسمی جمهوری اسلامی ایران است در حالی که این موضوع واقعیت ندارد.»

علیرضا نادر کارشناس مسائل ایران نیز در اظهاراتی گفت «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتش [نیروی نظامی] ملی نیست بلکه یک تشکیلات شبه‌نظامی و تروریستی است و مأموریت آن تلاش برای بقای رژیم و صدور انقلاب اسلامی است.»

پارلمان اروپا جمعه ۲۷ ژانویه هفتم بهمن‌ماه در بروکسل نشست ویژه‌ای با عنوان «سپاه پاسداران از چه پاسداری می‌کند؟» برگزار کرد. «نقش سپاه در سرکوب خونبار اعتراضات مردم ایران» و «همکاری با روسیه در جنگ اوکراین» دو محور اصلی این نشست بود.

یکی از اهداف این نشست اطلاع‌رسانی و آگاه ساختن نهادهای بین‌المللی و مقامات دولتی و فضای عمومی در مورد چهره واقعی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود. علاوه بر نمایندگان پارلمان اروپا شماری از نمایندگان

# طرح جدید «مجلس انقلابی» برای مجازات افراد مشهور به دلیل اظهار نظر! ۱۰ تا ۱۵ سال زندان، جزای نقدی و محرومیت از حقوق اجتماعی

زندن بر افراد مشهور و سلبریتی‌ها باز گذشته شود و امکان سلیقه‌ای برخورد کردن با این افراد فراهم شود.

پیشتر نیز روزنامه کیهان چاپ تهران با مدیرمسئولی حسین شریعتمداری در مطلبی مدعی شده بود که خواسته مردم «مجازات» سلبریتی‌ها است. در این مطلب سلبریتی‌ها «دلک» خطاب شدند: «دشمن به خیال خام خود تصور می‌کرد که با «میداندار کردن دلک‌ها» می‌تواند به جمهوری اسلامی ایران و ملت بزرگ ایران آسیب برساند.»

در روزنامه بدنام و منفور کیهان چاپ تهران آمده بود که «با این حال سلبریتی‌هایی که همصدا با دشمنان ملت ایران، این دروغ را منتشر کرده و به آن ضریب داده بودند، نه تنها از مردم و خانواده آن افراد عذرخواهی نکرده، بلکه بر دروغ خود اصرار کرده و حتی آن را در خصوص افراد دیگر مجدداً تکرار می‌کردند. این رفتار سخیف و غیراخلاقی و غیرانسانی از سوی برخی سلبریتی‌ها، احساسات مردم عزیز کشورمان را به شدت جریحه‌دار کرد. به همین خاطر یکی از خواسته‌های اصلی آحاد مردم با گرایش‌های مختلف سیاسی و سبک زندگی‌های متفاوت، چه در تشییع شهدای مدافع امنیت و چه در فضای مجازی این بوده و هست که برخورد قاطع و بدون اغماض و بازدارنده‌ای با سلبریتی‌های متخلف صورت گیرد.»

از ابتدای جنبش انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی که از هفته آخر شهریور ۱۴۰۱ در پی قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی آغاز شده، نهادهای امنیتی و قضایی به سرکوب گسترده مردم پرداخته و بیش از ۲۰ هزار نفر بازداشت، هزاران نفر زخمی و صدها نفر کشته شدند. در این میان شمار زیادی از چهره‌های شناخته شده از هنرمندان و ورزشکاران تا نویسندگان و شاعران به حمایت از اعتراضات مردم پرداختند و مشمول برخوردهای امنیتی و قضایی شدند.

اینهمه در حالیست که نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی معروف به «مجلس انقلابی» نیز طی این مدت تمام تلاش خود را برای تدوین و تصویب طرح‌های سرکوب‌گرایانه علیه شهروندان به کار گرفته‌اند.

از نمونه طرح‌های مجلس در اینباره طرح «تشدید مجازات جاسوسی و همکاری با دولت‌های متخاصم» بود. بر اساس طرح جدید مجلس شورای اسلامی همچنین هرگونه همکاری با کشورهای متخاصم از جمله فعالیت در اندیشکده‌ها، رسانه‌ها و حتی موسسات اقتصادی این کشورها، جرم جاسوسی شمرده می‌شود.

پیشتر نمایندگانی که در واقع مجلس ولی فقیه هستند و نه مردم، طرح اعدام معترضان و همچنین مجازات دانشجویان را مطرح کرده بودند.

بر اساس طرحی که برای سرکوب دانشجویان از سوی نمایندگان تدوین شده، دانشجویان معترض که در این طرح «هنجارشکن» خوانده شده‌اند را برای ده سال از سفر به خارج از کشور منع کنند. یکی دیگر از مجازات‌های در نظر گرفته برای دانشجویان اینست که کل شهریه دوره تحصیل را یکجا پرداخت کنند وگرنه اخراج می‌شوند.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی همچنین آبان‌ماه امسال با ارسال نامه‌ای به غلامحسین محسنی اژه‌ای رئیس قوه قضاییه خواستار صدور حکم «اعدام» برای معترضان زندانی شدند. بر اساس گزارش‌ها این نامه به امضای ۲۲۷ تن از ۲۹۰ نماینده مجلس شورای اسلامی رسیده بود.



نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی

خانوادگی، علمی، فرهنگی و نظامی جامعه است. در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مقالات، پیام‌ها و یادداشت‌های خود در فضای حقیقی یا مجازی در مورد اموری که نیاز به اظهار نظر مراجع رسمی است و هنوز اعلام نظر رسمی نشده است، مطالبی را خلاف واقع، بیان کند که بازخورد گسترده داشته باشد و در اخلاقی شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع موثر باشد، اگر از مصادیق افساد فی الارض موضوع ماده (۲۸۶) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ نباشد، علاوه بر محرومیت به مجازات درجه سه به مجازات نقدی معادل دو برابر خسارات وارده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی محکوم می‌شود و مسوول جبران خسارات وارده نیز می‌باشد.»

در ادامه گزارش «انتخاب» آمده که «به زبان ساده‌تر این ماده می‌گوید اگر اتفاقی در سطح جامعه رخ دهد و نیاز به اظهار نظر مراجع رسمی باشد، تا وقتی اظهار نظر رسمی درباره آن رخداد، حادثه یا اتفاق صورت نگیرد، این دسته افراد که در مجموع می‌توان به آنها افراد مشهور و پرمخاطب گفت، اظهار نظری که بر پایه اظهار نظرهای رسمی نباشد، نباید پیرامون آن موضوع داشته باشند؛ به این معنی که در صورت رخ دادن حادثه یا اتفاقی که گستره مخاطب آن وسیع باشد، تا زمانی که مراجع رسمی موضع‌گیری نکنند و شایعات در شهر بچرخد، هرچند این شایعات صحیح باشد اما با روایت مراجع رسمی تفاوت داشته باشد، اظهار نظر پیرامون آن جرم محسوب می‌شود.»

اینهمه در حالیست که طرح مجلس در مواردی مبهم است؛ برای نمونه مصداق افرادی که «دارای موقعیت شغلی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، علمی، فرهنگی و نظامی جامعه» هستند مشخص نیست. همچنین شفاف نشده که مبنای «تحلیلی که مبنایش خبر دروغ و شایعه باشد» چیست و از چه طریقی روشن خواهد شد.

هر چند به نظر می‌رسد مبهم نگاه داشتن این موارد عمدی بوده تا دست قوه قضاییه و نهادهای امنیتی برای برچسب

● سلبریتی‌ها و چهره‌های مشهور در صورت اظهار نظر درباره مسائل کشور به مجازات درجه سه که طبق قانون مجازات اسلامی شامل «حبس بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ سال» و «جزای نقدی بیشتر از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال» است محکوم خواهند شد!

● پیشتر روزنامه کیهان چاپ تهران در مطلبی سلبریتی‌ها را «دلک» خطاب کرده و نوشته بود «دشمن به خیال خام خود تصور می‌کرد که با «میداندار کردن دلک‌ها» می‌تواند به جمهوری اسلامی ایران و ملت بزرگ ایران آسیب برساند.»

● نمایندگان یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی معروف به «مجلس انقلابی» از ابتدای جنبش انقلابی مردم تمام تلاش خود را برای تدوین و تصویب طرح‌های سرکوب‌گرایانه علیه شهروندان به کار گرفته‌اند.

مجلس شورای اسلامی در طرح تازه‌ای برای افراد مشهوری که به اظهار نظر درباره شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کشور می‌پردازند مجازات‌هایی از جمله ۱۰ تا ۱۵ سال حبس، جزای نقدی و ۵ تا ۱۰ سال محرومیت از حقوق اجتماعی تعیین کرده است.

طرح جدید برای جرم‌انگاری اظهار نظر افراد مشهور درباره مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور در کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است. این طرح در قالب «افزودن یک ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی» تدوین شده است.

بر اساس این طرح بخش جدیدی به ماده ۵۱۲ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی افزوده می‌شود. بر اساس این بخش جدید، «هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار یا یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می‌گردد.»

بخش جدیدی که کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی آن را با عنوان «ماده مکرر» تدوین کرده، سلبریتی‌ها و افراد مشهور و پرمخاطب را هدف قرار داده است؛ این افراد در صورت اظهار نظر درباره مسائل کشور به مجازات درجه سه که طبق قانون مجازات اسلامی شامل «حبس بیشتر از ۱۰ تا ۱۵ سال» و «جزای نقدی بیشتر از ۳۶۰ میلیون ریال تا ۵۵۰ میلیون ریال» است محکوم خواهند شد.

موسی غضنفرآبادی رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی بنا بر این ماده «تحلیلی که مبنایش خبر دروغ و شایعه باشد، هم جزو همین موارد محسوب می‌شود.»

رئیس کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی در توضیح طرح گفته که «مثلاً در ماجرای مهسا امینی آمدند و دروغ گفتند که ایشان مورد ضرب و شتم قرار گرفته و غیره. این دروغ بود؛ وقتی فلان نماینده بر این اساس نظری می‌دهد، دروغ گفته است.» او ادامه داد: «هر اظهار نظری که منطبق بر واقعیت نباشد و به حیثیت، جان و امنیت جامعه ضرر برساند، از مشمول شده‌های این طرح است.» او افزود که «مثلاً شایعه‌ای مطرح شده و هنوز مقام رسمی در مورد آن اظهار نظری نکرده، اگر اظهار نظر فرد یا تحلیلش بر مبنای شایعه دروغ باشد و بدون استناد بر واقعیت باشد، مشمول این طرح می‌شود.»

وبسایت «انتخاب» نوشته که طبق ماده «۵۱۲ مکرر»، «هر شخصی که دارای موقعیت شغلی، اجتماعی، سیاسی،



## URGENT ACTION



که مصداق قتل عمد نیست، ممنوع کرده است.»

کیهان لندن پیشتر در گزارشی به نقل از سلیمان وطن دوست وکیل تسخیری جواد روحی نوشته بود که «جواد روحی مبتلا به بیماری اعصاب و روان است، او در هیچ احراق و تخریبی مشارکت نداشته است. حتی در تصاویر ضبط شده نیز او تنها در صحنه حضور دارد و مشارکتی در اقدامات ندارد.»

بر اساس حکم صادرشده علیه این شهروند توسط دادگاه انقلاب ساری او به دو اتهام «محابره» و «افساد فی الارض» به «سه بار اعدام» محکوم شده است. جواد روحی اما با اتهامات دیگری نیز در این پرونده روبروست که شامل «اخلال در نظم و امنیت جامعه، تحریک برخی از شهروندان به ایجاد ناامنی، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم بر ضد امنیت داخلی کشور، ارتداد از طریق هتک حرمت قرآن و آتش زدن آن و همچنین توهین به مقدسات» است.

در حکم صادر شده آمده که تخریب و به آتش کشیدن مقر پلیس راهنمایی و رانندگی، اماکن دولتی و نظامی، بانکها و شهرداری نوشهر» و همچنین «لیدری و عاملین اصلی هدایت و برنامه‌ریزی» تجمع اعتراضی «روز یکشنبه ۲۰ آذرماه» از دلایل صدور این حکم بوده است.

بنا بر ادعای مندرج در حکم و اظهارات قاضی، تجمع صورت گرفته در ۲۰ آذرماه در نوشهر به کشته شدن ۵ تن و جراحت تعدادی از مأموران» منجر شده است. این در حالیست که در پرونده حتی یک سند و مدرک دال بر اینکه جواد روحی کسی را به قتل رسانده یا مجروح کرده وجود ندارد!

مهدی محمدی فرد نوجوان ۱۸ ساله نیز در حالی به اعدام محکوم شده که تنها مستندات پرونده علیه او اعترافات اجباری و فیلمی منتسب به اوست که چهره فرد مربوطه در آن مشخص نیست. همچنین اتهامات عرشیا تکدستان در این پرونده، «افساد فی الارض از طریق ارتکاب جرم به صورت گسترده علیه امنیت داخلی کشور»، «تخریب، ایجاد حریق و خرابکاری در اموال عمومی»، «اغوا و تحریک مردم به جنگ و کشتار با یکدیگر»، «اجتماع و تبانی بر ضد امنیت کشور»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «توهین به مقام معظم رهبری» ذکر شده است. در بخشی از حکم شعبه اول دادگاه انقلاب ساری آمده است که حکم اعدام برای تکدستان، بر اساس گزارش اداره اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و فرماندهی نیروی انتظامی نوشهر صادر شده و در ادامه ذکر شده است که «اقدامات انجام شده موجب حضور جمعیت حدود سه هزار نفری در میدان آزادی آن شهرستان گردیده و علاوه بر خسارات مادی، موجب تهییج و تحریک دشمنان نظام گردید.»

در این حکم همچنین ادعا می‌شود عرشیا تکدستان اعتراف کرده است: «روز اول اغتشاشات در میدان آزادی حاضر بودم.»

این گزارش افزوده که در نتیجه این شکنجه‌ها، جواد روحی دچار پارگی کتف، عدم کنترل ادرار، عوارض گوارشی و اختلالات حرکتی و گفتاری و عرشیا تکدستان دچار شکستگی انگشت پا و مشکلات حافظه شده است. بر اساس اطلاعاتی که سازمان عفو بین‌الملل منتشر کرده بینی مهدی محمدی فرد به دلیل ضرب و جرح در زمان دستگیری شکست و او به دلیل تجاوز دچار جراحات و خونریزی مقعدی شد.

سازمان عفو بین‌الملل همچنین تأکید کرده که این سه جوان از حق دسترسی به وکیل در دوران تحقیقات و حق انتخاب وکیل مستقل و مورد نظر خود در مرحله محاکمه محروم شدند. محاکمه هر یک از آنها محدود به یک جلسه کمتر از یک ساعت بود. درخواست تجدید نظر آنها اکنون در دیوان عالی کشور تحت بررسی است.

هر سه این معترضان جوان در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در شهر نوشهر و در ارتباط با اعتراضات سراسری دستگیر و در آذر ماه ۱۴۰۱ به دلیل اتهامات بالا به دو و سه بار اعدام محکوم شده‌اند.

بر اساس گزارش عفو بین‌الملل دادگاه انقلاب ساری در متن دادنامه که توسط عفو بین‌الملل مطالعه شده، اعلام کرده که این سه جوان با رقصیدن، کف زدن، شعار سردادن یا سوزاندن روسری، دست به «اغوا و تحریک» مردم در جهت تخریب، ایجاد حریق و خرابکاری «گسترده» زده‌اند. در پرونده جواد روحی و عرشیا تکدستان، مقامات دادستانی هیچ مدرکی دال بر دست داشتن آنها در چنین اعمالی ارائه نکرده‌اند و دادگاه تنها به «اعترافات» حاصل از شکنجه آنها مبنی بر ورود به کیوسک پلیس راهنمایی و رانندگی و پرتاب اشیا به بیرون (در پرونده جواد روحی) و پرتاب سنگ و بطری شیشه‌ای به سمت یک ماشین نیروی انتظامی و بستن خیابان (در مورد عرشیا تکدستان) استناد کرده است. دادگاه همچنین به «اعترافات» جواد روحی مبنی بر هشدار وی به دیگر معترضان درباره ورود به فرمانداری اشاره کرد و نتیجه گرفت که این امر «هدایت و رهبری» او را در اعتراضات ثابت می‌کند. جواد روحی در دادگاه تأکید کرد که شرکت او در تظاهرات مسالمت‌آمیز بوده است. این گزارش می‌افزاید: «در پرونده مهدی محمدی فرد، مقامات دادستانی به «اعترافات» اجباری او مبنی بر تحریک اماکن عمومی استناد کردند و همینطور به کلیپی که ظاهراً او را در حال پرتاب کوکتل مولوتف به داخل کیوسک پلیس راهنمایی و رانندگی نشان می‌دهد. وکیل وی در دادگاه اظهار داشت که این کلیپ، ادعاهای دادستانی مبنی بر اقدامات گسترده را ثابت نمی‌کند و «اعترافات» مهدی محمدی فرد از روی فشار و اجبار بوده است. صدور مجازات اعدام برای چنین اتهاماتی نقض فاحش حق حیات افراد تحت قوانین بین‌المللی است که استفاده از مجازات اعدام را برای جرایمی

## گزارش عفو بین‌الملل از شکنجه‌های وحشیانه جسمی و جنسی سه شهروند جوان محکوم به اعدام

این سه جوان مورد شکنجه‌هایی چون آویزان کردن، ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه روی پیشانی و تجاوز یا سایر خشونت‌های جنسی از جمله گذاشتن یخ روی بیضه‌ها قرار گرفته‌اند.

جواد روحی دچار پارگی کتف، عدم کنترل ادرار، عوارض گوارشی و اختلالات حرکتی و گفتاری و عرشیا تکدستان دچار شکستگی انگشت پا و مشکلات حافظه شده است.

بینی مهدی محمدی فرد به دلیل ضرب و جرح در زمان دستگیری شکست و او به دلیل تجاوز دچار جراحات و خونریزی مقعدی شده است.

هر سه این معترضان جوان در ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در شهر نوشهر و در ارتباط با اعتراضات سراسری دستگیر و در آذر ماه ۱۴۰۱ به دلیل اتهامات بالا به دو و سه بار اعدام محکوم شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل از شکنجه‌های جنسی و جسمی سه شهروند جوان معترض که به اعدام محکوم شده‌اند خبر داد. بر اساس این گزارش جواد روحی، عرشیا تکدستان و مهدی محمدی فرد برای اعتراف علیه خود با شکنجه‌هایی چون تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه روی پیشانی، آویزان کردن و شوک الکتریکی و همچنین تجاوز و آزار جنسی روبرو شده‌اند.

سازمان عفو بین‌الملل در تازه‌ترین گزارش خود از شکنجه جسمی و جنسی سه جوان خبر داده که در جریان اعتراضات بازداشت و در دادگاه به اعدام محکوم شده‌اند.

در این گزارش آمده است: «سه معترض جوان شکنجه شده با نام‌های عرشیا تکدستان ۱۸ ساله، مهدی محمدی فرد ۱۹ ساله و جواد روحی ۳۱ ساله، در معرض خطر اعدام قرار دارند. احکام آنها مرتبط با اعتراضات صورت گرفته در نوشهر استان مازندران در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ است. آنها در آذرماه ۱۴۰۱ بابت اتهامات «محابره» و «افساد فی الارض» به دو بار اعدام محکوم شدند. جواد روحی یک حکم سوم اعدام هم بابت اتهام «ارتداد» دریافت کرده است که بر اساس «اعترافات» حاصل از شکنجه مبنی بر سوزاندن قرآن صادر شده است.»

در ادامه این گزارش آمده است: «جوانان نامبرده جهت «اعتراف‌گیری» مورد ناپدیدسازی قهری و انواع شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گرفته‌اند از جمله حبس طولانی‌مدت در سلول‌های انفرادی، آویزان شدن، ضرب و شتم، شلاق، شوک الکتریکی، تهدید به مرگ با گذاشتن اسلحه به روی پیشانی و تجاوز یا سایر خشونت‌های جنسی از جمله گذاشتن یخ روی بیضه‌ها.»

سازمان عفو بین‌الملل تأکید کرده که اعتراف جواد روحی به سوزاندن قرآن که سبب صدور اتهام ارتداد علیه او شده، حاصل شکنجه‌های وحشیانه بوده است.

## بخش سه؛ «شنیده‌هایی از غزه» پروژه‌های میدانی با انیمیشن از «مرکز ارتباطات صلح» که فارسی آن در همکاری با کیهان لندن منتشر می‌شود



مفاهیم رایج حماس مانند «مقاومت مسلحانه» با اشکال جدید و اعتراضات مدنی در ارتباط با اسرائیل شدند. برخی نیز طرفدار مراودات مدنی با اسرائیلی‌ها هستند چه به خاطر صلح پایدار در این منطقه و چه به عنوان بخشی از تلاش بین‌المللی برای بازسازی نوار غزه. تقریباً همه خواستار آینده‌ای بدون حاکمان فعلی هستند که بسیاری از آن با عنوان «اشغال غزه توسط حماس» نام می‌برند.

در پاسخ به این پرسش که با این چندین ساعت گفتگو با اهالی غزه چه کنیم، از تجربیات گذشته استفاده کردیم. یک سال پیش از آن، ما ۳۱۲ عراقی را در شش استان بسیج کرده بودیم تا در همگرایی با اربیل در شمال این کشور از عراق بخواهند به «پیمان ابراهیم» بپیوندند. حزب‌الله و دیگر شبه‌نظامیان مورد حمایت رژیم ایران اما به کنفرانس اعلان جنگ دادند و حسن نصرالله رهبر حزب‌الله در یک سخنرانی گفت: «مبادا تعداد بیشتری از این افراد وجود داشته باشد!» بنابراین ما تمام تلاش خود را به کار بستیم تا امنیت و آزادی همه شرکت‌کنندگان در این حرکت حفظ شود.

برای پیشبرد این گفتگوها در غزه، رویکرد جدیدی را در نظر گرفتیم که هم خطر را علیه شرکت‌کنندگان به حداقل می‌رساند و هم تأثیر سخنان و شهادت‌های آنها را به بیشترین حد می‌رساند. همانطور که مخاطبان این مجموعه می‌دانند، ما تیمی متشکل از انیماتورها، تصویرگران و نوازندگان را گرد آوردیم تا ۲۵ کلیپ ویدیویی به صورت انیمیشن از این گفتگوها تهیه کنند. ما فکر کردیم که با این کار فراتر از حفظ امنیت مصاحبه‌شوندگان، یک تصویر هنری نیز از این ماجراها ارائه می‌شود که دشوار توان آن را فراموش کرد. برای پخش هرچه بیشتر این سرنوشت‌ها ما نسخه‌هایی از مطالب عربی را با زیرنویس به زبان انگلیسی، فرانسوی، عبری، فارسی، اسپانیایی و پرتغالی تهیه کردیم و آنها را در همکاری با کیهان لندن (فارسی)، Infobae (اسپانیایی) و RecordTV (برزیل (پرتغالی)) به اشتراک گذاشتیم. این رسانه‌ها موافقت کردند که این مطالب را همزمان در سه مجموعه منتشر کنند. امروز سومین بخش این پروژه منتشر می‌شود.

البته حماس بیکار ننشست و بلافاصله با حمله به تمام پلتفرم‌های ما پاسخ داد. حماس همچنین به تهیه

سازمان ما «مرکز ارتباطات صلح» احساس می‌کرد که تلاش برای انجام این کار به عنوان یک دغدغه عمومی و انسانی بسیار حیاتی و البته بلندمدت است. در برخی کشورهای عربی، تسلط روایی حماس که بر پیشینه‌ی هفتاد سال تبلیغ و امتناع بنا شده، شهروندان غیرنظامی عرب را که طرفدار مشارکت مدنی و صلح هستند، به طردشدگان اجتماعی تبدیل می‌کند. در غرب نیز همین روایت غالب، تلاش برای تحقق منطقه‌ای صلح‌آمیزتر و یکپارچه‌تر را تضعیف می‌کند.

ما به دنبال کمک به فلسطینی‌ها و دیگر اعراب هستیم تا از صلح و مبارزه با شبه‌نظامیان تروریستی با صراحت و گسترده حمایت کنند. ما معتقدیم که با انجام این کار، آنها می‌توانند روایت به اصطلاح «محور مقاومت» را تضعیف کرده و بازیگران افراطی در غرب را به عنوان یک دسیسه خارجی افشا کنند. این افراطیون بی‌توجه و بی‌محابا به منافع ملت‌های عرب و برخلاف میل فزاینده مردم عرب در عمل با شبه‌نظامیان افراطی که به مردم تحمیل شده‌اند، متحد شده‌اند.

ما در طول یک سال گذشته، به ده‌ها تن از ساکنان کنونی نوار غزه نزدیک شدیم و با قول ناشناس ماندن از آنها دعوت کردیم تا داستان‌های خود را در برابر دوربین تعریف کنند. سخنان آنها دلخراش بود. شرکت‌کنندگان از دستگیری‌های خودسرانه، اخاذی، خشونت توسط مأموران حماس و نقض سیستماتیک آزادی‌های اولیه شخصی خود سخن گفتند. والدین از آینده فرزندان خود که در معرض تلقینات حماس از طریق مدارس محلی قرار دارند نگرانی مشترک داشتند. مغازه‌داران از فشارهای حماس تعریف کردند. متخصصان تجربیات خود را از سیستم فساد محلی که بخش خصوصی و بیشتر زمین‌ها را در بر می‌گیرد تعریف کردند. سیستمی که اعضای حماس و خانواده‌هایشان را ثروتمند کرده و اکثریت غزه را به حاشیه رانده است.

مصاحبه‌شوندگان همچنین حمایت قاطع خود را از کشور مستقل فلسطین اعلام و حماس را به عنوان نیرویی که با جنگ‌افروزی به این هدف آسیب می‌رساند محکوم کردند. آنها معتقدند که حماس با جنگ‌افروزی تمامی کمک‌های مالی بین‌المللی را به غارت می‌برد. برخی نیز خواستار جابجایی

● نظرسنجی‌های گسترده از فلسطینی‌ها نشان می‌دهد که آنها مانند هر جامعه دیگری دیدگاه‌های متفاوت از جمله درباره حماس، اسرائیل و خشونت مسلحانه دارند. برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثریت مردم غزه با حملات موشکی حماس مخالف و به نهادهای حماس بی‌اعتماد بوده و مخالفتی با اسرائیل ندارند و بیشتر مشتاق رسیدگی به مشکلات محلی خود هستند تا درگیر شدن با مردم اسرائیل.

● پس از پخش ویدئوهای مصاحبه مردم غزه که خواهان زندگی در صلح و آرامش با همسایگان خود از جمله اسرائیل هستند، حماس بیکار ننشست و بلافاصله با حمله به تمام پلتفرم‌های «مرکز ارتباطات صلح» که تهیه‌کننده و ناشر این گفتگوهاست پاسخ داد. حماس همچنین به تهیه نسخه‌های تقلبی با تغییراتی در ویدئوهای این مرکز پرداخت و با موسیقی و تغییر سخنان مصاحبه‌شوندگان آنها را تحریف و درست برعکس نظرات آنان تنظیم کرد!

پس از حمله تروریستی مرگبار روز شنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۲۳ نزدیکی کنیسه‌ای در اورشلیم، میلیون‌ها نفر در سراسر جهان تصاویری از فلسطینی‌ها را دیدند که با آتش‌بازی در شرق اورشلیم جشن گرفتند و در کرانه باختری رود اردن راهپیمایی کرده و یکی از اعضای ارشد حماس نیز در آن شیرینی پخش می‌کرد. این نمایش چنین القاء می‌کند که گویا فلسطینی‌ها از این قتل عام توسط حماس به شدت حمایت می‌کنند.

حماس طبیعتاً از چنین برداشتی استقبال کرده و با شعار «مقاومت محافظ مردم است» ادعای مشروعیت می‌کند. شمار زیادی از رسانه‌های طرفدار حماس در منطقه، نمایش این شادی را برجسته کردند. برخی طرفداران اسرائیل نیز به نوبه خود با همان پیش‌فرض جاری درباره فلسطینیان آن را محکوم کردند: «جامعه‌ای بیمار که مرگ را جشن می‌گیرد!» اما آنانکه در جشن مرگ شرکت کردند، همان میلیون‌ها نفری نیستند که در خانه ماندند! نظرسنجی‌های گسترده از فلسطینی‌ها نشان می‌دهد که آنها مانند هر جامعه دیگری دیدگاه‌های متفاوت از جمله درباره حماس، اسرائیل و خشونت مسلحانه دارند. برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که اکثریت مردم غزه با حملات موشکی حماس مخالف و به نهادهای حماس بی‌اعتماد بوده و مخالفتی با اسرائیل ندارند و بیشتر مشتاق رسیدگی به مشکلات محلی خود هستند تا درگیر شدن با مردم اسرائیل.

ولی فقط گاهی چنین دیدگاه‌هایی در رسانه‌های همگانی مطرح می‌شوند مثلاً ویدیویی از مغازه‌داری در جنین که چون ترویس‌ها را محکوم کرده بود مورد ضرب و جرح قرار گرفت. ما همچنین شاهد نمایش‌هایی از شجاعت جمعی بوده‌ایم؛ برای مثال تظاهرات خیابانی غزه در سال ۲۰۱۹ که در آن تقریباً ۱۰۰۰ فلسطینی در اعتراض به حکومت فاسد حماس تظاهرات کردند. سرکوب خونین این مردان، زنان و خانواده‌هایشان در زمره وحشتناک‌ترین جنایات علیه بشریت در تاریخ این سرزمین کوچک است.

اما این حرکات اجتماعی نسبت به تظاهرات حمایت از تروریسم حماس و متحدانش توجه کمتری به خود جلب می‌کند. تا همین اواخر هیچ تلاش هماهنگی برای ایجاد بستری جهت شنیدن صداهای مستقل در غزه انجام نشده بود تا با مخاطبان جهانی صحبت کنند.



تراژدی فردی این مجموعه را روایت می‌کند. دو نفر دیگر به ندرت دیدگاه اهالی غزه در مورد شهروندان اسرائیلی و درگیری با ارتش اسرائیل را شنیده‌اند. پنج کلیپ دیگر بستری را برای ساکنان غزه فراهم می‌کنند تا مستقیم با مخاطبان بین‌المللی صحبت کنند. این شنیده‌ها همچنین به پرسش‌هایی درباره امیدها و رویاهای مردم غزه برای آینده و همچنین نقش بالقوه قدرت‌های خارجی در حمایت از اهداف خود پاسخ می‌دهند.

علاوه بر انتشار فارسی این کلیپ‌ها توسط کیهان لندن، «العربیة» آنها را به زبان عربی، تایمز اسرائیل به انگلیسی و فرانسوی، Infobae به زبان اسپانیایی و RecordTV به زبان پرتغالی منتشر می‌کنند. همه نام‌ها در این کلیپ‌ها تغییر کرده‌اند و از انیمیشن و فناوری تغییر صدا برای محافظت از هویت گویندگان استفاده شده است.

جوزف برود رئیس «مرکز ارتباطات صلح» خاطرنشان کرد که شرکت‌کنندگان در این گفتگوها برای انتقال ایده‌ها و تجربیات خود به مخاطبان بین‌المللی موافقت کرده‌اند که با آنها مصاحبه شود: «آنها می‌خواهند صدا و سرنوشت آنها شنیده شود.»

### ۱- به خودشان می‌گویند مسلمان!

برادر فقید «سمیر» که در نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان در غزه خدمت می‌کرد، در میان مجروحان شدید کودتای حماس در سال ۲۰۰۷ بود. دوستانش او را سریع به اورژانس بردند. اما قبل از اینکه بتواند درمان شود، شبه‌نظامیان حماس برق را قطع کرده و نجات جان او را برای پزشکان غیرممکن کردند. حماس سال‌ها به آزار و اذیت خانواده «سمیر» پرداخت. او می‌گوید: «این افراد ادعای اسلام دارند و ادعای دینداری می‌کنند، اما مردم را سلاخی کرده‌اند.»



از زمانی که حماس حاکمیت خود را بر غزه تحکیم کرد، سرکوب خشن و آزار و اذیت فلسطینی‌های وابسته به احزاب دیگر و همچنین خانواده‌های آنها را نیز شروع کرد. در جریان کودتای اولیه در سال ۲۰۰۷ حماس ده‌ها شهروند غیرنظامی مرتبط با سازمان فتح را کشت. برخی مانند محمد سوابرکی آشپزی که برای فتح کار می‌کرد، دست و پایشان را بستند و از ساختمان ۱۵ طبقه در شهر غزه به پایین پرتاب کردند! همانطور که یکی از فرماندهان حماس در سال ۲۰۱۴ گفت: «مقاومت به کسی که اطلاعات مقاومت و افراد آن را به دشمن می‌دهد، رحم نخواهد کرد. با آنها از طریق اعدام صحرایی برخورد خواهد شد.»

مقامات حماس سرخود منتقدان را به همکاری با اسرائیل متهم می‌کنند. همانطور که چندین گروه حقوق بشر اشاره کرده‌اند، شواهد در این موارد در بهترین حالت مبهم است و روند قانونی نیز برای پیگرد وجود ندارد. گزارش سال ۲۰۱۴ عفو بین‌الملل نشان می‌دهد که در موارد متعدد، تنها شواهد جرم مفروض، اعترافات است که تحت شکنجه

هفته به تأخیر افتاد تا اسرائیلی‌ها نخست در سوگ هموطنانی بنشینند که دوباره در حملات تروریستی کشته شدند. تام ویزل برگزارکننده برنامه می‌نویسد: «مسیر صلح بین اسرائیل و همسایگانش مسیری پیچیده است، اما این مسیر نخست با درک عناصر افراطی در منطقه ما شروع می‌شود و سپس در تلاش برای اینکه صدای کسانی تقویت شود که برای واقعیتهای متفاوت تلاش می‌کنند.»

به عنوان یک سازمان کوچک، ما فاقد ابزار لازم برای تقویت صدای واقعی غزه با همان قدرتی هستیم که حماس صدای خود را تبلیغ می‌کند. با این حال از نتایج اولیه در این پروژه راضی هستیم. دو هفته پس از راه‌اندازی کمپین ما، ویدئوهای ما به زبان‌های مختلف فقط در کانال یوتیوب کمی بیش از دو میلیون بازدید داشته است. پس از مخاطبان عرب‌زبان ما، نسخه‌های انگلیسی ویدئوها در رتبه دوم قرار دارند. ما تخمین می‌زنیم که بیش از یک میلیون بازدید نیز از طریق شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها داشته‌ایم. همچنین بر اساس ارتباط مداوم با غزه ارزیابی می‌کنیم که بیشترین مخاطبان ما در خود نوار ساحلی است. در این منطقه است که کلیپ‌ها احساس همدلی را تقویت می‌کنند چرا که بیانگر مشکلات و همدلی‌های مشترک مردم غزه هستند و به یک بیان عمومی تبدیل می‌شوند. در عین حال مخاطبان ما در غزه ممکن است با آگاهی از اینکه حماس نمی‌تواند مصاحبه‌شوندگان را سرکوب کند، احساس جسارت کنند.

پروژه «شنیده‌هایی از غزه» تازه سفر خود را آغاز کرده. ما همزمان با اینکه تمام تلاش خود را برای انتشار وسیع صدای مردم غزه به کار می‌گیریم، از همه آنانکه به پیام این صداها اعتقاد دارند، اعم از فرد و سازمان و دولت، می‌خواهیم با ما همراهی کرده و به پخش گسترده صدای مردم غزه بپردازند.

\*\*\*\*\*

این بخش سوم از پروژه سه قسمتی «شنیده‌هایی از غزه» است که هشت مصاحبه کوتاه با ساکنان غزه را ارائه می‌کند. این پروژه توسط «مرکز ارتباطات صلح»، یک سازمان غیرانتفاعی مستقر در نیویورک، تهیه شده و فارسی آن در همکاری با کیهان لندن منتشر می‌شود. این یک فرصت نادر برای شهروندان غزه بود تا به جهان بگویند که تحت حاکمیت سازمان حماس چگونه زندگی می‌کنند. همه گفتگوها در سال ۲۰۲۲ انجام شده و سخنرانان همگی در حال حاضر ساکن غزه هستند.

در بخش اول و دوم این مجموع، مردان و زنان غزه تجربه خود را از سرکوب، فساد، وحشیگری، شستشوی مغزی و جنگ‌افروزی حماس با مخاطبان به اشتراک گذاشتند. تعدادی نیز مشارکت خود را در تلاش داخلی برای مقابله با حکومت حماس از طریق تظاهرات خیابانی در سال ۲۰۱۹ توصیف کردند. تظاهراتی که حماس با مشت آهنین آن را سرکوب کرد.

قسمت سوم و پایانی که در اختیار شما قرار می‌گیرد در کشاکش موج جدیدی از حملات تروریستی حماس علیه اسرائیل و واکنش نظامی اسرائیل در غزه منتشر می‌شود. با این هدف که مباحثات درباره آینده غزه را تقویت کند. همانطور که جوزف برود رئیس «مرکز ارتباطات صلح» در گزارش خود نوشته است، ۱۷ کلیپ بخش اول و دوم چند میلیون بار دیده شده‌اند. برخی مخاطبان در خاورمیانه، اروپا و آمریکا و همچنین کشورهای عربی که مدت‌ها حماس را یک جنبش «مقاومت» مشروع می‌دانستند، با ناامیدی نسبت به رفتار واقعی این گروه واکنش نشان می‌دهند، در حالی که سیاست‌گذاران غربی خواستار تأمل و رویکردهای خلاق برای مقابله این سازمان در نوار غزه هستند. نخستین کلیپ از هشت کلیپ بخش سوم، تاریک‌ترین

نسخه‌های تقلبی با تغییراتی در ویدئوهای ما پرداخت و با موسیقی و تغییر سخنان مصاحبه‌شوندگان آنها را تحریف و درست برعکس نظرات آنان تنظیم کرد! به عنوان مثال، در یکی از کلیپ‌های ما، «آمنه» ترس خود را از فرستادن فرزندانش به مدرسه‌ای که حماس اداره می‌کند، توصیف می‌کند و می‌گوید «جایی که مردم را در مورد اینکه چگونه به بهشت برسند از طریق حملات انتحاری مغزشویی می‌کنند.» در نسخه حماس اما وی توضیح می‌دهد که چگونه بر ترس‌های خود غلبه کرد و فرزندانش را به مدرسه حماس فرستاد تا از لحاظ اخلاقی، آموزش‌های مذهبی درست دریافت کنند! در یکی دیگر از کلیپ‌های ما، مصاحبه‌شونده توضیح می‌دهد که تحت حاکمیت حماس، «گفتن ما جنگ نمی‌خواهیم ممنوع است» و سلطه حماس باید «از طرف مردم باشد» پایان یابد. در نسخه ساختگی و تحریف‌شده اما «راه حل فقط در مقاومت است و نه هیچ چیز دیگر!» همچنین این حرف را در دهان مصاحبه‌شونده گذاشتند که «با وجود اینکه ما چهار جنگ را تحمل کرده‌ایم، اما در کنار مقاومت ایستاده ایم و هرگز آن را رها نخواهیم کرد!» ما از تجربه خود به عنوان تهیه‌کننده ویدئوهای اصلی می‌دانیم که این تلاش، که در کمتر از یک هفته انجام شد، به تیمی از متخصصان نیاز داشت که با اضافه‌کاری به تحریف و تغییر این ویدئوها بپردازند. با این کار حماس فقط ماهیت و ترس خود را از صدای واقعی مردمی که بر آن حکومت می‌کند بیش از پیش افشا کرد.

پس از انتشار ویدئوهای «شنیده‌هایی از غزه» در کشورهای عربی که بیشترین مخاطبان این سریال در آنها زندگی می‌کنند، برخی از کاربران شبکه‌های اجتماعی نشان دادند که در حال تجدید نظر در همدلی خود با حماس هستند و خواست اهالی غزه را برای داشتن حکومتی مسئول تأیید می‌کنند. در ایران، از طریق گروه‌های تلگرام و واتساپ، معترضان جوان ضد رژیم به شباهت‌های ناراضی‌ت‌گانه و نفی حاکمیت آخوندی توسط خودشان اشاره کردند. در میان اسرائیلی‌ها و حامیان آنها، بسیاری نه تنها انزجار خود را از حکومت حماس، بلکه به رسمیت شناختن انسانیت و حقوق کسانی که تحت آن رژیم زندگی می‌کنند و خواهان آینده‌ای کاملاً متفاوت هستند، ابراز کردند. گروهون باسکین یکی از طرفداران سرشناس گفتگوی اسرائیل و مردم غزه با اشاره به اینکه «شنیده‌هایی از غزه» فرصتی برای مردم عادی و شجاع غزه فراهم می‌کند تا به جهان بگویند زندگی تحت حکومت حماس چگونه است، نوشت «این مجموعه همچنین فرصتی برای رهبران فراهم کرده تا این سخنان را بشنوند.»

همچنین برخی سیاست‌گذاران ایالات متحده و اروپا خواستار شیوه‌های جدیدی برای تفکر در مورد رویکردهای بین‌المللی در قبال غزه شده‌اند. برایان کاتولیس معاون سیاست‌گذاری مؤسسه خاورمیانه در واشنگتن، این مجموعه را فرصتی توصیف کرد تا «خود را از چارچوب تنگی که از طریق آن مردم فلسطین در نوار غزه درک می‌شوند، بیرون بکشیم و بعد به گفتگو در این مورد با واژگان جدیدی که به دست آورده‌ایم بپردازیم.»

برنامه‌هایی نیز برای نمایش فیلم‌ها در پارلمان‌ها، اتاق‌های فکر، دانشگاه‌ها و مراکز اجتماعی در دست اجراست. شعبه‌ای از Dror Israel بزرگترین سازمان غیردولتی آموزشی این کشور، در سدروت، شهر اسرائیلی هم‌مرز با غزه، جایی که خانواده‌ها در معرض بیشترین آسیب‌ها از حملات موشکی حماس قرار دارند از نمایش این ویدئوها استقبال کرده است. همچنین Youth4Mena یک سازمان غیردولتی جدید که به تقویت روابط مردم با مردم در منطقه اختصاص دارد، قرار است از این پروژه حمایت کند. البته همه این اقدامات یک

## ۴- پیشتر با هم جشن می گرفتیم

پدربزرگ و مادر بزرگ «خلیل» او را با خاطراتی از دوران بهتر بزرگ کردند. در نسل آنها، «ما در جشن‌های اسرائیلی شرکت می‌کردیم و آنها به جشن ما می‌آمدند». فلسطینیان آزاد بودند که از غزه به حيفا یا اورشلیم سفر کنند و در کنار اسرائیلی‌ها کار کنند. پدربزرگ و مادر بزرگش به او گفتند: «وقتی با اسرائیلی‌ها کار می‌کنی و آنها به تو اعتماد می‌کنند، می‌توانی زندگی‌ای داشته باشی که همیشه آرزویش را داری.» بدون ایده آل کردن دوره کاملاً فراموش شده بین سال‌های



ویدئو

اگرچه آنها یک موضع واقعا مستقل برای تغییر مثبت اتخاذ کردند، بعلاوه اینکه «هیچ حمایت بین‌المللی پیدا نکردند» و ناامید شدند. او می‌گوید اگر قرار است جنبش جدیدی برای تغییر در این منطقه احیا شود، باید با جامعه بین‌المللی «همهانگی» داشته باشد.

جنبش «ما می‌خواهیم زندگی کنیم» اولین بار در سال ۲۰۱۹ در اعتراض به افزایش مالیات، فساد و سوء مدیریت اقتصادی حماس ظهور کرد. همانطور که یکی از فعالان می‌گوید، «حماس میلیاردها دلار سرمایه‌گذاری در بسیاری از کشورها دارد، در حالی که مردم در غزه از گرسنگی می‌میرند



ویدئو

گرفته شده و در یک محاکمه «به شدت ناعادلانه» علیه متهم استفاده شده است. تنها در همان سال، حماس حداقل ۲۳ نفر را به اتهام «همکاری» اعدام کرد. همانطور که فیلیپ لوتر از عفو بین‌الملل خاطرنشان کرد، در دوره‌های تشدید تنش با اسرائیل «نیروهای حماس از فرصت استفاده کردند تا بی‌رحمانه با مخالفان تسویه حساب کنند؛ آنها یکسری قتل‌های غیرقانونی و سایر رفتارهای وحشیانه را مرتکب شدند... اقداماتی که برای انتقام گرفتن و وحشت‌آفرینی در سراسر غزه طراحی شده بود.»



ویدئو

۱۹۶۷ تا ۱۹۸۷ در غزه، ارزش آن را دارد که زمینه خاطرات پدربزرگ و مادر بزرگ خلیل را دوباره یادآوری کنیم. آن دو دهه شاهد بهبود سریع مادی در شرایط زندگی در نوار غزه بودیم. روابط بین غزه و اسرائیل منجر به افزایش پیوسته کارگران غزه شد که به کشور یهود سفر می‌کردند و در سال ۱۹۸۷ تقریباً ۴۰ درصد از نیروی کار به اوج خود رسید. این کارگران مهمان تقریباً ۲۰ تا ۴۰ درصد بیشتر از کارگرانی که در غزه کار می‌کردند، از حق بیمه برخوردار بودند و سهم عظیمی از تولید ناخالص داخلی فلسطین را تشکیل می‌دادند. ساکنان غزه همچنین از آزادی حرکت بسیار بیشتری برخوردار بودند. همانطور که B'Tselem «بتسلیم اشاره می‌کند، از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۱ «فلسطینیان از کرانه باختری و نوار غزه می‌توانستند تقریباً بطور کامل آزادانه سفر کنند... غزه و اسرائیل روابط خانوادگی خود را حفظ کردند. دانشجویان غزه در دانشگاه‌های کرانه باختری تحصیل می‌کردند و تجارت گسترده بین فلسطینی‌ها صرف نظر از اینکه در کجا زندگی می‌کنند، جریان داشت. همانطور که ناهد القول که آب در غزه تحویل می‌دهد، به شبکه الجزیره گفت: «بهترین دوران زندگی ما زمانی بود که ۲۵ یا ۳۰ سال پیش در اسرائیل کار می‌کردیم. ما خوشحال بودیم، به اسرائیل یا اردن یا مصر می‌رفتیم؛ جاده‌ها باز بود. ما خوب زندگی می‌کردیم، پول بود. امروز پولی نیست.»

## ۵- مبارزه من از راه ارتباط است

«زینب» دوست دارد دنیا بداند که «کلیشه‌های نادرستی وجود دارد که فلسطینی‌های غزه را عاشق موشک و جنگ نشان می‌دهد». در حالی که رسانه‌های طرفدار حماس برای «تلقین عطش خون» به جوانان تلاش می‌کنند، تلاش او این است که به اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها بگوید: «من در اینجا، در غزه، یک انسان هستم و نه یک جانور تروریست و عاشق سلاح! زیرا در نهایت سلاح ما را به جایی نمی‌رساند.»

تبلیغات حماس در اصل از مردم غزه می‌خواهد که به عنوان طعمه شرعی عمل کنند. یحیی سنوار رهبر حماس به فلسطینی‌ها می‌گفت: «هر کسی که تفنگ دارد باید آن را به دست بگیرد و آنها که تفنگ ندارند باید کارد قصابی،

و در جستجوی کار مهاجرت می‌کنند.» شهروندان غزه که به خیابان‌ها آمدند خواست‌های غیرایدئولوژیک مانند بهبود شرایط زندگی و پایان دادن به فساد و پارتی‌بازی خویشاوندی را مطرح می‌کردند. با رشد جنبش، حماس به شدت آن را سرکوب کرد، تظاهرکنندگان را مورد ضرب و جرح قرار داد، به خانه‌ها یورش برد و بیش از هزار نفر را دستگیر کرد. حتی بدون حمایت بین‌المللی که بسام درخواست می‌کند، برخی از مردم غزه ادامه داده‌اند و تلاش می‌کنند تا جنبش را به صورت آنلاین یا در تبعید احیا کنند. ناامیدی اما همچنان بالاست. یک نظرسنجی به تازگی نشان داد که تنها هفت درصد از ساکنان غزه شرایط خود را مثبت ارزیابی می‌کنند، در حالی که تقاضا برای برگزاری انتخابات ۷۸ درصد بود. همانطور که یکی از سازماندهندگان اعتراضات در سال ۲۰۲۱ بیان کرد، «زمان مناسبی است که حق زندگی خود را مانند هر مردم دیگری در سراسر جهان بخواهیم!» امل شمالی یکی از معترضان قدیمی تاکید کرد که از تسلیم شدن خودداری خواهد کرد: «برای رها شدن از این واقعیت تلخ... من به نوشتن علیه فساد و تصمیمات غیرقانونی دولتی که بر ما تحمیل شده است ادامه خواهم داد.» در حالی که چیزی برای ساکنان غزه تغییر نکرده، همانطور که یکی دیگر از سازماندهندگان جنبش اظهار داشت: «تظاهرات سبب شکست سکوت و هراس در مردم غزه شد و واقعیت حماس را نیز به نمایش گذاشت.»

فراخوان بسام برای حمایت بین‌المللی از جنبش تغییر در غزه بیانگر پروژه بزرگتر اصلاح‌طلبان عرب در منطقه‌ایست که زیر سلطه افراتیون قرار دارد. در حالی که خارجی‌هایی که با آنها همدردی می‌کنند از ترس آلوده شدن به «بوسه مرگ» از هر کمکی خودداری می‌کنند، این رفرمیست‌ها که به هر حال با اتهامات واهی «همکاری با دشمن» و «خیانت» روبرو هستند ترجیح می‌دهند تنها فنانند خبیگانگانی که با آنها همدردی می‌کنند از ترس آلوده کردن آنها به به اصطلاح «بوسه مرگ» از کمک پرهیز می‌کنند، اصلاح‌طلبان که به هر حال با اتهامات ساختگی «همکاری» و خیانت روبرو هستند، ترجیح می‌دهند بدون برخورداری از حمایت واقعی بین‌المللی تنها فنانند و هر برجسبی را تحمل می‌کنند.

## ۲- تفاوتی با اشغال ندارد

«مجید» به یاد می‌آورد که چگونه تظاهرات غزه در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ آغاز شد. او می‌گوید: «این کار با گردهمایی‌های اعتراضی مسالمت‌آمیز آغاز شد، اما حماس تصمیم گرفت از آنها بهره‌برداری کند.» پس به مردم غزه گفت اگر برونند و در مرز با اسرائیل راهپیمایی کنند، «محاصره شکسته خواهد شد»، «اما در عوض مردم شکسته شدند.» اگرچه اعتراضات بازگشت در ابتدا توسط فعالان مردمی آغاز شد، ولی حماس به سرعت آنها را به سمت اهداف خود هدایت کرد. همانطور که رهام عودا تحلیلگر سیاسی غزه خاطرنشان کرد، «هیچ چیزی در اینجا بدون تایید حماس اتفاق نمی‌افتد و آن تظاهرات را تأیید کرده بود.» صلاح البردویل عضو دفتر سیاسی حماس در مصاحبه‌ای به خود می‌بالید که حداقل ۵۰ نفر از کشته‌شدگان در جریان اعتراضات از اعضای حماس بودند. خلیل الحیا یکی دیگر از مدافعان حماس، بعداً ادعا کرد که حماس «در قلب» این اعتراضات قرار دارد.

حماس با مشارکت در راهپیمایی بازگشت، تلاش کرد تا مسیر آن را به عنوان بستری برای حملات خشونت‌آمیز برون‌مرزی تغییر دهد. تسلط حماس بر این راهپیمایی، سازماندهنده آن، احمد ابو ارمه، فعال ساکن غزه را دچار مشکل کرد. وی بعداً خاطرنشان کرد: «ایده از ما بود، اما وضعیت واقعی داستان طور دیگری شد.» حماس، نه مردم عادی غزه، بزرگترین سود را از آن اعتراضات برد. همانطور که استاد دانشگاه «الازهر»، مخیمار ابوسادا گفت: «آنها برندگان شماره یک این راهپیمایی هستند- آنها نقشی در ارائه این ایده نداشتند اما بلافاصله توانستند آن را تصاحب کنند.» این امر باعث شد که شهروندان معمولی غزه تاوان مرگبار آن را پس بدهند. همانطور که مجید می‌گوید: «چهارصد نفر شهید شدند و هیچکس نمی‌داند برای چه!»

## ۳- ما همه وطن دوستیم

«بسام» می‌خواهد که دنیا بداند در تظاهرات خیابانی ۲۰۱۹ او و معترضان دیگر چیزی جز «دولتی که بلد باشد کشور را اداره کند» نمی‌خواستند. آنها به عنوان ملی‌گرایان باغور فلسطینی، انتظار نداشتند که حماس همه آنها را به عنوان «خان» و «همدستان رژیم صهیونیستی» معرفی کند.

همه انسان‌ها هم سینما و هم فضاهای عمومی و پارک و... داشته باشیم.»

## ۸- مواد لازم برای ساختن رویای ما آماده است

«ابراهیم» چشم‌انداز یک غزه‌ی در حال توسعه و شکوفا و در صلح با اسرائیل و همچنین خودش را دارد. او می‌خواهد جهان بداند که فلسطینیان عاری از سطره حماس می‌توانند خودشان چنین مکانی را با توجه به کمک‌های اندکی از خارج بسازند. او می‌گوید: «بیشتر رهبران حماس غزه را ترک کرده‌اند و در ترکیه یا قطر زندگی می‌کنند و آینده بهتری برای خود و



ویدیو

فرزندانشان می‌سازند.» او می‌گوید، اجازه دهید کسانی که می‌خواهند با ایجاد جامعه مدنی «محاصره را بشکنند... به غزه بیایند و آن را واقعاً آزاد کنند».

شکاف در استانداردهای زندگی بین رهبران حماس و مردم عادی غزه در سال‌های اخیر بطور فزاینده آشکار شده است. در سال ۲۰۱۹، اسماعیل هنیه رئیس حماس به همراه خانواده خود به قطر نقل مکان کرد، در حالی که خلیل الحیا معاون رهبر این گروه نیز کمی بعد ساکن ترکیه شد! از آن زمان او تنها دو بار از غزه بازدید کرده است. فتحی حمد یکی دیگر از مقامات ارشد حماس نیز اکنون در استانبول اقامت دارد و اغلب برای جلسات در هتل‌های مجلل به بیروت پرواز می‌کند. بیش از ده‌ها مقام بلندپایه دیگر حماس نیز همین زندگی را در پیش گرفته و در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند! این مهاجرت‌ها مورد توجه مردم غزه قرار گرفته است. همانطور که عظمی کشاوری تحلیلگر غزه در گروه بین‌المللی بحران، اظهار داشت: «فلسطینیان عادی می‌بینند که زمامداران حماس در کشورهای دیگر راحت زندگی می‌کنند، جایی که دیگر رنج نمی‌برند و دور از آرمان و مسائل فلسطین هستند».

مردم غزه دلایل زیادی برای ناامیدی دارند. در سال‌های پس از به قدرت رسیدن حماس، رشد تولید ناخالص داخلی غزه بطور متوسط یک درصد در سال بوده، یعنی یک ششم نرخ رشد در کرانه باختری. در دوره‌های آرامش نسبی، مانند سال‌های ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ و ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵، غزه از نرخ رشد ۱۷ درصدی در سال برخوردار بود. یک مطالعه به این نتیجه رسیده است که اگر حاکمان غزه موضع آشتی‌جویانه در قبال همسایگان خود اتخاذ کنند، تولید ناخالص داخلی این سرزمین تا ۴۰ درصد افزایش می‌یابد و قدرت خرید خانوارها ۵۵ درصد بیشتر شده و بر صادرات نیز ۶۲۵ درصد اضافه می‌شود. در مقابل، در شرایط تیره و تار امروز، جوانان غزه بهترین شانس خود را برای یک زندگی مناسب در فرار به جای دیگری می‌بینند. یک زن که پسرش در تلاش برای ترک نوار ساحلی از طریق دریا جان باخت، گفت: «من حاکمان اینجا، دولت غزه را مقصر می‌دانم... آنها در عیش و نوش زندگی می‌کنند در حالی که فرزندان ما خاک می‌خورند، مهاجرت می‌کنند و در خارج کشور می‌میرند».

گفتگوهای زوم با اسرائیلی‌ها برای بحث در مورد امکان صلح انجام دادند، حماس تعدادی از آنها را دستگیر کرد. شاخه نظامی این سازمان در بیانیه‌ای اعلام کرد: عادی‌سازی [گفتگو و رابطه با اسرائیل] در همه اشکال و فعالیت، خیانت، جنایت است و از نظر دینی، ملی و اخلاقی غیرقابل قبول است.» رهبر این گروه گفتگوکننده زندانی و شکنجه شد. عمر شاکر مدیر اسرائیلی-فلسطینی در دیده بان حقوق بشر، خاطرنشان کرد که این رویداد بازتاب «روش سیستماتیک حماس برای مجازات کسانی است که سخنانشان افراط‌گرایی آنها را تهدید می‌کند».



ویدیو

## ۷- آرزوی من برای غزه

«زینب» می‌خواهد دنیا بداند که او آرزوی غزه‌ای بدون جنگ و عاری از تحمیل‌های مذهبی را دارد؛ جایی که «همه بتوانند درآمد داشته و امرار معاش کنند». در این غزه جدید، «زنان در داشتن یا نداشتن حجاب آزادند». این غزه «به روی جهان باز است با سینما و بار و... مانند هر شهر دیگر در جهان. او می‌گوید: «من نمی‌خواهم جنگ و موشک وجود داشته باشد. ما و اسرائیلی‌ها یک ملت هستیم... همه ما باید در صلح زندگی کنیم».

اما در تضاد کامل با رویای «زینب» برای آینده، «خانه آزادی» غزه را با امتیاز کلی ۱۱ از ۱۰۰ رتبه‌بندی کرده و خاطرنشان می‌کند که «حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی ساکنان نوار غزه به شدت تحت محدودیت قرار دارد». سینما «الناصر» در شهر غزه که زمانی یکی از بزرگترین سینماهای خاورمیانه بود، پس از آنکه روحانیون هنر سینما را به عنوان «هرزه‌نگاری» محکوم کردند، با بئث پلمپ شد. محمد اعرار یکی از مقامات حماس از



ویدیو

وزارت فرهنگ، سینما را به عنوان «نقض سنت‌های جامعه و مخرب ارزش‌های آن» رد کرد و مدعی شد که «شهروندان غزه با نداشتن سینما چیزی از دست نمی‌دهند و نبود آن را احساس نمی‌کنند!» بسیاری اما احساس متفاوتی دارند. در یک موقعیت نادر که حماس اجازه نمایش فیلم داد، صدها نفر به تماشای آن رفتند. تماشاگران به رسانه‌های خارجی گفتند: «ما باید مانند

تبر یا هر چاقویی که می‌تواند بردارند. باید دیده شود که تمام منطقه در آتش فرو رفته است!»

ماه گذشته، رئیس جنبش زنان حماس در مصاحبه‌ای در مورد فرهنگ «شهادت‌طلبی» که حماس آن را پرورش می‌دهد، توضیح داد که در آن «یک دختر تنها یک چیز را در ذهن خود قرار می‌دهد: ملاقات با پروردگارش با خون و اعضای بدنش!» او افزود «بیشتر مهدکودک‌ها در غزه متعلق به خواهران ما در حماس است. بچه‌ها از سنین پایین با این فرهنگ بزرگ می‌شوند... از همان دوران کودکی، بچه‌ها برای عشق به جهاد، برای دیدار با خدا تربیت می‌شوند».



ویدیو

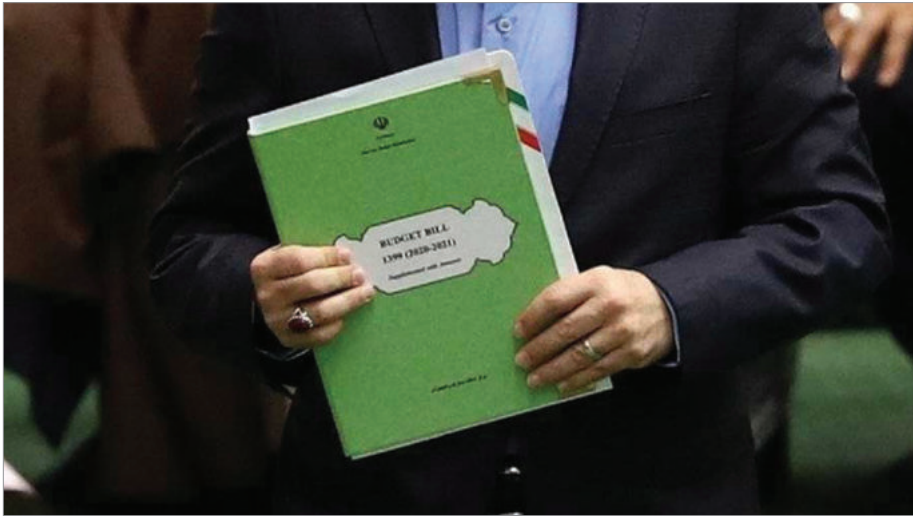
بسیاری از مردم غزه که مخالف این نگرش هستند، از ابراز نظر منع شده‌اند. هرگونه تلاش برای تحقق همزیستی و صلح مدنی با سرکوب شدید روبرو می‌شود. در سال ۲۰۲۰، زمانی که گروهی از فعالان صلح غزه با هم‌تایان اسرائیلی خود جلسه‌ای در زوم برگزار کردند، چندین نفر دستگیر و ضرب و جرح شده و به «خیانت» متهم شدند. جای تعجب نیست، همانطور که یک زن جوان غزه به NPR گفت: «بیشتر مردم غزه دیگر به حماس و دیگران اعتقاد ندارند... آنها به ما خوراک نمی‌دهند، چیزی ارائه نمی‌دهند. چگونه می‌توانیم با این بچه‌ها آینده را بسازیم؟!» علی الجردلی یک جوان بیکار ۲۸ ساله غزه اما این موضوع را صریح‌تر بیان می‌کند: «من بیشتر از آنکه موشک بخواهم شغل می‌خواهم!»

## ۶- ما به یک دولت بالغ نیاز داریم

«فادی» می‌گوید، اهالی غزه در سال‌های اخیر دریافته‌اند «فلسطینی که حماس می‌خواهد آن را آزاد کند، همان فلسطینی نیست که ما فلسطینی‌ها از آن بیرون رانده شدیم. اکنون یک ملت کامل در آنجا وجود دارد؛ هم یک مردم و هم اسرائیل به عنوان یک کل، که فلسطینیان واقعاً به آن نیاز دارند.» در حالی که حماس صحبت درباره صلح را «بسیار دشوار می‌کند»، «فادی» معتقد است «اگر ما بتوانیم با جهان خارج تفاهم کنیم، این امکان برای فلسطینی‌های غزه وجود خواهد داشت که انسانیت و کرامت خود را بازیابند... و با درک اینکه زندگی ارزش دارد، انسانیت را در اسرائیلی‌ها نیز می‌بینند.» حماس اغلب ادعا می‌کند که پیروزی نزدیک است. سال گذشته، کنعان عابد، سیاستمدار حماس اعلام کرد: «کشور اسرائیل به تاریخ خواهد پیوست. فلسطینی‌های خارج از فلسطین: مدارک خود را آماده کنید. شما پس از آزادی به فلسطین بازخواهید گشت!» بسیاری از مردم غزه واقعیت دیگری را می‌بینند. همانطور که یک جوان غزه‌ای که برای تامین مخارج خانواده خود تلاش می‌کند، می‌گوید: «زندگی من مانند یک صفحه تلویزیون بدون تصویر است».

حماس بجای اینکه فضاهای جدیدی را برای غزه باز کند، آنها را باز هم بیشتر محدود می‌کند. همانطور که قبلاً اشاره شد، در سال ۲۰۲۱، پس از آنکه فعالان غزه یکسری

## تشکیل کمیته ۷ نفره با مصونیت قضایی جهت فروش اموال مازاد دولت برای جبران کسری بودجه



این هیات نیز در چارچوب مصوباتی که هیات تعیین کرده است، از همین مصونیت برخوردارند.»

احمد علیرضا بیگی نماینده تبریز در مجلس شورای اسلامی این مصوبه را به معنای به حراج گذاشتن اموال عمومی دانسته و افزوده است: «اعطای اختیارات اینچنینی پیامدهای شومی دارد. مخصوصا که جامعه تجربه خصوصی سازی را با آنهمه هیات، کمیسیون و نمایندگانی که در هیات‌های واگذاری بودند، دیده‌اند.» او درباره «شان نزول شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا» و ادامه کار آن در شرایط فعلی چنین شوری را «بر اساس اصل ۱۱۰ قانون اساسی و جزو اختیارات رهبری اعلام کرده است.»

پایگاه اطلاع‌رسانی دولت روز گذشته به نقل از حسین قربانزاده رئیس سازمان خصوصی سازی نوشت: «همه امورات مولدسازی از مرحله شناسایی دارایی‌ها، تشخیص دارایی مازاد، ارزش افزایی دارایی‌ها، قیمت‌گذاری و روش واگذاری و مولدسازی آنها به صورت شفاف زیر ذره بین رسانه‌ها و مردم خواهد بود.»

رئیس سازمان خصوصی سازی به مواردی از واگذاری و مولدسازی دارایی‌ها اشاره کرده و آنها را از جمله چنین برشمرد: «بانک‌های دولتی که توان تسهیلات‌دهی ندارند اما املاک رفاهی و تفریحی زیادی در بهترین نقاط تهران و کشور دارند، پروژه‌های نیمه‌تمام که تأمین مالی آنها از طریق واگذاری املاک مازاد دولت ممکن است، شرکت‌های دولتی که زیان‌های انباشته دارند اما همزمان هکتارها زمین مازاد نیز دارند اما توان استفاده درست از آنها را ندارند.»

البته در همین ارتباط محمد مخبر دزفولی معاون اول سیدابراهیم رئیسی در ۲۸ مهر ۱۴۰۰ بخشنامه‌ای با عنوان «بخشنامه اجرایی تأمین منابع مالی دولت از طریق فروش اموال و املاک مازاد» را به دستگاه‌های اجرایی شمول قانون مدیریت خدمات کشوری ابلاغ کرده بود.

بر اساس این ابلاغیه که به سازمان‌های دولتی ارسال شده، اموال و املاک دولت در بازار بورس به فروش خواهد رسید. به نظر می‌رسد دولت سیدابراهیم رئیسی نیز مانند دولت حسن روحانی برنامه دارد با عرضه‌ی اموال و املاک دولتی در بورس، جیب مردم را خالی و بخشی از کسری بودجه امسال را جبران کند.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مهرماه سال گذشته در گزارشی کسری بودجه دولت را ۳۰۰ تا ۴۷۰ هزار میلیارد تومان تا پایان سال برآورد و تأکید کرد که «با احتساب رقم اوراق بدهی و استقراض از صندوق توسعه این کسری به حدود ۴۷۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد.»

در ادامه این مطلب در توضیح برخی از این املاک که دارایی‌های با درآمد پایدار هستند آمده است «این املاک در قالب صندوق املاک و مستغلات به عموم مردم عرضه خواهد شد تا مردم با خرید واحدهای سرمایه‌گذاری (یونیت) به نسبت، مالک شوند تا هم خود را از تورم ملک مصون کنند و هم از منافع پایدار آن املاک بهره‌مند شوند.» در این گزارش با اشاره به اینکه این مصوبه همه دارایی‌های غیرمنقول مازاد دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های دولتی و بانک‌های دولتی و پروژه‌های نیمه‌تمام را شامل می‌شود. تأکید شده است «همه امور مولدسازی از مرحله شناسایی دارایی‌ها، تشخیص دارایی مازاد، ارزش‌افزایی دارایی‌ها، قیمت‌گذاری و روش واگذاری و مولدسازی آنها به صورت شفاف زیر ذره‌بین رسانه‌ها و مردم خواهد بود.»

طرح مولدسازی مصوب جلسه شصت و هفتم شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا در ۲۱ آبان سال جاری به تأیید علی خامنه‌ای رسید. بر اساس مصوبه جدید، «هیات عالی مولدسازی» ۷ عضو دارد شامل محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ»، احسان خاندوزی وزیر اقتصاد، احمد وحیدی وزیر کشور، مهرداد بذریاش وزیر راه، مسعود میرکاظمی رئیس سازمان بودجه و برنامه، یک نماینده از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی و یک نماینده از طرف رئیس قوه قضائیه، دبیرخانه و مجری مصوبات این هیات نیز وزارت اقتصاد تعیین شده است.

روزنامه اعتماد نیز امروز در گزارشی با اشاره به اینکه «طبق مصوبه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا، کمیته‌ای ۷ نفره با «مصونیت قضایی» اختیار فروش اموال مازاد دولتی‌ها را بر عهده گرفته است نوشت: «مولدسازی دارایی‌های دولت» قرار است به «فروش اموال مازاد دولتی‌ها اعم از زمین و ساختمان و... بپردازد تا از این طریق بخش‌هایی از بودجه و کسری آن جبران شود.»

این مصوبه همچنین تأکید دارد «تمامی دستگاه‌های متولی اموال فوق‌الذکر مکلف به اجرای مصوبات این هیات هستند» و در ادامه برای عدم اجرای آن مجازات نیز تعیین کرده است: «افرادی که از اجرای دقیق و کامل دستورات هیات سر باز زنند یا در اجرای آن ممانعت به عمل آورند، با ارجاع هیات به مراجع قضایی به مجازات مقرر در ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی بدون تعویق و تعلیق و تخفیف محکوم خواهند شد. رسیدگی به این جرائم خارج از نوبت و در شعبه ویژه خواهد بود.» طبق این مصوبه «اعضای هیات نسبت به تصمیمات خود در موضوع این مصوبه از هر گونه تعقیب و پیگرد قضایی مصون هستند و مجریان تصمیمات

«همه پیش‌نویس مصوبات این شورا به دلیل سطح اهمیت تصمیم‌گیری شورا محرمانه است اما وقتی مصوب و لازم‌الاجرا می‌شود اگر برای اشخاص ثالث حق و تکلیف ایجاد کند باید منتشر شود و در دسترس عموم قرار گیرد که این مصوبه نیز در سایت سازمان در اختیار عموم مردم قرار گرفت و هفته گذشته در قالب کتابچه نیز منتشر شد.»

● بر اساس مصوبه جدید، «هیات عالی مولدسازی» ۷ عضو دارد شامل محمد مخبر معاون اول ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ»، احسان خاندوزی وزیر اقتصاد، احمد وحیدی وزیر کشور، مهرداد بذریاش وزیر راه، مسعود میرکاظمی رئیس سازمان بودجه و برنامه، یک نماینده از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی و یک نماینده از طرف رئیس قوه قضائیه.

روزنامه دولتی «ایران» از اجرای طرح «مولدسازی دارایی‌های دولتی» با تأیید رهبر جمهوری اسلامی خبر داد و نوشت: «مت‌بندهای مصوبه مولدسازی دارایی‌های دولت بعد از لازم‌الاجرا شدن محرمانه نیست و در سایت سازمان خصوصی سازی بخش قوانین و مقررات منتشر شده است. آنچه محرمانه است مکاتبات درباره این مصوبه از دفتر رئیس جمهور، دبیرخانه شورای عالی هماهنگی اقتصادی سران قوا و دفتر مقام معظم رهبری است که همچنان محرمانه باقی می‌ماند.»

در این گزارش با اشاره به اینکه بسیاری از دارایی‌های منجمد و حبس شده دولت بر اساس این طرح از رکود خارج خواهند شد آمده است: «همه پیش‌نویس مصوبات این شورا به دلیل سطح اهمیت تصمیم‌گیری شورا محرمانه است اما وقتی مصوب و لازم‌الاجرا می‌شود اگر برای اشخاص ثالث حق و تکلیف ایجاد کند باید منتشر شود و در دسترس عموم قرار گیرد که این مصوبه نیز در سایت سازمان در اختیار عموم مردم قرار گرفت و هفته گذشته در قالب کتابچه نیز منتشر شد.»

نویسنده در این گزارش به مفهوم «مازاد» اشاره کرده و در تعریف آن افزوده است: «مازاد یعنی اموالی که یا خود دستگاه اجرایی آن را مازاد تشخیص دهد یا دبیرخانه با بررسی کارشناسی با معیارهایی همچون راکد و بلااستفاده بودن، در راستای وظایف ذاتی دستگاه استفاده نشدن، عدم تناسب به دلیل ارزش اقتصادی منطقه و موقعیت جغرافیایی، دارایی‌هایی با کاربری تجاری، مسکونی، اقامتی و تفریحی و... مازاد بودن آن را تشخیص دهد و در کارگروهی مرکب از نماینده دستگاه بررسی کرده و سپس برای تصمیم‌گیری نهایی در جلسه هیات عالی طرح کند.»



تست موشک بالستیک توسط نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

## تکرار مواضع جمهوری اسلامی در فایننشال تایمز: سپاه یک نیروی نظامی رسمی است، تروریستی اعلام کردن آن خطرناک است!

مورد تکریم» نوشته بود: «حتی جوان‌های ایرانی هم با خشم واکنش نشان دادند» و «ایرانی‌های مخالف جمهوری اسلامی هم از عمل آمریکا حیرت‌زده شدند!»

در بخش دیگری از گزارش فایننشال تایمز آمده مواضع آلمان و فرانسه به این دلیل مهم است که این دو کشور در کنار بریتانیا، روسیه و چین عضو برجام‌اند.

به گفته یک مقام فرانسوی، دولت فرانسه علاقمند است که بخش‌های منطقه‌ای خاصی از سپاه را به‌عنوان نهادهای تروریستی بجای کل این نهاد معرفی کند. وزارت خارجه فرانسه به درخواست برای اظهار نظر در این زمینه پاسخی نداد. احتمالاً منظور فایننشال تایمز «سپاه قدس» بازوی خارجی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است.

این روزنامه همچنین نوشته است که وزارت خارجه آلمان می‌گوید «نه تنها موانع سیاسی، بلکه موانع قانونی زیادی نیز برای نامگذاری تروریستی وجود دارد.»

اینهمه در حالیست که هرچند اروپایی‌ها به دنبال «احیای برجام» بودند اما سرکوب وحشیانه‌ی اعتراضات در ایران و پشتیبانی جمهوری اسلامی از روسیه در تجاوز علیه اوکراین مواضع آنها را تغییر داد. جوزپ بورل می‌گوید این دو موضوع «مطمئناً تأثیر سیاسی» بر سیاست اتحادیه اروپا در قبال ایران دارند.

فایننشال تایمز یک روز قبل از انتشار این مطلب همسو با مواضع جمهوری اسلامی، در گزارش دیگری از علاقه غربی‌ها به «توافق موقت» با جمهوری اسلامی نوشته بود که بلافاصله مورد توجه روزنامه «کیهان تهران» قرار گرفت و به نقل از آن نوشت: «تحلیلگران می‌گویند چنین رویکردی (رویکرد فعلی) دوام ندارد و با خطر اشتباه محاسباتی یکطرفه که ممکن است منجر به تشدید شرایط شود روبرو است. دیپلمات‌ها و تحلیلگران می‌گویند یک گزینه می‌تواند تلاش برای یک توافق موقت باشد که در برابر تسهیل محدود تحریم‌ها، سقفی برای فعالیت‌های هسته‌ای ایران در نظر می‌گیرد.»

مقالات همسو با مواضع و سخنان مقامات جمهوری اسلامی در فایننشال تایمز در شرایطی منتشر می‌شود که هشتگ #IRGCterrorists در شبکه‌های اجتماعی از سراسر جهان از جمله از سوی سیاستمداران غرب تکرار می‌شود بارها ترند شده است. این هشتگ کشورهای غربی را فرا می‌خواند تا در حمایت از انقلاب مردم ایران برای آزادی و دموکراسی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند و از این راه امکانات سرکوب مردم را نیز قاطعانه تضعیف کنند.

شناسایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی است اما در عین حال تأکید می‌کند قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا یک تغییر سیاسی بزرگ است که خطر آن پایان دادن به هرگونه امید برای «احیای برجام» است.

در این گزارش آمده فرانسه و آلمان که هر دو عضوی از برجام هستند از این اقدام حمایت می‌کنند چون واکنشی به ارسال پهپادهای انتحاری از سوی جمهوری اسلامی به روسیه برای استفاده در جنگ با اوکراین و واکنش به سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات در ایران است.

چهار مقام آگاه به فایننشال تایمز گفتند که پاریس و برلین در نشست وزرای خارجه هفته گذشته حمایت خود را از قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اعلام کردند. بخش حقوقی اتحادیه اروپا متنی را برای ۲۷ پایتخت اتحادیه در مورد قانونی بودن این اقدام ظرف سه هفته آینده پیش‌نویس خواهد کرد.

جوزپ بورل مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا در مصاحبه‌ای گفت: «بله، برخی از کشورهای عضو از این پیشنهاد حمایت می‌کنند و بسیاری موافق خواهند بود.»

فایننشال تایمز علاوه بر اینکه قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا را «خطرناک» توصیف کرده مدعی شده برای دولت‌ها بسیار غیرعادی است که ارتش یک کشور دیگر را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنند و حمایت از این اقدام نشان‌دهنده موضع سختگیرانه پایتخت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی است!

این ادعای فایننشال تایمز در حالیست که کاملاً روشن است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتش رسمی ایران نیست و یک تشکیلات ایدئولوژیک و موازی و نامتعارف برای حفاظت و پاسداری از نظام و انقلاب اسلامی و صدور آن است و این موضوع نه تنها در تشریح وظایف و اهداف آن آمده بلکه حتی در نام آن نیز در نظر گرفته شده است!

یکی از سه نویسنده این گزارش نجمه بزرگمهر است که مواضع او شبیه خبرنگارانی مثل نگار مرتضوی، فرناز فصیحی و غسل راد است که به همسویی و تبلیغ منافع جمهوری اسلامی مشهورند.

نجمه بزرگمهر در آبان ۱۳۹۸ نیز در یک گزارش در مورد تظاهرات ضدحکومتی مردم نوشت «تحلیلگران می‌گویند تئوری‌های مبنی بر دخالت خارجی محتمل‌تر هستند.» وی در گزارشی درباره مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی نیز با عنوان «ایرانی‌ها در سوگ از دست‌دادن شخصیت نظامی

چهار مقام آگاه به فایننشال تایمز گفتند که پاریس و برلین در نشست وزرای خارجه هفته گذشته حمایت خود را از قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اعلام کردند و بخش حقوقی اتحادیه اروپا قرار است ظرف سه هفته نظر خود را درباره قانونی بودن یا نبودن قرار دادن نام سپاه در لیست تروریستی به اعضای این اتحادیه اعلام کند.

فایننشال تایمز علاوه بر اینکه قرار گرفتن سپاه در فهرست سازمان‌های تروریستی اروپا را «خطرناک» توصیف کرده مدعی شده برای دولت‌ها بسیار غیرعادیست که ارتش یک کشور دیگر را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کنند و حمایت از این اقدام نشان‌دهنده موضع سختگیرانه پایتخت‌های غربی در قبال جمهوری اسلامی است!

این ادعای فایننشال تایمز در حالیست که کاملاً روشن است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارتش رسمی ایران نیست و یک تشکیلات ایدئولوژیک و موازی و نامتعارف برای حفاظت و پاسداری از نظام و انقلاب اسلامی و صدور آن است و این موضوع نه تنها در تشریح وظایف و اهداف آن آمده بلکه حتی در نام آن نیز در نظر گرفته شده است!

مقالات همسو با مواضع و سخنان مقامات جمهوری اسلامی در فایننشال تایمز در شرایطی منتشر می‌شود که هشتگ #IRGCterrorists در شبکه‌های اجتماعی از سراسر جهان از جمله از سوی سیاستمداران غرب تکرار می‌شود بارها ترند شده است. این هشتگ کشورهای غربی را فرا می‌خواند تا در حمایت از انقلاب مردم ایران برای آزادی و دموکراسی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار دهند و از این راه امکانات سرکوب مردم را نیز قاطعانه تضعیف کنند.

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی تهدید کرده اگر اقدامی علیه سپاه پاسداران انجام شود پاسخ جمهوری اسلامی ایران بسیار سخت خواهد بود!

علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز می‌گوید «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک نیروی نظامی رسمی است و تلاش‌های مذبوحانه برای تروریستی خواندن سپاه قهرمان، وقاحتی نیست که از سوی ایران اسلامی بی‌پاسخ بماند.» شبیه همین مواضع را روزنامه روزنامه «فایننشال تایمز» تکرار کرده است!

این روزنامه یکشنبه ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) گزارش داد اتحادیه اروپا در حال بررسی گزینه‌های قانونی برای

به وجود می‌آید؛ این ادعاهای تکراری و نخ‌ها هیچ سندیتی ندارد و فقط جوسازی علیه دستمزد کارگران است.»

حسین حبیبی عضو هیئت مدیره کانون عالی شوراهای کار هم در گفتگو با روزنامه «اعتماد» گفته که «اگر دولت اصرار به قانون‌شکنی و دخالت در نحوه تعیین حداقل مزد جامعه کارگری داشته باشد، جامعه کارگری سکوت نمی‌کند و ضمن برپایی تجمعات اعتراضی در کل کشور، مثل بار قبل از دولت به مراجع قضایی شکایت خواهد کرد.»

حسین حبیبی همچنین گفته که طی روزهای گذشته اعضای تشکلهای صنفی کارگران در استان‌ها، به نمایندگان مجلس مراجعه کرده و در تشریح تخلف دولت، خواستار پیگیری در مجلس و ابطال مفاد مربوط به تعیین مزد کارگران دولتی در لایحه بودجه ۱۴۰۲ شده‌اند.

این فعال کارگری با این تأکید که قانون کار هیچ تبعیض و تفکیکی بین کارگران قائل نشده و در هیچکدام از مفاد قانون کار نمی‌توان واژه‌ای مبنی بر جداسازی کارگران شاغل در بخش دولتی یا خصوصی پیدا کرد، می‌گوید: «قانون کار یک قانون عام است و هر فردی که طبق تعاریف قانون کار، کارگر محسوب شود، باید از تمام مزایای این قانون استفاده کند. هرگونه مداخله در صراحت قانون کار، یک اقدام خلاف قانون است و مجلس به عنوان نهاد قانونگذاری و ناظر بر اجرای قوانین، موظف است مانع از قانون‌شکنی شود. تکرار تعیین سقف برای حقوق کارگران دولتی در تبصره ۱۲ لایحه بودجه ۱۴۰۲، یک اقدام غیرقانونی است و مجلس نباید این تبصره را تصویب کند چون مجلس حق تصویب هر قانونی را ندارد.»

حسین حبیبی تأکید کرده که «جامعه کارگری اصلاً به درصدها کاری ندارد. افزایش حداقل مزد کارگران باید مطابق نرخ تورم باشد چون ما دیگر رقم سبد معیشت را هم قبول نداریم و می‌دانیم که حتی رقم سبد معیشت در کلان‌شهری مثل اهواز یا تبریز یا مشهد، رقمی پایین‌تر از رقم سبد معیشت در تهران باشد چون تمام رقم‌ها از تهران ابلاغ می‌شود و بنابراین تفاوت سبد معیشت و دامن زدن تبعیض در مناطق مختلف کشور برای ما پذیرفتنی نیست.»

او افزوده که «جامعه کارگری بر این باور است که امروز رقم سبد معیشت در کل کشور به ۲۲ میلیون تومان رسیده و درصد بسیار کمی احتمال دارد این رقم در روستاها کمی کمتر باشد. خواست جدی ما این است که امسال نمایندگان جامعه کارگری در شورای عالی کار، همین رقم سبد معیشت ۲۲ میلیون تومانی را مد نظر داشته باشند و مطابق با تأکید ماده ۴۱ قانون کار، حداقل مزد کارگران را مبتنی بر نرخ تورم تعیین کنند.»

در حالی که امسال رقم حداقل دستمزد کارگران حدود ۶ میلیون تومان بود افزایش ۲۰ درصدی رقم دستمزد به معنای اینست که خانوارهای کارگری سال آینده باید با رقمی کمتر از ۵/۷ میلیون تومان زندگی کنند. جدا از محاسباتی که رقم سبد معیشت را از ۲۰ تا ۳۲ میلیون تومان در شهرهای مختلف و پایتخت عنوان می‌کنند، ناصر چمنی فعال حقوق کارگری معتقد است با توجه به تورم اصلاً با رقمی زیر ۱۳ تا ۱۵ میلیون در ماه امکان زندگی نیست.

ناصر چمنی گفته که هزینه سبد معیشت کارگران سال گذشته ۹ میلیون تومان تعیین شد، در حال حاضر این رقم بین ۱۳ تا ۱۵ میلیون تومان در ماه برآورد می‌شود لذا ابتدا در کمیته دستمزد باید هزینه‌های سبد معیشت بر مبنای نرخ تورم محاسبه و کارشناسی شود، سپس در جلسات دستمزد با حضور شرکای اجتماعی درباره رقم دستمزد سال آینده تصمیم‌گیری کنیم.

## زندگی کارگران بازیچه دولت رئیسی؛ اقدام غیرقانونی دولت درباره رقم حداقل دستمزد



با اخذ مالیات توری از جیب مردم است. شوک‌های قیمت ارز برای پرداخت هزینه‌های ناکارآمدی، فساد، دزدی، ویژه خواری و رانت خواری از جیب مردم صورت می‌گیرد. در اقتصاد ایران بیش از ۴ سال است که شوک‌های قیمت ارز نه تنها عامل خلق تورم، بلکه عامل محرک خلق نقدینگی نیز شده است.»

اقدام غیرقانونی دولت اما موجب اعتراض شدید فعالان کارگری شده است. از جمله علی‌خداوند نماینده کارگران در شورای عالی کار گفته دولت نرخ‌ها را به شهریور ۱۴۰۰ بازگردانده بعد بگویند دستمزد تورم‌زاست!

علی‌خداوند گفته که «اخیراً تورم را بودن دستمزد که از هفته‌های قبل توسط برخی نمایندگان و مقامات دولت مطرح شده است. در صورتی که دستمزد کارگران سازنده‌ی تورم نیست، بلکه دنباله‌روی تورم است؛ دستمزد هیچ زمان پیش‌تاز تورم نبوده و نخواهد بود؛ بنابراین معادله را برعکس متوجه شده‌اند.»

علی‌خداوند توضیح داده «واقعیت این است که تورم اتفاق می‌افتد، سفره‌ی کارگران کوچک می‌شود و وقتی اجرای قانون را مطالبه می‌کنیم و می‌گوییم دستمزد باید مطابق افزایش هزینه‌ها زیاد شود، ادعا می‌کند با افزایش دستمزد مشکلات ایجاد می‌شود و تورم بالا می‌رود یا بیکاری

● دولت در تبصره ۱۲ لایحه و در بخش مربوط به حقوق و دستمزد، برای تمام مشمولان قانون کار که در دستگاه‌های دولتی شاغل هستند، سقف ۲۰ درصدی افزایش حقوق تعیین کرده است.

● بر اساس قوانین جمهوری اسلامی تعیین رقم حداقل دستمزد هر ساله در کمیته دستمزد شورای عالی کار و با حضور نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت تعیین می‌شود.

● افزایش ۲۰ درصدی رقم دستمزد به معنای اینست که خانوارهای کارگری سال آینده باید با رقمی کمتر از ۵/۷ میلیون تومان زندگی کنند اما رقم سبد معیشت از ۲۰ تا ۳۲ میلیون تومان در شهرهای مختلف است.

بر اساس قوانین جمهوری اسلامی مذاکرات تعیین حداقل رقم دستمزد سال ۱۴۰۲ باید در کمیته دستمزد شورای عالی کار جریان می‌یابد اما دولت در اقدامی غیرقانونی در لایحه بودجه سقف ۲۰ درصدی افزایش حقوق برای مشمولان قانون کار را تعیین کرده است.

دولت در تبصره ۱۲ لایحه و در بخش مربوط به حقوق و دستمزد، برای تمام مشمولان قانون کار که در دستگاه‌های دولتی شاغل هستند، سقف ۲۰ درصدی افزایش حقوق تعیین کرده است. در بند الف این تبصره آمده است: «در سال ۱۴۰۲ حقوق گروه‌های مختلف حقوق‌بگیر در دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۳۹) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه و همچنین نیروهای مسلح، وزارت اطلاعات، سازمان انرژی اتمی، کارکنان کشوری و لشکری، اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و پژوهشی و قضات و حقوق و دستمزد مشمولین قانون کار شاغل در این دستگاه‌ها به میزان ۲۰ درصد افزایش می‌یابد.»

این در حالیست که بر اساس قوانین جمهوری اسلامی تعیین رقم حداقل دستمزد هر ساله در کمیته دستمزد شورای عالی کار و با حضور نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت تعیین می‌شود. روال تعیین رقم دستمزد همواره این بوده که ابتدا اعضای کمیته بر سر رقمی به عنوان رقم سبد معیشت که شامل هزینه‌های ضروری زندگی یک خانوار سه تا چهار نفره است توافق کرده و بعد بر اساس آن رقمی را به عنوان رقم حداقل دستمزد تعیین می‌کنند.

هر چند طی سال‌های گذشته نیز رقم تعیین شده به عنوان کمیته دستمزد نیز با هزینه‌ها و تورم فاصله زیادی داشت اما درصد افزایش دستمزد طی سال‌های گذشته بیش از ۲۰ درصدی بود که امسال دولت در لایحه و با اقدامی غیرقانونی تعیین کرده است. دولت در بودجه سال ۱۴۰۱ هم سقف افزایش ۱۰ درصدی برای حقوق کارگران دولتی را انجام داده بود که با واکنش شدید فعالان کارگری روبرو شد. بهانه مقامات حکومتی برای افزایش ناچیز دستمزد اینست که افزایش دستمزد سبب افزایش نقدینگی و تورم‌زا است. احسان سلطانی تحلیلگر اقتصادی گفته که «تحوالات دو دهه اخیر اقتصاد ایران نشان می‌دهد که نرخ تورم در درجه اول با متغیر کلیدی قیمت ارز همبستگی بالایی دارد، نه با نقدینگی یا نسبت نقدینگی به تولیدی. تردید رشد نقدینگی روی قیمت‌ها تأثیرگذار است، اما صرف تمرکز آیدای اقتصاد خوانده و رسانه‌ای بنگاه‌ها و بانک‌های حکومتی و رانتی بر نقدینگی از این رو است، که با دادن آدرس انحرافی، اثرات مخرب شوک‌های ارزی (موتور خلق تورم) را کم اهمیت جلوه دهند.»

احسان سلطانی توضیح داده که «شوکه‌های قیمت ارز ابزار کلیدی و اصلی حاکمیت (دولت، بنگاه‌ها و بانک‌های خصوصی بوری رانتی و سایر ذینفعان) برای کسب درآمد

## خروج بیش از دو هزار میلیارد تومان از بازار بورس ساعاتی پس از انفجار در تأسیسات استراتژیک جمهوری اسلامی



دست کم در سه تا چهار نقطه از ایران شبه شب هشتم بهمن صدای انفجار یا صدای ضدهوایی گزارش شد

دور انجام شود. برخی از کانال‌های تلگرامی که گزارش‌ها و اخبار مربوط به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را پوشش می‌دهند نیز اشاره کردند که این حملات از سوی اسرائیل تدارک دیده شده است.

نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ساعاتی پس از حمله پهبادی به تأسیسات نظامی و واحدهای صنعتی جمهوری اسلامی در نشست علنی مجلس گفت: دشمنان در ماه‌های گذشته در یک جنگ ترکیبی با «بازی‌های سیاسی» در عرصه‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده‌اند. علی نیکزاد تأکید کرد «قدرت اصلاح از درون، در کنار قدرت جهت‌دهی از ناحیه ولایت مطلقه فقیه، رمز بقای انقلاب در ۴۴ سال گذشته است».

وی با این ادعا که «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک نیروی نظامی رسمی است» تهدید کرد تروریستی اعلام شدن این تشکیلات «بی‌پاسخ نمی‌ماند» و «قطعاً خود را دست و پا بسته نمی‌بینیم و به نحو مقتضی، پاسخ این شرارت‌ها را تکان دهنده و بیدارکننده خواهیم داد».

اگر در دوره‌ای نه چندان دور جمهوری اسلامی ایران با اقدامات ایزدایی از جمله هدف قرار دادن تأسیسات نفتی منطقه قیمت نفت را تحت تأثیر قرار می‌داد اکنون خود در وضعیتی فلاکت‌ناگوار گرفتار رویدادهای مشابه شده است. در این میان، تحت تأثیر حمله پهبادی به تأسیسات نظامی و تشدید بحران در ایران، بورس تهران حدود ۶۰ هزار واحد سقوط کرد. آنهم در شرایطی که پس از رأی پارلمان اروپا به تروریستی بودن سپاه پاسداران و اعمال تحریم‌های جدید افزایش قیمت ارز ادامه یافت.

بارها تحلیلگران اقتصادی در ایران به حکومت هشدار دادند التهاب و بحران از هر نوعی به فرار سرمایه از کشور منجر می‌شود. در همین ارتباط پایگاه خبری «تجارت نیوز» گزارش داد روز یکشنبه «بازار سرمایه شاهد خروج سنگین پول حقیقی‌ها و سقوط شاخص کل بورس بود» بطوری که حقیقی‌ها بیشتر از دو هزار میلیارد تومان پول خود را از بازار خارج کردند!

اگر در دوره‌ای نه چندان دور جمهوری اسلامی ایران با اقدامات ایزدایی از جمله هدف قرار دادن تأسیسات نفتی منطقه قیمت نفت را تحت تأثیر قرار می‌داد اکنون خود در وضعیتی فلاکت‌ناگوار گرفتار رویدادهای مشابه شده است. تحت تأثیر حمله پهبادی به تأسیسات نظامی و تشدید بحران در ایران بورس تهران حدود ۶۰ هزار واحد سقوط کرد. آنهم در شرایطی که پس از رأی پارلمان اروپا به تروریستی بودن سپاه پاسداران و اعمال تحریم‌های جدید افزایش قیمت ارز ادامه یافت.

علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی ساعاتی پس از حمله پهبادی به تأسیسات نظامی و واحدهای صنعتی جمهوری اسلامی در نشست علنی مجلس گفت: دشمنان در ماه‌های گذشته در یک جنگ ترکیبی با «بازی‌های سیاسی» در عرصه‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار داده‌اند.

بازار بورس و سرمایه در ایران که همچنان هفته‌های بحرانی را پشت سر می‌گذارد، با حملات ایزدایی و چند رشته انفجار در تأسیسات استراتژیک در چند شهر با شوک بزرگ روبرو شده است. مقامات ارشد نظام بار دیگر تأکید کردند که یک «جنگ ترکیبی» علیه جمهوری اسلامی به راه افتاده است. به دنبال رشته حملات به تأسیسات نظامی و واحدهای صنعتی در سحرگاه یکشنبه ۹ بهمن و در شرایطی که مقامات ارشد نیروهای مسلح سکوت کرده‌اند گزارش شد که سه نماینده عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی برای بازدید از کارخانه متعلق به وزارت دفاع که هدف ریزپرنده‌ها قرار گرفت به اصفهان سفر خواهند کرد. محمد مرندی مشاور تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای جمهوری اسلامی این حملات را از جانب اسرائیل دانسته و تهدید به اقدام تلافی‌جویانه کرده است.

روزنامه «نیویورک تایمز» در گزارشی نوشت حمله به تأسیسات نظامی اصفهان احتمالاً از داخل ایران سازماندهی شده است. اشاره این روزنامه به ریزپرنده‌هایی است که بُرد کوتاه دارند و هدایت آنها می‌تواند از مسافت خیلی

امانوئل ماکرون:

## مهسا امینی «شهید راه آزادی» و فراتر از یک نماد است



امانوئل ماکرون

امانوئل ماکرون در ویدئویی که ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) به مناسبت اعلام نفرت برگزیده جایزه «ماریان» منتشر شد گفت، «سرکوب در چهار گوشه جهان رو به گسترش است و نخستین قربانیان سرکوب‌ها اغلب زنان و دختران جوان هستند.» وی گفت «اگر مهسا امینی امروز برای همه ما به یک نماد تبدیل شده است، باید او را که در دفاع از آزادی به شهادت رسید چیزی فراتر از یک نماد بدانیم».

رئیس جمهوری فرانسه در اظهاراتی مهسا امینی را «شهید راه آزادی» خواند و گفت که او برای ما چیزی به مراتب فراتر از یک نماد است. امانوئل ماکرون در ویدئویی که ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) به مناسبت اعلام نفرت برگزیده جایزه «ماریان» منتشر شد گفت، «سرکوب در چهار گوشه جهان رو به گسترش است و نخستین قربانیان سرکوب‌ها اغلب زنان و دختران جوان هستند.» وی گفت «اگر مهسا امینی امروز برای همه ما به یک نماد تبدیل شده است، باید او را که در دفاع از آزادی به شهادت رسید چیزی فراتر از یک نماد بدانیم».

وی تأکید کرد، «مبارزه مهسا امینی ما را به مسئولیت و اقدام فرامی‌خواند.» ماکرون نگفت که به عنوان یکی قدرتمندترین رهبران اروپا در عمل قرار است چه اقدامی برای کمک به مردم ایران انجام دهد اما مواضع او احتمالاً زمینه‌ساز افزایش فشارها بر جمهوری اسلامی خواهد بود.

امانوئل ماکرون در پیام خود بار دیگر اعدام‌ها در ایران را محکوم کرد و افزود، «با پشتیبانی فرانسه اتحادیه اروپا در واکنش به سرکوب و اعدام معترضان در ایران رشته تحریم‌های تازه‌ای را علیه جمهوری اسلامی تصویب کرد و به اجرا گذاشت.» وی همچنین اشاره کرد در ماه نوامبر گذشته با نمایندگان زنان مبارز ایران در کاخ الیزه ملاقات کرده است.

ماکرون اواسط آبان در کاخ الیزه با مسیح علینژاد خبرنگار و فعال حقوق زنان و چند تن دیگر از زنان فعال ایرانی دیدار کرد. جایزه «ماریان» به مبارزان راه آزادی در نقاط مختلف دنیا اعطا می‌شود. به گزارش «راديو فرانسه» یکی از برندگان این جایزه، عسل عباسیان مدافع حقوق زنان و دگرباشان جنسی است که به دلیل فشارها و آزار جمهوری اسلامی در سال ۲۰۲۱ به ترکیه گریخت.

## درهای سرکوب و زن‌ستیزی بر همان پاشنه می‌چرخند؛ ارسال پیامک «کشف حجاب» به سرنشینان اتومبیل‌ها!



دختران کرمان در جنبش انقلابی زن زندگی آزادی

● این خبر پس از آن منتشر شده است که روز جمعه فرمانده نیروی انتظامی تهران تغییر کرد و سردار عباسعلی محمدیان فرمانده نیروی انتظامی در استان البرز و رییس پیشین پلیس آگاهی تهران به سمت فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ بجای سردار حسین رحیمی منصوب شد. ● تأکید بر غیرقانونی بودن بی‌حجابی و کشف حجاب نشان می‌دهد که درهای سرکوب زنان از جمله در مورد پوشش همچنان بر پاشنه چهار دهه گذشته می‌چرخد و انواع نیروهای سرکوب با پشتیبانی قوه قضائیه و پلیس و بسیج و ارشاد و... در کوچه و خیابان و محل کار و مدرسه و دانشگاه و اتوبوس و مترو و حتی اتومبیل‌های شخصی مزاحم آنان می‌شوند تا آنها را جریمه و مجازات کنند!

خبرگزاری فارس وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از مهدی حاجیان معاون فرهنگی اجتماعی و سخنگوی فرماندهی کل انتظامی از ادامه ارسال پیامک «کشف حجاب» ز سوی پلیس به سرنشینان اتومبیل‌ها و روند جدید فرماندهی انتظامی برای مقابله با بدحجابی خبر داد. این خبر پس از آن منتشر شده است که روز جمعه فرمانده نیروی انتظامی تهران تغییر کرد و سردار عباسعلی محمدیان فرمانده نیروی انتظامی در استان البرز و رییس پیشین پلیس آگاهی تهران به سمت فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ بجای سردار حسین رحیمی منصوب شد.

به گفته مهدی حاجیان، پیامک ارسالی بر اساس سامانه «ناظر ۱» پلیس که از قبل فعال بوده و الان هم فعال است انجام شده و مبنای این اقدام هم انجام وظیفه قانونی پلیس بر اساس ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی است. وی افزود: «در ماده ۶۳۸ آمده است که رعایت حجاب شرعی الزامی است و عدم تمکین آن را قانونگذار جرم‌انگاری

## واشنگتن فری بیکن:

## طرح قانونگذاران آمریکا برای تحریم علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی به دلیل جنایات حقوق بشری



سخنرانی ابراهیم رئیسی «قاضی مرگ» در حضور علی خامنه‌ای

جیم بنکس عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا از تدوین‌کنندگان پیش‌نویس این طرح به واشینگتن فری بیکن گفت: «دولت باید در اعمال تحریم‌های حقوق بشری علیه رهبران جمهوری اسلامی که در سرکوب اعتراضات و جنایات حقوق بشری نقش داشتند گند عمل کرده و حتا اتحادیه اروپا در این زمینه از کاخ سفید پیشی گرفته است.»

وی افزود: «دولت باید همچنان تلاش می‌کند با مقامات ارشد جمهوری اسلامی مرتبط باشد تا با آنها به یک توافق هسته‌ای فاجعه‌بارتر برسد.»

بنکس همچنین گفت: «ایرانیان مانند مهسا امینی توسط رژیم ایران به قتل می‌رسند و یا مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، اما دولت باید به خاطر یک توافق اتمی فاجعه‌بار دیگر همچنان در تلاش است تا با مقامات ارشد ایران کنار بیاید.»

پیش از این مجلس نمایندگان آمریکا چهارشنبه ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) با ۴۲۰ رأی موافق و تنها یک مخالف به قطعنامه حمایت از جنبش آزادیخواهان در ایران رأی داد.

در آمریکا مواضع چهره‌های سیاسی در مورد جمهوری اسلامی به سرعت رو به دگرگونی است. کریس مورفی سناتور دموکرات یکی از چهره‌هایی است که بارها با حمایت از مذاکره کاخ سفید با مالاها به تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی انتقاد کرد اما حالا او نیز می‌گوید «ما باید در کنار مردم ایران بایستیم. در حالی که رژیم تلاش می‌کند راه‌های ارتباطی مردم را از بین برد برای پیگیری راه‌هایی که به معترضان امکان دهد صدایشان شنیده شود آمادگی داریم.»

دولت آمریکا در هفته‌های اخیر فشار بر جمهوری خلق چین را برای توقف خرید نفت از ایران آغاز کرده است. همچنین آمریکا دولت عراق را زیر فشار گذاشته تا از قاچاق ارز به ایران جلوگیری کند. اقدامی که دسترسی رژیم ایران به دلار را به شدت مختل می‌کند.

● منابعی در آمریکا به «واشنگتن فری بیکن» گفته‌اند اعضای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در حال تهیه طرحی به نام «مهسا امینی» هستند تا به موجب آن علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی را به دلیل نقض فاحش حقوق بشر و حمایت از تروریسم تحریم کنند.

● در حالی که دولت بایدن تحریم‌های متعددی را علیه ناقضان حقوق بشر در ایران اعمال کرده است، اما از هدف قرار دادن علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی و شماری از شخصیت‌های ارشد نظام که مسئولیت اصلی سرکوب‌های خشن و مرگبار را بر عهده دارند خودداری کرده است.

به گفته منابعی در کنگره آمریکا، جمهوریخواهان و دموکرات‌های مجلس نمایندگان برای تحریم رهبر و رئیس دولت جمهوری اسلامی و دیگر شخصیت‌های ارشد رژیم به دلیل جنایات حقوق بشری متحد می‌شوند.

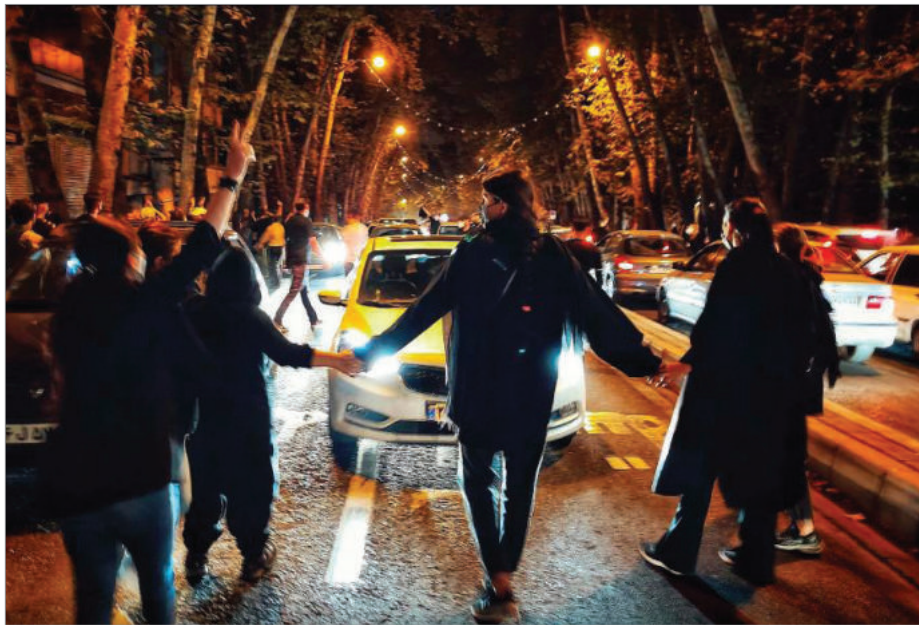
اعضای دو حزب دموکرات و جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در حال تهیه طرحی به نام «مهسا امینی» هستند تا به موجب آن علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی را به علت نقض فاحش حقوق بشر و حمایت از تروریسم تحریم کنند.

واشنگتن فری بیکن ۲۷ ژانویه (۷ بهمن) گزارش داد حمایت هر دو حزب از این طرح نشان می‌دهد که رهبران هر دو حزب ایالات متحده می‌خواهند که موضع سختگیرانه‌تری در قبال رژیم ایران اتخاذ کنند زیرا این رژیم مخالفانی را که برای سرنگونی حکومت دست به اعتراض زدند می‌کشد و یا زندانی می‌کند.

در حالی که دولت بایدن تحریم‌های متعددی را علیه ناقضان حقوق بشر در ایران به اجرا گذاشته، اما تا کنون از هدف قرار دادن علی خامنه‌ای و ابراهیم رئیسی و شماری از شخصیت‌های ارشد نظام که مسئولیت اصلی و فرماندهی سرکوب‌های خشن و مرگبار را بر عهده دارند خودداری کرده است.



## قطعنامه مجلس نمایندگان ایالات متحده در حمایت از مردم ایران؛ تغییر روی خواهد داد و روزهای روشن در انتظار ایرانیان است



اعتراضات شبانه در تهران

مجموعه‌ای از تحریم‌های جدید را علیه ده‌ها مقام و سازمان ایرانی، از جمله فرمانده نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی و فرماندهان پلیس را به دلیل سرکوب خشونت‌آمیز مردم اعمال کردند.

کلودیا تنی نماینده جمهوریخواه ایالت نیویورک که از تدوین‌کنندگان قطعنامه است می‌گوید «ضروریست که ما در نهادی که از بزرگترین نهادهای آزادی و دموکراسی دنیاست، صدای حمایت از مردم شجاع ایران باشیم.»

وی تأکید کرده مجلس نمایندگان آمریکا خشونت هولناک رژیم جمهوری اسلامی را به «شدیدترین وجه ممکن» محکوم می‌کند و این قطعنامه به وضوح نشان می‌دهد که مردم آمریکا در کنار «مردم شجاع ایران» هستند.

کتی مینینگ نماینده دموکرات از ایالت کارولینای شمالی نیز گفته بود ایالات متحده آمریکا باید یکپارچه در برابر رژیم ظالم ایران بایستد و از مردم ایران که حقوق اساسی آنها زیر پا گذاشته شده حمایت کند.

گریگوری میکس نماینده دموکرات از ایالت نیویورک و عضو ارشد کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان با ستایش از شجاعت و اراده زنان و مردان ایران گفت آنها برای دفاع از حقوق انسانی و کرامت‌شان در اعتراضات شرکت کردند و هم مردم ایران و هم «این رژیم» می‌دانند که «تغییر روی خواهد داد» و «روزهای روشن در انتظار مردم ایران است.»

میکس تصویب این قطعنامه را حاوی این «پیام روشن برای مردم ایران» دانست که «ما در کنگره ایالات متحده و میلیون‌ها آمریکایی که ما نمایندگان‌شان هستیم، از تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی حمایت می‌کنیم.»

توماس مسی نماینده جمهوریخواه از ایالت کنتاکی تنها مخالف این قطعنامه بود. او علت مخالفت خود را فشار اقتصادی تحریم‌ها علیه مردم عنوان کرد!

● براساس این قطعنامه دو حزبی، آمریکا از معترضان در ایران که علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و خطر دستگیری یا محکومیت به اعدام را به جان می‌خرند حمایت می‌کند.

● کلودیا تنی نماینده جمهوریخواه ایالت نیویورک که از تدوین‌کنندگان قطعنامه است می‌گوید «ضروریست که ما در نهادی که از بزرگ‌ترین نهادهای آزادی و دموکراسی دنیاست، صدای حمایت از مردم شجاع ایران باشیم.»

● گریگوری میکس نماینده دموکرات از ایالت نیویورک و عضو ارشد کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان با ستایش از شجاعت و اراده زنان و مردان ایران گفت آنها برای دفاع از حقوق انسانی و کرامت‌شان در اعتراضات شرکت کردند و هم مردم ایران و هم «این رژیم» می‌دانند که «تغییر روی خواهد داد» و «روزهای روشن در انتظار مردم ایران است.»

● میکس تصویب این قطعنامه را حاوی این «پیام روشن برای مردم ایران» دانست که «ما در کنگره ایالات متحده و میلیون‌ها آمریکایی که ما نمایندگان‌شان هستیم، از تلاش مردم ایران برای دستیابی به آزادی حمایت می‌کنیم.»

مجلس نمایندگان آمریکا چهارشنبه ۲۵ ژانویه (۵ بهمن) با ۴۲۰ رأی موافق و تنها با یک مخالف به قطعنامه حمایت از جنبش ضد آزادیخواهانه در ایران رأی داد.

بر اساس این قطعنامه دو حزبی، آمریکا از معترضان در ایران که علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و خطر دستگیری یا محکومیت به اعدام را به جان می‌خرند حمایت می‌کند.

به گزارش آسوشیتدپرس تصویب این قطعنامه چند روز پس از آن صورت گرفت که ایالات متحده، اروپا و بریتانیا

→ کرده و قاعدتاً برای چگونگی اجرای آن انشالله در نهادهای بالادستی تصمیم‌گیری خواهد شد.  
در تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده است: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

در تیرماه سال ۹۸ خبرگزاری «تسنیم» به نقل از محمدمهدی حاج‌محمدی سرپرست دادرسی ارشاد اسلامی نوشت که وی از شهروندان «دلسوز و اخلاق‌مدار تهرانی» خواسته برای مقابله با برخی تلاش‌ها جهت ضربه به بنیان خانواده ایرانی، با مشاهده هرگونه کشف حجاب یا اقدامات هنجارشکنانه در خودرو، کشف حجاب یا سرو مشروبات یا برگزاری مراسم مختلط رقص در اماکنی همچون سفره‌خانه، کافه، رستوران، مراکز خرید، باغ تالار و... اطلاع از برگزاری پارتی‌های شبانه یا خانه‌های فساد و فحشا، انتشار مطالب خلاف عفت در اینستاگرام و دیگر شبکه‌های اجتماعی، موضوع را پس از جمع‌آوری مستندات لازم، به شماره ۰۹۰۵۴۳۰۹۴۸۴ در پیام‌رسان‌های بله، سروش، اپتا و... ارسال کنند.»

یک سال بعد سردار قاسم رضایی جانشین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی از اجرای «طرح ناظر یک و دو» خبر داد که برای مبارزه با عدم رعایت حجاب اجباری در اتومبیل‌ها و فروشگاه‌ها انجام می‌شود. بر اساس این طرح، «برای بار اول پیام‌هایی به گوشی تلفن همراه فرد ارسال»، «در بار دوم احضار و تعهد کتبی» و «در بار سوم نیز در قانون تعریف‌هایی صورت گرفته است.»

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) هم با اشاره به اینکه سال گذشته نیز این پیام‌ها برای شهروندان ارسال شده بود نوشته است: «پلیس اذعان داشت که در ارسال این پیامک هیچ نقشی ندارد و پلیس راهور نیز ارسال‌کننده این پیامک‌ها نیست، پلیس امنیت اخلاقی به واسطه مسئولیتی که به آنها واگذار شده، این پیام‌ها را ارسال کرده و مجری قانون است.»

حسین رحیمی رئیس پلیس وقت پایتخت نیز اردیبهشت سال گذشته با تأیید ارسال پیامک از سوی پلیس امنیت اخلاقی برای عده‌ای از رانندگان از تداوم برخورد این پلیس با بدحجابی و بی‌حجابی در ماشین شخصی شهروندان خبر داده و گفته بود: «پلیس مطابق قانون موظف است با هر اقدام غیرقانونی برخورد کند. ماموران پلیس در سطح شهر خودروهایی که در آنها کشف حجاب می‌شود را شناسایی و با آنها برخورد می‌کند.»

جزئیات سند اجرایی حجاب و عفاف به عنوان متمم مصوبات قبلی در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست ابراهیم رئیسی در ۱۲ شهریور سال گذشته تصویب شد.

اینهمه در حالیست که پس از قتل حکومتی مهسا امینی در اواخر شهریورماه ۱۴۰۱ نه تنها جنبش اعتراضی جدیدی علیه حکومت و بر زمینه‌ی نقض فاحش حقوق بشر توسط رژیم به ویژه علیه زنان شکل گرفت بلکه جمهوری اسلامی تلاش کرد تا با پخش شایعات و تحریف رویدادها و آموذ کند که مردم به دلیل حجاب زیر فشار و سرکوب قرار نمی‌گیرند.

اما پس از مدتی تأکید بر غیرقانونی بودن بی‌حجابی و کشف حجاب نشان می‌دهد که درهای سرکوب زنان از جمله در مورد پوشش همچنان بر پاشنه چهار دهه گذشته می‌چرخد و انواع نیروهای سرکوب با پشتیبانی قوه قضائیه و پلیس و بسیج و ارشاد و... در کوچه و خیابان و محل کار و مدرسه و دانشگاه و اتوبوس و مترو و حتی اتومبیل‌های شخصی مزاحم آنان می‌شوند تا آنها را جریمه و مجازات کنند!

نهادهای دامی را حذف کرده و در آنسو هزینه تولید مواد غذایی متأثر از تورم مرتب در حال افزایش است چیست! بخش‌های دیگر بودجه ۱۴۰۲ نیز نشان‌دهنده بحران شدید اقتصادی است. در همین رابطه محمدرضا رضایی کوچی رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی گفته «به نظر من، لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ هم به روال سابق است، یعنی مثل همیشه، بودجه‌ای را بسته‌ایم که ۸۰ درصد آن جاری و ۲۰ درصد آن عمرانی است و تحول و خلافت خاصی در بودجه‌بندی سال آینده نسبت به امسال دیده نمی‌شود.» به گفته محمدرضا رضایی کوچی «پیش‌بینی در بودجه عمرانی سال آتی زیر ۳۰ درصد افزایش است که این درصد با توجه به افزایش تورم بالای ۴۰ درصد به معنای این است که شرایط سال آینده، بدتر از امسال خواهد بود و اگر حداقل ۴۰ درصد افزایش بودجه عمرانی تعریف می‌شد، تازه وضعیت امروز را پیدا می‌کردیم. البته زیاد هم نمی‌شود به دولت خرده گرفت، زیرا منابع و درآمدهای دولت نیز محدود است.»

حجت میرزایی اقتصاددان و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی با انتقاد از عملکرد دولت رئیسی گفته که امروز سرنوشت اقتصاد ما به تصمیمات سیاسی گره خورده است. بخشی از آن به بهبود حکمرانی در عرصه سیاست داخلی و بخش دیگر هم به تغییرات مناسبات‌مان با دنیا مربوط است و تا اینجا حل نشود هیچ اقتصاددانی نمی‌تواند کاری انجام دهد چه رسد به کسانی که در فضای عمومی و در دوره انتخابات اسباب خنده مردم بودند.

به عقیده حجت میرزایی «کسی که اندکی اقتصاد بدانند، متوجه می‌شود که اگر اقتصاد با همین وضعیت روزمره زندگی مردم و حسی که مردم و اهالی کسب‌وکار دارند و گزارش‌های بانک مرکزی و مرکز آمار ارزیابی شود نه با تصویری که در ذهن دولت‌مردان است و این گزارش‌هایی که از وضعیت تورم و بازار کار و مبادلات بین‌المللی و هر شاخص دیگری وجود دارد حاکی از آن است که وضعیت ما روزبه‌روز در حال بدتر شدن است. در ۱۶ ماه گذشته وضعیت حتی یک شاخص هم بهبود پیدا نکرده است.»

روزنامه «هم‌میهن» نیز در گزارشی به موضوع تورم فزاینده سال آینده پرداخته و نوشته که «روش دولت برای مهار نقدینگی در طولانی‌مدت کارساز نیستاد و سیاست‌ها به سمت انتشار اوراق بیشتر و تامین مالی از بانک مرکزی رفت. به این ترتیب توری که رو به کاهش بود و در اردیبهشت‌ماه تا ۳۸/۷ درصد کاهش پیدا کرد، روند افزایشی گرفت و در دی‌ماه تا ۴۶/۳ درصد بالا رفت. تحلیل سیاست‌های مالی دولت و شرایط سخت در فروش نفت و به دست آوردن درآمدهای ارزی سبب شده پیش‌بینی‌ها برای سال آینده معطوف به تورم بیشتر باشد، بطوری که کارشناسان معتقدند بهار ۱۴۰۲ را با تورم بالای ۵۰ درصد سپری خواهیم کرد.» مرتضی افقه اقتصاددان و استاد اقتصاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز پیش‌بینی کرده «در بهار سال آینده تورم از ۵۰ درصد عبور خواهد کرد و رئیس جدید بانک مرکزی نمی‌تواند مسیرهای تورمی و نقدینگی را مسدود کند.» افقه همچنین گفته «حال که دولت از فروش نفت درآمدی ندارد، بهتر است هزینه‌های خود را کم کند نه آنکه دست به فروش اوراق مالی بزند.»

علی سعدوندی کارشناس مسائل اقتصادی نیز معتقد است «دولت بنای مهار تورم را ندارد زیرا ذی‌نفعانی دارد و آنها مانع می‌شوند. او البته برای مقابله با این ذی‌نفعان پیشنهاد داده دولت بودجه ارزی را از بودجه ریالی تفکیک و آن را صرف زیرساخت‌ها کند؛ اتفاقی که متأسفانه تا کنون رخ نداده است.»



مسکن ارزان اندر خم یک کوچه باقی مانده اما ابراهیم رئیسی با اشاره به وعده ساخت چهار میلیون مسکن طی چهار سال فعالیت دولت گفت که «وعده دولت در ساخت سالانه یک میلیون مسکن باقی است و در این مسیر مردم، دستگاه‌ها و انبوه‌سازان یاری‌گر دولت خواهند بود!»

او مدعی شده که «در برخی مناطق دولت اعطای زمین، تسهیلات و ساخت را رسماً انجام می‌دهد. در برخی مناطق دولت تعاونی‌ها را با اعطای زمین و تسهیلات تقویت می‌کند و در موارد خودمالکی دولت با اعطای تسهیلات نقش خود را در تولید مسکن ایفا می‌کند.»

این ادعاهای عجیب در حالی مطرح شده که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم در دی‌ماه امسال به بیش از ۵۱ درصد رسید. تداوم تورم فزاینده در حالیست که در دی‌ماه گذشته، ریال ایران نسبت به آذرماه حدود ۱۰ درصد از ارزش خود را از دست داد و بطور متوسط هر دلار آمریکا در بازار آزاد ایران ۴۱ هزار تومان معامله شد.

از سوی دیگر چشم‌انداز اقتصاد ایران از افزایش تورم در ماه‌های آینده حکایت دارد. برای نمونه بودجه سال ۱۴۰۲ در حالی از سوی دولت به مجلس شورای اسلامی ارائه شده که بسیاری به آن اعتراض دارند. برخلاف آنچه رئیسی ادعا کرده، برخی کارشناسان معتقدند دولت که نتوانسته درآمدهای نفتی را به دلیل تحریم‌ها در اثر انزوای بین‌المللی تحقق ببخشد فشار مالیاتی خود را به منظور تأمین بودجه، بر قشر ضعیف، کارمند و کسب و کارهای خرد وارد آورده و این روند ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر نابسامانی بازار ارز باعث شده سفره بسیاری از ایرانیان کوچکتر از همیشه شده و سال ۱۴۰۲ سال سختی برای معیشت مردم باشد. این در حالیست که بودجه سال ۱۴۰۲ نیز این فشار را تشدید خواهد کرد. اقدامات پوپولیستی دولت رئیسی نیز آینده اقتصاد ایران را با مشکلات بیشتری روبرو خواهد کرد. در شرایطی که دولت امسال با کسری بودجه حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی روبرو بوده و پیش‌بینی کسری بودجه سال آینده بر اساس لایحه بودجه رقمی معادل ۴۶۰ هزار میلیارد تومان است اما محمد مخبر معاون اول رئیسی گفته: «پیرو دستور ریسی از امروز، قریب ۳۳ قلم کالا در فروشگاه‌های زنجیره‌ای، بین ۱۲ تا ۲۳ درصد کاهش قیمت پیدا می‌کنند.» مشخص نیست مبنای ادعای کاهش قیمت‌ها در شرایطی که دولت پولی برای ارائه یارانه به مواد خوراکی ندارد و همین چند ماه پیش ارز ۴۲۰۰ تومانی برای وارد مواد اولیه‌ای چون

## ادعا و توهمات اقتصادی دولت سیزدهم ادامه دارد؛ تورم فزاینده در راه است

● ابراهیم رئیسی مدعی شده «به‌رغم تحولات جهانی و منطقه‌ای و مسئله اصلاح یارانه‌ها و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، توانست این شاخص را به ۴۰ درصد کاهش دهد.»  
● در شرایطی که با گذشت یک سال و نیم از فعالیت دولت سیزدهم هنوز پروژه «نهضت ملی مسکن» اندر خم یک کوچه باقی مانده اما ابراهیم رئیسی بر وعده ساخت سالانه یک میلیون مسکن تأکید کرده است.

● نابسامانی بازار ارز باعث شده سفره بسیاری از ایرانیان کوچکتر از همیشه شده و سال ۱۴۰۲ سال سختی برای معیشت مردم باشد. این در حالیست که بودجه سال ۱۴۰۲ نیز این فشار را تشدید خواهد کرد.

ابراهیم رئیسی در تازه‌ترین ادعاهای اقتصادی خود با بیان اینکه تورم به ۴۰ درصد کاهش یافته و بازار مواد خوراکی به ثبات رسیده گفته که «در زمینه کنترل تورم ما با مشکلات جهانی و منطقه‌ای مواجه شدیم، ولی در شش ماه اول دولت، کنترل تورم شد». آخرین گزارش مرکز آمار ایران اما بیانگر عبور تورم کشور از مرز ۵۰ درصد است!

ابراهیم رئیسی شامگاه سه‌شنبه ۱۱ بهمن در برنامه زنده تلویزیونی صداوسیما جمهوری اسلامی ادعای عجیبی در زمینه اقتصاد مطرح کرد. او گفت دولت سیزدهم در شرایطی شروع به کار کرد که «بحران کرونا و کسری بودجه کشور را دربر گرفته بود. این دولت کشور را با تورم ۶۰ درصدی تحویل گرفت و به‌رغم تحولات جهانی و منطقه‌ای و مسئله اصلاح یارانه‌ها و حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی، توانست این شاخص را به ۴۰ درصد کاهش دهد.»

رئیس دولت سیزدهم در ادامه ادعایش گفت که «این سال‌ها بسیاری از اقلام سفره مردم را دلاریزه کرده‌اند و تلاش می‌کنیم وابستگی برخی اقلام اساسی به دلار را کم کنیم تا تغییر قیمت دلار در سفره مردم تأثیری نداشته باشد. خواسته مردم در مورد ثبات قیمت‌ها کاملاً منطقی است. بعد از گرانی کالاها قبل از همه ما رنج می‌بریم؛ چیزی که باعث رنج مردم است باعث رنج دولت هم می‌شود.»

او همچنین وعده محمدرضا فرزین رئیس جدید بانک مرکزی را تکرار کرد و با بیان اینکه «قیمت ارز آزاد و نیمایی برابر می‌شود» گفت که «کسری بودجه سال گذشته از طریق درآمدهای نفتی پرداخت شده است. دولت تلاش جدی کرده است که در سال ۱۴۰۱ دچار کسری بودجه نشود.»

در شرایطی که با گذشت یک سال و نیم از فعالیت دولت رئیسی هنوز پروژه «نهضت ملی مسکن» برای ساخت

شد. تورم مواد خوراکی در خردادماه امسال به ۸۶ درصد رسید که رکورد آمارهای تورمی کشور را شکست. اکنون نیز طرح کالابریگ الکترونیک بطور آزمایشی فعال شده و مشخص نیست همین اقلام ناچیز و تحقیرآمیز قرار است چگونه بطور سراسری توزیع شود.

دولت رئیسی بجای طرح کالابریگ الکترونیک اقدام به توزیع یارانه نقدی ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی کرد. بر اساس این طرح یارانه نقدی برای دهک اول تا چهارم ۴۰۰ هزار تومان و برای دهک پنجم تا نهم ۳۰۰ هزار تومان است. میانگین تورم در ۱۰ ماه اول امسال بطور متوسط نزدیک به ۵۰ درصد بوده است. دستمزدها اما در طول این مدت افزایش دستمزدی رخ نداده است. رقم حداقل دستمزد حدود ۶ میلیون تومان در ماه است که شامل حقوق اکثر کارگران، بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی و بخشی از شاغلان بخش خصوصی می‌شود.

محاسبات احسان سلطانی اقتصاددان و تحلیلگر اقتصادی، حداقل دستمزد ماهانه ایران ۴۰۰ و ترکیه ۵۰۰ دلار در ۱۳۸۹ (پیش از تحریمهای دور اول) بود. حداقل دستمزد در ایران به ۱۴۰ و ترکیه به ۴۵۰ دلار در دی ماه ۱۴۰۱ رسیده است. طی ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ حداقل دستمزد به دلار در ایران ۶۵ و ترکیه ۹ درصد کاهش یافت (به یورو ۵ درصد افزایش). نسبت حداقل دستمزد ایران به ترکیه ۸۰ درصد در ۱۳۸۹ بود که به ۳۰ درصد در دی ۱۴۰۱ رسید. جدیدترین محاسبات رقم سید معیشت اما نشان می‌دهد که یک خانواده سه تا چهار نفره ساکن پایتخت برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی ماهانه به ۳۲ میلیون تومان و خانوارهای ساکن دیگر شهرها بطور متوسط به ۲۰ میلیون تومان دریافتی ماهانه نیاز دارند. این محاسبات نشان از قرار گرفتن حدود ۷۰ درصد از جمعیت کشور زیر خط فقر دارد. از سوی دیگر بخش زیادی از شهروندان نیز زیر خط فقر مطلق قرار دارند که دچار بحران شدید برای سیر کردن شکم هستند.

بر اساس گزارش‌ها در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ هم به دریافتی مستمری‌بگیران توجه ویژه‌ای نشده و این میزان مناسب وضعیت مستمری‌بگیران نیست. علی‌بابایی کارنامی عضو کمیسیون تلفیق بودجه ۱۴۰۲ کشور گفته که دریافتی معلولان و دیگر مستمری‌بگیران دو سازمان بهزیستی و کمیته امداد در لایحه بودجه سال آینده ۳۸ درصد افزایش یافته است و چنین افزایشی را دچار ایراد خوانده است.

علی‌بابایی کارنامی گفته که «از ایرادهای لایحه بودجه، یکی کاهش نمودارهای پشتیبانی از گروه معلولان و دیگر مستمری‌بگیران بهزیستی و کمیته امداد است. به ویژه در تبصره‌های ۱۴ و ۱۶ و دیگر تبصره‌ها، آن کمک‌هایی که باید و شاید، درخور معلولان و دیگر مستمری‌بگیران گرمای باشد؛ در لایحه بودجه دیده نمی‌شود و با کمیسیون تلفیق و دیگر کمیسیون‌های وابسته مجلس در حال گفتگو و چانه‌زنی هستیم تا بتوانیم درصد کمک‌ها به مستمری‌بگیران در لایحه بودجه ۱۴۰۲ کشور را افزایش دهیم.»

از سوی دیگر بودجه ۱۴۰۲ نشان می‌دهد تازاری درآمد‌ها و هزینه‌ها سبب کسری بودجه و افزایش تورم خواهد شد. رقم کسری بودجه لایحه حدود ۴۶۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده که البته کسری حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی امسال نیز بر بودجه سال آینده اثرگذار خواهد بود.

اینهمه تصویری نگران‌کننده از وضعیت درآمد و هزینه‌های خانوارها در سال آینده را به نمایش می‌گذارد. فاصله درآمد‌های ناچیز غالب خانوارها با هزینه‌های سرسام‌آور زندگی در حالیهست که دولت هم توان و اراده جبران این فاصله و حمایت از اقشار تنگدست و کم‌درآمد را ندارد.



تومان است، شهریور ۱۴۰۰ قیمت این کالا ۱۴ هزار تومان بوده است، شما ۱۴ هزار تومان را نقداً پرداخت می‌کنید و ۴۸ هزار تومان باقیمانده از یارانه پرداخت می‌شود.»

روند تعریف شده برای کالابریگ اما با پیچیدگی روبروست و با توجه به اینکه او گفته که با اشاره به چگونگی خرید اجناس در این طرح افزوده که وقتی به فروشگاه مراجعه می‌کنید و می‌گویید که قصد استفاده از کالابریگ را دارید، اعتبار و کدملی شما بررسی می‌شود و به سامانه معرفی می‌شود. فردی بر فرض می‌رود دو کیلوگرم تخم مرغ بخرد. در جدول هر فرد می‌تواند یک کیلوگرم تخم مرغ را در این طرح با یارانه خریداری کند. بنابراین برای یک کیلوگرم ۱۵ هزار تومان می‌پردازد و مابقی را دولت محاسبه می‌کند اما یک کیلوگرم دیگر که اعتبار ندارد به قیمت آزاد حساب می‌شود. رسانه‌های حکومتی اعلام کردند که به منظور حمایت از معیشت خانوار ۱۰ قلم کالای اساسی در طرح کالابریگ الکترونیک عرضه و به قیمت ثابت و با اعتبار یارانه یک ماه زودتر قابل خرید است.

اما نکته اساسی این است که سرانه مصرف در نظر گرفته شده برای این کالاها هیچ سختی با مصرف یک فرد عادی ندارد و حتی مایه تحقیر مردم است. برای مثال تنها ۳ لیتر شیر برای مصرف ماهانه در نظر گرفته شده و اگر شخصی بخواهد روزانه یک لیوان شیر بنوشد تنها ۱۲ روز شیر خواهد داشت. برای مصرف پروتئین شخص تنها ۲ کیلوگرم مرغ در یک ماه در نظر گرفته شده و گوشت قرمز در کار نیست. همچنین در خصوص برنج نیز ۲ کیلوگرم برنج ۶۰ هزار تومانی در نظر گرفته شده که تقریباً نصف قیمت بازار است و بر اساس این میزان ۲ کیلوگرم هر فرد در طول ماه تنها ۱۰ وعده برنج دارد. سهمیه هر شهروند برای شکر و قند ۲۵۰ گرم و برای پنیر تنها ۴۰۰ گرم است. یک بسته ماکارونی ۷۰۰ گرمی که تقریباً برای سه وعده است نیز سهمیه در نظر گرفته برای یک شهروند است.

طرح کالابریگ الکترونیک قرار بود از ابتدای امسال و در پی حذف ارز ترجیحی (دلار ۴۲۰۰ تومانی) برای همه شهروندان توزیع شود تا افزایش قیمت مواد خوراکی در پی حذف این ارز وارداتی را جبران کند. دولت که برای بسیاری از کالا ارز ترجیحی را پیش از سال ۱۴۰۰ نیز حذف کرده بود، از ابتدای فروردین بطور کامل ارز ترجیحی را حذف کرد. حذف این ارز برای واردات نهاده‌های دامی سبب افزایش هزینه تولید و در نتیجه افزایش قیمت مواد خوراکی

## طرح آزمایشی کالابریگ؛ تحقیر و توهین به شهروندان با سهمیه ناچیز مواد خوراکی

● سرانه مصرف در نظر گرفته شده برای فهرست کالاهای مشمول کالابریگ الکترونیک هیچ سختی با مصرف یک فرد عادی ندارد و حتی مایه تحقیر مردم است.

● فقط ۳ لیتر شیر برای مصرف ماهانه در نظر گرفته شده و اگر شخصی بخواهد روزانه یک لیوان شیر بنوشد تنها ۱۲ روز شیر خواهد داشت. برای مصرف پروتئین شخص تنها ۲ کیلوگرم مرغ در یک ماه در نظر گرفته شده و گوشت قرمز در کار نیست.

● طرح کالابریگ الکترونیک بطور آزمایشی فعال شده و مشخص نیست همین اقلام ناچیز و تحقیرآمیز قرار است چگونه بطور سراسری توزیع شود.

● یک خانواده سه تا چهار نفره ساکن پایتخت برای تأمین هزینه‌های ضروری زندگی ماهانه به ۳۲ میلیون تومان و خانوارهای ساکن دیگر شهرها بطور متوسط به ۲۰ میلیون تومان دریافتی ماهانه نیاز دارند.

در حالی که قرار بود کالابریگ الکترونیک از ابتدای امسال توزیع شود، دولت به تازگی توانسته انجام آزمایشی این طرح را در برخی استان‌ها آغاز کند. اقلام و میزان مواد غذایی اختصاص یافته به هر شهروند در این طرح آنقدر ناچیز است که نه تنها اثری در بهبود سفره خانوار ندارد بلکه مایه توهین و تحقیر هم است.

حمید فرداد مدیر اجرایی طرح کالابریگ الکترونیک امروز ۱۰ بهمن ۱۴۰۱ از آغاز اجرای این طرح از امروز در ۳ استان قزوین، گیلان و مرکزی خبر داده است.

بر اساس اعلام مقامات دولتی در قالب این طرح، برای حفظ قدرت خرید مردم قیمت ۱۰ قلم کالای اساسی بر مبنای شهریور ۱۴۰۰ محاسبه می‌شود و دولت براساس سبد کالای مشخص شده، مابه‌التفاوت قیمت کالا را در طول دوره پرداخت می‌کند. همچنین در این طرح، مردم می‌توانند طبق نیاز خانوار، مقدار کمتر یا بیشتری از کالاهای اساسی مرجع را به انتخاب خود و تا سقف میزان اعتبار یارانه‌شان خریداری کنند.

بر اساس این طرح یارانه یک ماه زودتر در حساب سرپرست خانوار شارژ می‌شود و فرد ۱۰ قلم کالای اعلام شده را بعد از شارژ اعتبار می‌تواند خریداری کند به این صورت که بخشی از قیمت کالا را خودش پرداخت می‌کند و بقیه از یارانه ماه بعد برداشت می‌شود. کالاهای شامل این طرح عبارتند از شیر، پنیر، ماست، مرغ، تخم مرغ، ماکارونی، شکر و برنج. حمید فرداد در مورد نحوه خرید بر اساس این طرح توضیح داده که «برای مثال روغن مایع ۸۱۰ گرمی قیمتش ۶۲ هزار

## ایده وزیر آموزش و پرورش: استفاده از ظرفیت آموزگاران بازنشسته برای کاشت درخت! آنهم یک میلیارد!



یوسف نوری

استعفا استعفا» سردادند.

«اتحادیه آزاد کارگران ایران» درباره این تجمع گزارش داده که بی‌اعتنایی وزارت آموزش و پرورش به اجرای رتبه‌بندی و ارزیابی معلمان در تعیین رتبه‌ها، باعث ناامیدی و عصبانیت معلمان شده است. در صورتی که طرح رتبه‌بندی اجرا شود رقم دستمزد بازنشستگان افزایش پیدا خواهد کرد. پس از برگزاری این تجمع که با حضور صدها آموزگار بازنشسته‌ای که از شهرهای مختلف به تهران آمده بودند، مهدی اسماعیلی نایب‌رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی در سخنانی گفت که «رضایت معلمان در ایجاد و تقویت انگیزه در آنها موثر است؛ وجود رضایت هم در انگیزه‌مندی شاغلین تأثیرگذار است و هم در بازنشستگان، چراکه افراد مشغول به کار با دیدن وضعیت همکاران بازنشسته خود انگیزه‌شان کم یا زیاد می‌شود. بنابراین برای همه ما مهم است که طوری کار را پیش ببریم که انگیزه معلمان را بیشتر کنیم.»

مهدی اسماعیلی افزود که «ما در کمیسیون آموزش به دنبال تقویت شأن معلمان هستیم و می‌دانیم که وضعیت فعلی نه در خور شأن معلمان مشغول به کار است و نه در خور جایگاه بازنشستگان فرهنگی. ضمن اینکه می‌دانیم بازنشستگان آموزش و پرورش به کلی مشکلات عدیده‌ای دارند.» نایب رئیس کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه «بازنشستگان فرهنگی پادشایان پایان خدمت خود را به موقع دریافت نمی‌کنند» گفت که «ما هم به وزیر آموزش و پرورش و سازمان برنامه و بودجه که بارها در کمیسیون آموزش حضور پیدا کرده‌اند، متذکر شده‌ایم که باید به موقع و بلافاصله بعد از بازنشستگی پادشای خدمت فرهنگیان به آنها پرداخت شود.»

عضو کمیسیون آموزش، لازم دانسته به وزیر آموزش و پرورش تأکید دوباره‌ای کند که «سریعا به فکر مطالبات معلمان و بازنشستگان باشد؛ چه مطالبات مربوط به پادشای خدمت و چه سایر مطالبات مانند رتبه‌بندی و... اشکال در اجرای هرکدام از این مسائل انگیزه معلمان ما را خدشه‌دار می‌کند.»

● یوسف نوری: ما حدود یک میلیون معلم بازنشسته در کشور داریم که می‌توانیم از ظرفیت‌های این افراد برای مشارکت در کاشت یک میلیارد درخت استفاده کنیم!

● آموزگاران بازنشسته هفته گذشته سوم بهمن به دلیل مطالبات بی‌پاسخ در مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع و شعارهایی از جمله «ننگ ما ننگ ما، وزیر الدنگ ما» و «وزیر بی‌کفایت استعفا استعفا» سر دادند.

در شرایطی که آموزگاران بازنشسته به دلیل حقوق ناچیز معترض هستند و هفته گذشته تجمع بزرگی مقابل وزارت آموزش و پرورش برگزار کردند، وزیر آموزش و پرورش در ایده عجیبی خواستار استفاده از ظرفیت آموزگاران بازنشسته برای کاشت درخت شده است.

یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش در نشستی با عنوان «طرح مردمی کاشت یک میلیارد درخت در کشور» گفته که این وزارتخانه ظرفیت بالایی برای کاشت درخت در کشور دارد و افزوده که «ما حدود یک میلیون معلم بازنشسته در کشور داریم که می‌توانیم از ظرفیت‌های این افراد برای مشارکت در کاشت یک میلیارد درخت استفاده کنیم.» او همچنین دانش‌آموزان، خردسالان کودکان، شهروندان نیکوکار و خانواده‌های دانش‌آموزان را جزو نیروهای بالقوه برای کاشت درخت برشمرد و افزوده «حدود ۲۴ میلیون خانواده داریم و می‌توانیم از ظرفیت خانواده‌ها برای کاشت نهال در «طرح کاشت نهال خانواده» به میزان مدنظر در سال برسیم.»

وزیر آموزش و پرورش با اشاره به اینکه تعداد دانش‌آموزان در کشور ۱۶ میلیون نفر هستند گفته که وزارت آموزش و پرورش می‌تواند جمعیت بالایی را برای کاشت نهال در کشور مهیا کند.

در این نشست جواد ساداتی‌نژاد وزیر جهاد کشاورزی هم با استقبال از ایده یوسف نوری گفته که «وزارت آموزش و پرورش هر سال در روز درختکاری برنامه‌هایی را برای کاشت نهال دارد اما با توجه به شرایط دنیا در ترسیب کربن و لزوم کاشت یک هزار میلیارد درخت در جهان، سهم کشور ما یک میلیارد درخت است که در اجرای این طرح به همراهی آموزش و پرورش نیاز داریم!»

وزیر جهاد کشاورزی همچنین گفته که این وزارتخانه آمادگی دارد تا «در این زمینه جلساتی را با مدیران کل آموزش و پرورش و معلمان در سراسر کشور به صورت ویناری داشته باشد تا برای اجرای این طرح تبیین لازم انجام شود.» هیچکدام از این دو وزیر نگفتند قرار است «یک میلیارد درخت» را از کجا و چگونه تهیه کنند!

اینهمه در حالیست که آموزگاران شاغل و بازنشسته از جمله اصناف معترض در ایران هستند که طی سال‌های گذشته بارها تجمعات و اعتصابات سراسری برگزار کردند. عدم اجرای مصوبات و قوانینی چون رتبه‌بندی آموزگاران این قشر را با درآمدهای ناچیز زیر خط فقر قرار داده است. در یکی از آخرین تجمعات این صنف، آموزگاران بازنشسته هفته گذشته سوم بهمن در اعتراض به بی‌اعتنایی مقامات این وزارت آموزش و پرورش از جمله یوسف نوری به مطالباتشان تجمعی بزرگ در مقابل این وزارتخانه برگزار کردند. آموزگاران بازنشسته در این تجمع شعارهایی از جمله «ننگ ما ننگ ما، وزیر الدنگ ما» و «وزیر بی‌کفایت

بنیامین نتانیاهاو  
خطاب به غربی‌ها:  
رژیم‌های سرکش که  
قصد ساختن بمب  
اتم داشته باشند صد  
توافق هم با آنها  
امضا کنید بی‌فایده  
است

● بنیامین نتانیاهاو به سی‌ان‌ان گفته «من هرگز در مورد عملیات بخصوصی اظهار نظر نمی‌کنم. هروقت انفجاری در خاورمیانه رخ می‌دهد گردن اسرائیل می‌افتد و یا مسئولیت آن متوجه اسرائیل می‌شود... گاهی اوقات کار ماست و گاهی اوقات کار ما نیست.»

● خبرگزاری تسنیم در گزارشی تأیید کرد که عملیات ریزپرنده‌ها علیه تأسیسات نظامی اصفهان در هشتم آبان‌ماه از داخل خاک ایران هدایت شده است.

● طبق ادعای تسنیم قطعات ریزپرنده‌هایی که در خرابکاری مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود به همراه مواد انفجاری، با مشارکت و هدایت «گروه‌های ضدانقلاب گُردی» که در اقلیم کردستان عراق مستقر هستند وارد ایران شده است.

بنیامین نتانیاهاو نخست وزیر اسرائیل در مصاحبه با شبکه «سی‌ان‌ان» که اول فوریه (۱۲ بهمن) منتشر شد درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و مخالفت خود با مذاکرات اتمی و «احیای برجام» گفت، «اگر رژیم‌های سرکش قصد دستیابی به سلاح هسته‌ای را داشته باشند ۱۰۰ توافقنامه هم با آنها امضا کنید، بی‌فایده است.»

وی تأکید کرد، «تنها ترکیبی از تحریم‌های اقتصادی فلج کننده می‌تواند جلوی دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای را بگیرد اما مهمترین مسئله، روی میز گذاشتن یک تهدید نظامی معتبر است.»

نتانیاهاو همچنین گفت تل‌آویو «علیه ساخت برخی تسلیحات» در ایران دست به اقدام زده است. با این حال وی از تأیید یا تکذیب دست داشتن اسرائیل در حمله اخیر به تأسیسات نظامی در اصفهان خودداری کرد.

سی‌ان‌ان به نقل از نتانیاهاو می‌نویسد: «من هرگز در مورد عملیات بخصوصی اظهار نظر نمی‌کنم. هروقت انفجاری در خاورمیانه رخ می‌دهد گردن اسرائیل می‌افتد و یا مسئولیت آن متوجه اسرائیل می‌شود... گاهی اوقات کار ماست و گاهی اوقات کار ما نیست.»

این مصاحبه سه روز پس از حمله ریزپرنده‌ها به تأسیسات نظامی در اصفهان منتشر شده است. حملاتی که ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز آن را تأیید کرد اما میخائیلو پودولیاک مشاور رئیس جمهوری اوکراین گفت در آن «شب انفجاری» که «اوکراین در مورد آن هشدار

## «زلزله‌زدگان مظلوم» خوی نیازمند کانکس و مواد غذایی هستند؛ ارتباط زلزله خوی با خشک شدن دریاچه ارومیه»



وضعیت منازل مسکونی در خوی پس از زمین لرزه

امکانات و تجهیزات گرم‌کننده روبرو هستند. در این میان، روز یکشنبه نیروهای ضدشورش پلیس در یک اقدام غیرانسانی برای متفرق کردن مردمی که برای دریافت کمک تجمع کرده بودند از ماشین آپباش استفاده کرد!

همچنین شاهزاده رضا پهلوی با آگاهی از ناتوانی و ناکارآمدی نهادها و مقامات مسئول جمهوری اسلامی روز یکشنبه در پیامی با اشاره به این موضوع که حکومت بجای کمک سریع و مناسب به زلزله‌زدگان اقدام به اعزام نیروی سرکوب به خوی کرده است، از شهروندان نیکوکار خواست تا «هم‌میهنان آسیب‌دیده در خوی را فراموش نکنند.»

پروفسور مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله می‌گوید، «شرایط اقلیمی مختلف که با مداخلات انسانی همراه است مثل خشک کردن تالاب‌ها و خشک کردن دریاچه‌ها و همینطور گرم شدن زمین که تغییرات اقلیمی هم در آن موثر است، می‌تواند در لرزه‌خیزی در یک منطقه اثر داشته باشد.»

وی توضیح می‌دهد، «در مناطقی که گسل وجود دارد، وقتی تغییرات اقلیمی شدید باشد، یعنی حجم وسیعی از آب‌های سطحی یا زیرزمینی در حد چند ده کیلومتر مکعب در یک دشت یا یک منطقه از بین رفته باشد، می‌تواند در تحریک گسل‌ها و وقوع زلزله‌ها مؤثر باشد.»

پروفسور زارع افزود: «در مورد زلزله خوی باید بگویم که خوی نزدیک دریاچه ارومیه است و این دریاچه در طول ۲۰ سال گذشته، بیش از ۲۰ میلیارد مترمکعب آب از دست داده و در مناطق اطرافش هم به شدت برداشت آب زیرزمینی صورت گرفته است... دشت خوی، دشت سلماس و دشت کهرزی ارومیه دشت‌های ممنوعه‌ای هستند که در دهه‌های اخیر به دلیل حجم گسترده برداشت آب‌های زیرزمینی، ممنوعه اعلام شده‌اند. [وقتی آب دریاچه خشک می‌شود] انگار یک وزنی روی سطح بوده و این وزنه را برداشته باشند. برداشت این وزن یا بار، در جاهای مختلف دنیا از جمله در اسپانیا، کالیفرنیا، ژاپن و خود ایران نشان داده که با تحریک گسل‌ها و وقوع زلزله مرتبط بوده است.»

● مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان غربی می‌گوید ۴ مدرسه در اثر زلزله خوی تخریب شد.

● بسیاری از مردم زلزله‌زده دچار خسارات مادی شده‌اند که خراب شدن خانه و سرپناه و همچنین کسب و کار و واحدهای تولیدی و دامداری از مهم‌ترین آنهاست.

● در خوی و روستاهای اطراف مردم همچنان با کمبود امکانات و تجهیزات گرم‌کننده روبرو هستند. روز یکشنبه نیروهای ضدشورش پلیس در یک اقدام غیرانسانی برای متفرق کردن مردمی که برای دریافت کمک تجمع کرده بودند از ماشین آپباش استفاده کرد!

● حجت‌الاسلام سلمان ذاکر از نمایندگان آذربایجان غربی: مسئولان وسایل گرمایشی، کانکس و غذای گرم برسانند مردم زلزله‌زده مظلوم واقع شدند!

● پروفسور مهدی زارع استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی و رئیس مرکز پیش‌بینی زلزله می‌گوید، «شرایط اقلیمی مختلف که با مداخلات انسانی همراه است مثل خشک کردن تالاب‌ها و خشک کردن دریاچه‌ها و همینطور گرم شدن زمین که تغییرات اقلیمی هم در آن موثر است، می‌تواند در لرزه‌خیزی در یک منطقه اثر داشته باشد.»

بر اساس اعلام «مرکز پایش زمین لرزه دانشگاه ارومیه» ۶۶ زمین لرزه و پس‌لرزه از زمان وقوع زلزله اصلی در خوی ثبت شده است و پس‌لرزه‌ها همچنان ادامه دارد.

زلزله اصلی که روز شنبه ۸ بهمن اتفاق افتاد به بزرگی ۹/۵ ریشتر بود و پس‌لرزه‌های آن چهار مورد بین ۴ تا ۵ ریشتر، ۲۲ مورد بین ۳ تا ۴ و ۴۰ مورد بین ۲ تا ۳ ریشتر قدرت داشتند. ادامه پس‌لرزه‌ها که بعضی از آنها شدید بود سبب شده مردم حتا آنها که منازلشان خراب نشده از بازگشت به خانه‌ها خودداری کنند. در این زمین‌لرزه سه نفر جان باختند و حدود هزار نفر مصدوم شدند.

امدادرسانی مانند همیشه چنان بی‌برنامه بود که صدای نماینده خوی در مجلس شورای اسلامی هم که از مریدان علی خامنه‌ای است درآمد!

حجت‌الاسلام سلمان ذاکر از نمایندگان آذربایجان غربی روز دوشنبه در صحن علنی گفت «مسئولان کشوری و استان ارومیه امکانات لازم به‌خصوص وسایل گرمایشی، کانکس و غذای گرم به مردم زلزله‌زده خوی دهند که در سرمای زیر ۱۰ درجه هستند و مظلوم واقع شدند.» او همچنین خواسته است نیروهای امنیتی مراقب اموال مردم باشند! بسیاری از مردم که دیوارهای منزل آنها ویران شده از ترس سرقت اموال مختصر خود شبانه‌روز روبروی خانه‌شان نگهبانی می‌دهند!

مدیرکل نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان غربی می‌گوید ۴ مدرسه در اثر زلزله خوی تخریب شدند.

بسیاری از مردم زلزله‌زده دچار خسارات مادی شده‌اند که خراب شدن خانه و سرپناه و همچنین کسب و کار و واحدهای تولیدی و دامداری از مهم‌ترین آنهاست. به گفته معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی سازمان جهاد کشاورزی آذربایجان غربی در زمین‌لرزه‌های اخیر خوی حدود ۴ هزار و ۶۲ جایگاه دامی به ارزش بیش از ۳ هزار میلیارد ریال دچار خسارت شد. ده‌ها رأس دام نیز آوار ماندند و یا در سرما تلف شدند.

در خوی و روستاهای اطراف مردم همچنان با کمبود



بنیامین نتانیاهو در مصاحبه با سی‌ان‌ان

داده بود» تأسیسات نظامی در اصفهان و یک پالایشگاه نفت هدف قرار گرفت. اشاره وی احتمالاً به شرکت صنعتی آذرشهر حوالی تبریز است که مخازن آن منفجر شد. شامگاه شنبه هشتم بهمن‌ماه سه ریزپرنده به یکی از تأسیسات صنعتی وزارت دفاع در اصفهان حمله کردند اما وزارت دفاع جمهوری اسلامی ادعا کرد این حمله ناموفق بوده است. گزارش‌هایی در مورد اصابت پهپاد به منطقه حفاظت شده پارچین نیز وجود داشت اما مقامات جمهوری اسلامی آن را تأیید نکردند.

وزارت دفاع جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای که ۱۱ بهمن منتشر شد ادعا کرد پس از بررسی فنی بقایای یکی از ریزپرنده‌ها «سازنده آن دقیقاً مشخص شده و سرخ‌های مهمی را آشکار کرده است.» در این بیانیه گفته شد سال ۹۸ نیز این مجموعه کارگاهی مورد حمله چند ریزپرنده قرار گرفت که مشابه اقدام اخیر کاملاً ناموفق بود!

خرپرگری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز ۱۲ بهمن گزارش داد قطعات ریزپرنده‌هایی که در اقدام خرابکارانه مورد بهره‌برداری قرار گرفته بود به همراه مواد انفجاری، با مشارکت و هدایت گروه‌های ضدانقلاب گردی که در اقلیم کردستان عراق مستقر هستند وارد ایران شده است.

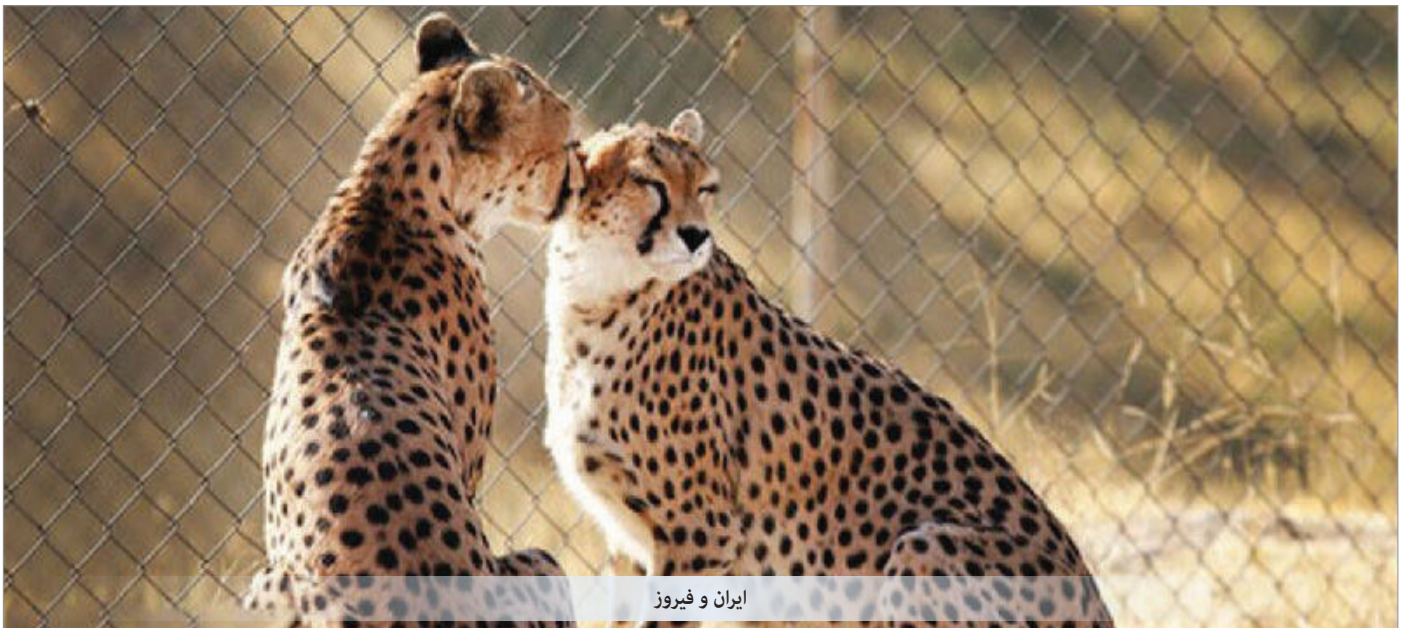
این خرپرگری ادعا کرد بر اساس اطلاعات دریافت شده، این گروه‌ها به سفارش «سرویس امنیتی بیگانه» پس از دریافت قطعات ریزپرنده‌ها و مواد انفجاری، آنها را از یکی از مسیرهای دشوار در شمال غرب وارد ایران کرده و به رابط سرویس در یکی از شهرهای مرزی تحویل داده‌اند.

بر اساس گزارش خرپرگری وابسته به سپاه پاسداران «قطعات و مواد فوق در یک کارگاه مجهز با استفاده از نیروهای آموزش دیده مونتاز و برای حمله خرابکارانه علیه مجتمع کارگاهی وزارت دفاع در اصفهان مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.»

به این ترتیب تسنیم تأیید کرده است که عملیات ریزپرنده‌ها در هشتم آبان‌ماه از داخل خاک ایران هدایت شده است.

کیهان لندن پیش از این در گزارشی اشاره کرده بود که هدایت ریزپرنده‌ها به دلایل فنی نه از فاصله دور بلکه از داخل خاک ایران ممکن است.

## بیم و امید درباره یوز ایرانی؛ جفتگیری دوباره «ایران» و «فیروز»



ایران و فیروز

حال حاضر همه موارد مربوط به پیروز تحت کنترل دقیق قرار دارد، از مراقبت‌های دامپزشکی تا تغذیه و...

یوز ایرانی از جمله گونه‌های جانوری در حال انقراض در ایران است که طی سال‌های گذشته اشتباهات پی در پی مقامات دولتی، خطر این انقراض را افزایش داده است. در چنین شرایطی تولد هر یوز امید خروج از انقراض این گونه حیوانی را افزایش و مرگ هر کدام نگرانی درباره انقراض یوز ایرانی را افزایش می‌دهد.

آذرماه امسال نیز دو تولد یوز ۱۶ تا ۲۰ روزه ماده در منطقه حفاظت شده توران پیدا شدند. به گفته مسئولان این منطقه حفاظت شده، یک چوپان روز پنجشنبه گذشته دهم آذرماه در حین چرای دام خود در پناهگاه حیات وحش توران صدای حیوان را می‌شنود و به نزدیکی صدا می‌رود و در نهایت ۲ تولد یوزپلنگ را مشاهده می‌کند و می‌گیرد. پس از آن موضوع را در روز جمعه به محیط‌بانان گزارش می‌کند و از همان موقع جستجو برای یافتن مادر ۲ یوزپلنگ آغاز شد که تا کنون با وجود تلاش‌ها هنوز مادر تولد‌ها پیدا نشده است.

دو تولد یوز ماده در حالی پیدا شدند که زایمان یوزپلنگ بطور معمول در اوایل بهار انجام می‌شود، زیرا دمای هوا و سایر شرایط طبیعی برای رشد و نمو تولد‌ها مناسب است؛ اما زایمان یوز در نیمه دوم پاییز در طبیعت توران پدیده‌ای نادر بوده و احتمال بقای تولد‌ها را در طبیعت بسیار دشوار می‌کند. در روزهای گذشته اما مقامات سازمان حفاظت محیط زیست ایران اعلام کردند که یک یوزپلنگ نر ایرانی به نام «کوشکی» که «رکورد طولانی‌ترین عمر» را در میان یوزپلنگ‌های ایران داشت، به علت «کهولت» در پارک ملی توران مُرد.

غلامرضا ابوالی دیر دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش این سازمان به رسانه‌های داخلی گفت کوشکی صبح شنبه هشتم بهمن در ۱۶ سالگی از بین رفت. او همچنین گفته که «تلاش می‌کنیم بافت‌های لازم از لاشه این یوزپلنگ را برای نگهداری در بانک ژن سازمان حفاظت محیط زیست جدا کنیم.»

گردن‌بند الی‌زابت دارد و برای او از پماد آنتی‌هموروئید استفاده می‌شود. برخی از احتمال بیماری او سخن گفته و خواستار توضیح شدند.

علیرضا شهرداری تیمارگر پیروز درباره علت بستن کلاه طبی حیوانات یا «کلاه الی‌زابت» برای پیروز توضیح داده که «یوزها هم مانند دیگر حیوانات بدن خود را لیس می‌زنند، هرگاه مشکل گوارشی برای پیروز پیش می‌آید او پشت خود را لیس می‌زند و لیس زدن باعث التهاب یا ایجاد زخم می‌شود، برای درمان این التهابات از پماد استفاده می‌کنیم، برای اینکه پیروز آن پماد را با زبان لیس نزند، یکی، دوساعت از گردن‌بند الی‌زابت استفاده و بعد دوباره بارش می‌کنیم.»

علیرضا شهرداری با بیان اینکه پیروز در حال حاضر به لحاظ سلامت جسمی شرایط خیلی بهتری نسبت روزهای ابتدایی تولد دارد، افزوده که همیشه در تمام خرها و خرگزارها تأکید کردیم که پیروز هنوز به آن شرایط سلامت جسمانی کامل و ایده‌آلی که دارای ثبات باشد نرسیده است. این مشکلات از بدو تولد با پیروز بوده و در واقع مشکلاتی نبوده که به دلیل نوع نگهداری خاص، درمان خاص یا هر چیز دیگری به وجود آمده باشد.

او در ادامه گفته که «مشکلات پیروز برای ما همیشه بسیار مهم بوده و همیشه بر آنها تأکید کرده و آنها را پنهان نکرده‌ایم، در واقع پیروز یک تولد یوز طبیعی نبوده، شیر مادر نخورده، مشکلات گوارشی داشته و در چهار روز ابتدایی تولد بدترین شیر ایرانی خورده، در هر صورت اگر سزارینش به موقع بوده یا نه، مشکلات ژنتیکی یا هر مشکل دیگر داشته یا نداشته، یا هر مساله‌ای که در سلامت او نقش داشته که نمی‌توانیم دقیقاً به آن اشاره کنیم، از ابتدای تولد با پیروز بوده است.»

تیمارگر «پیروز» همچنین گفته که «پیروز در حال حاضر شرایط خوبی دارد، اما در زمان‌هایی که این مشکل کمی جدی‌تر می‌شود، ما مجبوریم از پماد استفاده کنیم و برای او گردن‌بند بندیم، این یک مساله و اتفاق جدیدی نیست. تمام مراحل تغذیه پیروز تحت نظر دامپزشک آفریقایی او (دکتر پتر کالدول) و مشاوره دامپزشک ایرانی انجام می‌شود. در

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان تأکید کرده که «این هنوز به معنی بارداری «ایران» نیست و باید مراحل بعدی بارداری مانند «لانه‌گزینی» و «تشکیل جنین» و دیگر مراحل بارداری توسط کارشناسان بررسی شود.

سال گذشته نیز جفتگیری «ایران» و «فیروز» به تولد سه تولد نر انجامید اما دو تولد در چند هفته نخست پس از تولد جان خود را از دست دادند و فقط «پیروز» زنده ماند. یک یوزپلنگ نر ایرانی به نام «کوشکی» که «رکورد طولانی‌ترین عمر» را در میان یوزپلنگ‌های ایران داشت هفته گذشته به علت «کهولت» در پارک ملی توران مُرد.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان از جفتگیری موفق مجدد فیروز و ایران، دو یوزپلنگ در اسارت پارک ملی توران بعد از حدود یک سال خبر داد.

بهرامعلی ظاهری مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان با اعلام جفتگیری «ایران» و «فیروز» آن را «نویدبخش اخبار بسیار خوبی در آینده برای احیای یوزپلنگ در کشور» عنوان کرده است.

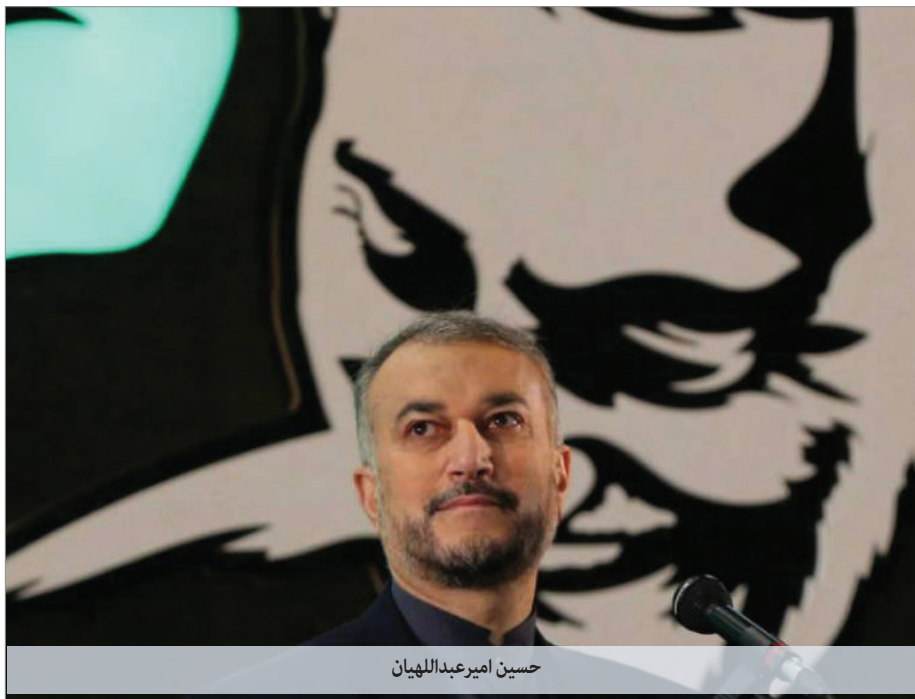
بهرامعلی ظاهری تأکید کرده که «این هنوز به معنی بارداری «ایران» نیست و باید مراحل بعدی بارداری مانند «لانه‌گزینی» و «تشکیل جنین» و دیگر مراحل بارداری توسط کارشناسان بررسی شود.

مدیرکل حفاظت محیط زیست استان سمنان ابراز امیدواری کرده که این جفتگیری منجر به بارداری «ایران» شود و بهار سال آینده دومین مرحله از پروژه تکثیر در شرایط نیمه‌اسارت یوزهای تورانی با تولد تولد‌های جدید با موفقیت انجام شود.

سال گذشته نیز جفتگیری «ایران» و «فیروز» به تولد سه تولد نر انجامید اما دو تولد در چند هفته نخست پس از تولد جان خود را از دست دادند و فقط «پیروز» زنده ماند. طی ماه‌های گذشته بخشی از افکار عمومی با علاقه رشد «پیروز» را دنبال کرده و حالا «پیروز» را خیلی از ایرانیان می‌شناسند.

ماه گذشته تصویری از پیروز منتشر شد که نشان می‌داد

## حسین امیرعبداللہیان «حاج قاسم دیپلماسی» روی دست نظام باد کرده!



حسین امیرعبداللہیان

با جمهوری اسلامی هستند و هر «خبثتی» که در توان دارند اجرا می‌کنند اما کسانی که دم از منافع و امنیت ملی می‌زنند، پاسخ نمی‌دهند!

نه فقط روزنامه «کیهان» تهران بلکه روزنامه «فرهیختگان» که تیم رسانه‌ای علی‌اکبر ولایتی مشاور خامنه‌ای آن را اداره می‌کند نیز همین مواضع را مطرح کرده و با انتقاد از امیرعبداللہیان نوشته بود «با تروریستی اعلام کردن سپاه توسط پارلمان اروپا هرچند دستوری به شرکت‌ها و دولت‌های اروپایی ابلاغ نشده، اما با اتکا به این اقدام، آنها می‌توانند دست به اقدامات محدودکننده‌ای نه تنها علیه سپاه، بلکه دولت ایران و شرکای تجاری‌اش بزنند.»

اختلاف در جمهوری اسلامی بر سر عملکرد حسین امیرعبداللہیان در شرایطی زیاد شده که اخیراً روزنامه «الجریده» چاپ کویت گزارش داد شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به علت نارضایتی از عملکرد امیرعبداللہیان در حال جمع‌آوری امضا برای استیضاح وی هستند.

نکته قابل توجه اینکه جریانی که انتقاد آشکار از امیرعبداللہیان را آغاز کرد، همان جریان منتقد محمدجواد ظریف است که او را به «مماشات» و گردن کج کردن جلوی غربی‌ها متهم می‌کرد. آنها حسین امیرعبداللہیان را آوردند تا به خیال خودشان ادامه دهنده الگوی سلیمانی در سیاست خارجی باشد. با این توهم که بتواند مثلاً «قدرت سخت» جمهوری اسلامی را به ابزاری برای پیشبرد «سیاست خارجی» تبدیل کند و دست بالا را در مذاکرات اتمی بگیرد اما این خیالات همگی نقش بر آب شد. هرچند علی‌خامنه‌ای در همان دورانی که ظریف در رأس وزارت خارجه بود به صراحت گفته بود «وزیر خارجه فقط مجری است و تصمیم گیرنده نیست» و به این معنی چه ظریف و چه امیرعبداللہیان و چه هر فرد دیگری از هر جناح رژیم جز مجری دستورات خامنه‌ای نبوده و نیستند و در نتیجه شکست آنها چیزی جز شکست رهبری نظام نیست.

وجود همه بلوف‌های جمهوری اسلامی، زورش به «احیای برجام» نرسید. حتا با وجود اینکه حکومت راضی شد سپاه پاسداران از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا خارج نشود اما گره برجام آنقدر کور شد که برای دادن امتیاز به غرب به ویژه پس از آغاز خیزش انقلابی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی دیگر دیر نیز شد.

اروپایی‌ها که تا یکی دو سال پیش مدام برای «احیای برجام» دستشان جلوی رژیم ایران دراز بود حالا جلوتر و سختگیرانه‌تر از آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده‌اند. سرکوب خیزش ضدحکومتی در ایران و پشتیبانی رژیم از روسیه در تجاوز علیه اوکراین از اصلی‌ترین دلایل دولت‌های اروپایی برای کنار رفتن بی‌سر و صدا از مذاکرات است. غربی‌ها در عمل اجرای «پلان B» علیه جمهوری اسلامی را با هدف «مهار اتمی و منطقه‌ای» رژیم آغاز کرده‌اند. واقعیتی که جسته و گریخته در صحبت‌های مقامات ارشد نظام و رسانه‌های حکومتی با کلیدواژه «جنگ ترکیبی» به آن اشاره می‌شود.

تحریم‌های پی در پی علیه جمهوری اسلامی از سوی غربی‌ها و فشار آمریکا به جمهوری خلق چین برای توقف خرید نفت ایران و همچنین فشار به عراق برای قطع قاچاق ارز به ایران اقتصاد جمهوری اسلامی را ویران‌تر خواهد کرد. برای جمهوری اسلامی بدتر از همه اینست که نسخه‌ای برای خروج از بحران ندارد. دیگر آزمایش موشکی و شعار «بستن تنگه هرمز» و «خروج از NPT» یا افزایش ذخایر اورانیوم تأثیر ویژه‌ای در پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ندارد.

روزنامه بدنام «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله‌اش به انتقاد از مواضع حسین امیرعبداللہیان پرداخته و می‌نویسد اینکه او می‌گوید تصویب تروریستی بودن سپاه در پارلمان اروپا «رویکرد احساسی» و «غالب شدن احساسات» بر اروپایی‌هاست یک دام است. در این نوشتار با کنایه به وزیر خارجه رژیم آمده اروپایی‌ها آشکارا در حال دشمنی

● شکست مذاکرات اتمی بیش از همه امیرعبداللہیان و دستیارش علی باقری را به حاشیه برده است. حتا زمزمه‌های در مورد بازگشت پرونده اتمی به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی شنیده می‌شود.

● غربی‌ها در عمل اجرای «پلان B» علیه جمهوری اسلامی را با هدف «مهار اتمی و منطقه‌ای» رژیم آغاز کرده‌اند. واقعیتی که جسته و گریخته در صحبت‌های مقامات ارشد نظام و رسانه‌های حکومتی با کلیدواژه «جنگ ترکیبی» به آن اشاره می‌شود.

● دیگر آزمایش موشکی و شعار «بستن تنگه هرمز» و «خروج از NPT» یا افزایش ذخایر اورانیوم تأثیر ویژه‌ای در پیشبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ندارد.

● روزنامه بدنام «کیهان» چاپ تهران در سرمقاله‌اش به انتقاد از مواضع حسین امیرعبداللہیان پرداخته و می‌نویسد اینکه او می‌گوید تصویب تروریستی بودن سپاه در پارلمان اروپا «رویکرد احساسی» و «غالب شدن احساسات» بر اروپایی‌هاست یک دام است. در این نوشتار آمده اروپایی‌ها آشکارا در حال دشمنی با جمهوری اسلامی هستند و هر «خبثتی» که در توان دارند اجرا می‌کنند اما کسانی که دم از منافع و امنیت ملی می‌زنند، پاسخ نمی‌دهند!

● اختلاف در جمهوری اسلامی بر سر عملکرد حسین امیرعبداللہیان زیاد شده است. اخیراً روزنامه «الجریده» چاپ کویت گزارش داد شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به علت نارضایتی از عملکرد امیرعبداللہیان در حال جمع‌آوری امضا برای استیضاح وی هستند.

همزمان با افزایش فشارهای بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی محمد بن عبدالرحمن آل ثانی وزیر خارجه قطر به تهران سفر کرد. هرچند در گذشته سفر مقامات برخی کشورها مثل قطر و عمان به ایران می‌توانست برای تهران زمینه‌های باز شدن کانال‌های پنهانی مذاکره با غربی‌ها به ویژه آمریکا باشد اما تحلیلگران معتقدند رژیم ایران در تنگناهایی قرار گرفته که کار از میانجیگری و زد و بندهای پشت پرده گذشته هرچند در سیاست همه چیز محتمل است. حسین امیرعبداللہیان که قدرت حاکم وی را «حاج قاسم دیپلماسی» و «دیپلمات مقاومت» می‌نامید، حالا از سوی همین جریان با شدیدترین انتقادات روبرو شده است. آنها نمی‌گویند یا نمی‌نویسند که امیرعبداللہیان «بی‌عرضه» است اما آنچه در توصیف عملکردش می‌گویند دقیقاً هیچ معنای دیگری جز بی‌عرضگی و جنسی که روی دست فروشنده باد کرده ندارد!

امیرعبداللہیان که با توپ پُر سکان وزارت خارجه جمهوری اسلامی را پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم به ریاست ابراهیم رئیسی در امرداد ۱۴۰۰ به دست گرفت کارش به جایی رسیده که زیر انتقادات حامیان دیروز خودش قرار گرفته است. حالا به او می‌گویند «منفعل» و «ناتوان» هرچند زیر فشارها اخیراً مجبور شده بجای عبارات «شیک دیپلماتیک» ادعا کند «اگر اقدامی علیه سپاه پاسداران انجام شود پاسخ ایران بسیار سخت خواهد بود.»

شکست مذاکرات اتمی بیش از همه امیرعبداللہیان و دستیارش علی باقری را به حاشیه برده است. حتا زمزمه‌های در مورد بازگشت پرونده اتمی به شورای عالی امنیت جمهوری اسلامی شنیده می‌شود. این در حالیست که با

## طرح «صیانت» به اجرا درآمده است؟!



هستند که «نهاد رسمی قانونگذاری» نیستند و اجرای خودشان نیز به منزله اجرای یک قانون نیست، چراکه در شرایط فعلی امکان اصلاح این بخشنامه‌ها و برگشت رویه وجود دارد.»

روزنامه «اعتماد» این فرضیه را مطرح کرده که شاید جریانی که مرتضی آقاچه‌رانی هم جزئی از آن است در مجلس طرح صیانت را به کمیسیون فرهنگی برده و در سکوت خبری مشغول بررسی آن هستند تا با خیال راحت فیلترینگ بلا تکلیف این روزهای کشور را قانونی کنند و میخ همیشگی را بر آن بکوبند.

شهریور امسال محمد صالح چوکار رئیس کمیسیون امور داخلی و شوراهای مجلس شورای اسلامی از سپرده شدن طرح صیانت به شورای عالی فضای مجازی به ریاست ابراهیم رئیسی خبر داده بود. چند روز بعد شورای عالی فضای مجازی بخشی از طرح صیانت را تصویب و به قوانین خود اضافه کرد. این در حالیست که اجرای این قانون مبهم و کلی، درآمد ۹ میلیون نفر را که از طریق کسب و کارهای اینترنتی از جمله در اینستاگرام درآمد دارند دارند به صورت مستقیم تهدید می‌کند.

تصویب سه ماده از طرح صیانت توسط شورای عالی فضای مجازی با ریاست ابراهیم رئیسی و افزوده شدن آنها به قوانین این شورا با انتقادهای زیادی روبرو شد. ماده‌های دو، سه و چهار طرح صیانت که تصویب شده‌اند، سبب نگرانی کارشناسان و کاربران اینترنت در ایران شده چرا که این سه ماده از اصلی‌ترین مواد نسخه آخر طرح صیانت بودند.

بر اساس این نسخه، کمیسیونی تشکیل می‌شود که در جایگاه «تنظیم‌گر تنظیم‌گران» فضای مجازی فعالیت کنند. به این معنی که کمیسیون عالی تنظیم مقررات فضای مجازی کشور برای تنظیم سیاست‌ها، نظارت، هدایت، هماهنگی و تصویب مقررات و آیین‌نامه‌های کلان در همه ابعاد فضای مجازی و «تنظیم‌گری تنظیم‌گران» یعنی

شدن اینستاگرام و تلگرام ربطی به وزارت ارتباطات یا حتی دولت ندارد و این تصمیمی است که در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با حضور سران سه قوه گرفته شده است. عیسی زارع‌پور با بیان اینکه «هر پلتفرم خارجی که قواعد جمهوری اسلامی را بپذیرد و به آن پایبند باشند استقبال خواهیم کرد» گفته که «همه زیرساخت‌های وزارت ارتباطات پای کار پیام‌رسان‌ها آمده که بتوانند خدمات باکیفیتی را به مردم ارائه کنند.»

از سوی دیگر در حالی که بر اساس آخرین اعلام رسمی بررسی طرح صیانت در مجلس شورای اسلامی مدت‌هاست متوقف شده، مرتضی آقاچه‌رانی رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و البته رئیس شورای مرکزی جبهه پایداری مدعی شد که طرح معروف صیانت در مراحل پایانی بررسی در مجلس است!

غلامرضا نوری قزلقه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی امروز در گفتگو با «اعتماد» گفته که «آخرین جلسه رسمی این کمیسیون که سیزدهمین جلسه نیز بوده، یک سال قبل تشکیل شده و یک سال قبل که همزمان با ارایه گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس بود و تنش جدی در جلسه کمیسیون پیش آمد.» نوری قزلقه توضیح داده که «از آن زمان تا امروز هیچ جلسه دیگری در این باره تشکیل نشده البته تقلاهای زیادی برای تشکیل جلسه و ادامه بررسی طرح صورت گرفته که هم غیرقانونی و هم بی‌نتیجه بوده است.»

غلامرضا نوری قزلقه همچنین افزوده «بخش زیادی از محتوای طرح صیانت در حال حاضر توسط شورای عالی فضای مجازی مصوب شد و در حال اجراء است و برخی مواد این طرح نیز در لایحه بودجه آمده و در حال بررسی است.» عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت همچنین تأکید کرده که «آنچه امروز اجرا می‌شود، مصوبه مجلس نیست و این کاهش سرعت و فیلترینگ گسترده و مواردی از این دست به خاطر شرایط اضطرار و براساس مقرره‌های

● غلامرضا نوری قزلقه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت از حقوق کاربران در فضای مجازی: «بخش زیادی از محتوای طرح صیانت در حال حاضر توسط شورای عالی فضای مجازی مصوب شد و در حال اجراء است و برخی مواد این طرح نیز در لایحه بودجه آمده و در حال بررسی است.»

● حتی بدون در دست بودن طرح صیانت نیز مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله سران قوا امکان تصمیم‌گیری درباره اینترنت را دارند و برای اعمال محدودیت‌ها یا رصد شهروندان نیازی به اجازه قانونی در قالب طرح صیانت ندارند!

● الاهی بقراط سردبیر کیهان لندن: «طرح صیانت» شمشیر چوبین مقابله با اعتراضاتی است که علت شکل گرفتن و تداوم و فرا رویدان آن به یک انقلاب ملی، خود جمهوری اسلامی است! وگرنه اطلاع‌رسانی و ارتباطات بین مردم همانطور که در دوران پیش از اینترنت انجام می‌شده، باز هم از راه‌های موجود و ممکن انجام خواهد شد!

عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت در مجلس شورای اسلامی از اجرای این طرح در کشور خبر داده است. طرح صیانت با هدف محدودسازی بیشتر اینترنت و نظارت بر فعالیت کاربران در ایران تدوین گشت اما تصویب آن با مشکلاتی روبرو شد.

غلامرضا نوری قزلقه عضو کمیسیون ویژه بررسی طرح صیانت در مجلس شورای اسلامی گفته که محتوای طرح صیانت در کشور در حال اجرا است. این در حالیست که طرح صیانت هنوز در مجلس شورای اسلامی تصویب نشده و مجوز اجرای آن صادر نشده است!

طی روزهای گذشته اظهار نظر برخی مقامات جمهوری اسلامی احتمال اجرای طرح صیانت را پررنگ کرد. عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات دبروز چهارشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ در حاشیه نشست هفتگی هیأت دولت گفت که مصوبه فیلتر



## دو تالاب بین‌المللی گنبدکاووس خشک شدند و سومی در حال خشک شدن است



تالاب‌هایی که خشک شده‌اند/ گنبدکاووس/ بهمن ۱۴۰۱

گونه‌های گیاهی و جانوری که در این پهنه‌های آبی طبیعی زیست می‌کنند، تحت عنوان «کنوانسیون رامسر» به ثبت این سازمان جهانی رسیدند.

این سه تالاب بین‌المللی که در بخش «داشلی برون» شهرستان گنبدکاووس نزدیک به مرز ایران و ترکمنستان و در فاصله نزدیکی نسبت بهم واقع شده‌اند در مجموع بیش از ۳ هزار هکتار مساحت دارند که بزرگترین آنها آلاگل با ۲ هزار و ۵۰۰ هکتار، سپس آجی‌گل با ۳۲۰ هکتار و در نهایت آملاکل با ۲۰۷ هکتار است.

تالاب انزلی نیز که در سال ۱۳۵۴ در فهرست تالاب‌های بین‌المللی کنوانسیون رامسر به ثبت رسید طی ماه‌های گذشته بارها دچار آتش‌سوزی شده، هرچند گاهی انداختن یک ته‌سیگار روشن در میان نیزارها آتشی گسترده ایجاد کرده اما آتش‌سوزی عمدی به قصد تصرف اراضی تالاب علت اصلی آتش‌سوزی‌های گسترده در این منطقه اعلام شد.

به گفته مدیرکل حفاظت و احیای تالاب‌ها ۵/۱ میلیون هکتار از تالاب‌های ایران منشأ گرد و غبار هستند و ۵۵ درصدشان نیز «پتانسیل غبارخیزی بالایی دارند» که نیازمند برنامه‌ریزی و هدایت «صحیح سیلاب‌ها» و تأمین «منابع آب موجود» هستند تا «شاهد خیزش ریزگردها و فعال شدن کانون‌های داخلی گرد و غبار نباشیم».

تخریب محیط زیست با دخالت‌های انسانی از جمله نابود ساختن مراتع و جنگل‌ها برای تصرف آنها جهت ساخت و سازهای شهری در کنار کم‌بارشی و کویرزایی و آتش‌سوزی‌های عمدی و غیرعمدی معضل خشکسالی در ایران را به یک بحران سرنوشت‌ساز تبدیل کرده است. بر همین اساس، مهاجرت‌های داخلی به مناطقی که هنوز این مشکل در آنها حد نشده به شدت افزایش یافته است. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند اگر راهکارهای فوری از کوتاه‌مدت تا بلندمدت برای بحران محیط زیست کشور به ویژه کمبود آب و خشکسالی به عمل در نیاید، بخش‌های مهمی از ایران قابل سکونت نخواهد بود.

● **رییس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاووس با اعلام این خبر گفت:** «تداوم کم‌بارشی در سال آبی جدید هم به روند خشک شدن سه تالاب بین‌المللی گنبدکاووس سرعت بخشید و اکنون دو تالاب خشک شدند».

● **وی در آبان‌ماه جاری با اشاره به به خشک شدن دو تالاب بین‌المللی «آجی‌گل» و «آلاگل» و کم‌آبی تالاب «آملاکل» گفته بود:** «ادامه این روند امسال مانعی بزرگ برای حضور پرندگان مهاجر از مناطق سیبری به این پهنه‌های آبی و زمستان‌گذرانی آنها خواهد شد».

● **تخریب محیط زیست با دخالت‌های انسانی از جمله نابود ساختن مراتع و جنگل‌ها برای تصرف آنها جهت ساخت و سازهای شهری در کنار کم‌بارشی و کویرزایی و آتش‌سوزی‌های عمدی و غیرعمدی معضل خشکسالی در ایران را به یک بحران سرنوشت‌ساز تبدیل کرده است.**

دو تالاب بین‌المللی آجی‌گل و آلاگل شهرستان گنبدکاووس به سبب کم‌بارشی سال آبی قبل و جدید و تخصیص نیافتن حقایق آنها از محل رودخانه اترک و سد شیرین‌دژ به‌طور کامل خشک شدند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) به نقل از احمد احمدی رییس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاووس با اعلام این خبر نوشت: «تداوم کم‌بارشی در سال آبی جدید هم به روند خشک شدن سه تالاب بین‌المللی گنبدکاووس سرعت بخشید و اکنون دو تالاب خشک شدند».

به گفته وی، درحال حاضر فقط تالاب بین‌المللی آملاکل این شهرستان مقداری آب دارد که «آنهم در صورت تداوم کم‌بارشی و تخصیص نیافتن حقایق در روزهای آینده خشک خواهد شد».

وی افزود: «امسال در سه جلسه کمیته مدیریت بحران گنبدکاووس به اهمیت تالاب‌های و ضرورت لایروبی کانال‌های هدایت آب به آنها و اختصاص حقایق به این پهنه‌های آبی تاکید گردید اما از حقایق خبری نشد. حداقل حجم آب تالاب‌های بین‌المللی گنبدکاووس با عمق دو تا چهار متر و در شرایط عادی و بارش‌های مناسب بین ۸۰ تا ۸۵ میلیون مترمکعب است اما به سبب کم‌بارشی و خشکسالی در چند سال اخیر با بحران کم‌آبی مواجه شدند».

رییس اداره حفاظت محیط زیست گنبدکاووس در آبان‌ماه جاری با اشاره به به خشک شدن دو تالاب بین‌المللی «آجی‌گل» و «آلاگل» و کم‌آبی تالاب «آملاکل» گفته بود: «ادامه این روند امسال مانعی بزرگ برای حضور پرندگان مهاجر از مناطق سیبری به این پهنه‌های آبی و زمستان‌گذرانی آنها خواهد شد».

وی با اشاره به اینکه احتمال خارج شدن سه تالاب بین‌المللی گنبدکاووس از لیست کنوانسیون رامسر در صورت تغییر مسیر زیست و عدم حضور پرندگان مهاجر وجود دارد افزوده بود: «با خشک شدن این سه پهنه آبی جوامع محلی دچار آسیب و به احتمال زیاد سبب مهاجرت آنها خواهد شد».

تالاب‌های بین‌المللی «آلاگل»، «آجی‌گل» و «آملاکل» همزمان با برگزاری نخستین نشست پژوهشگران سازمان جهانی حفاظت از طبیعت در سال ۱۳۵۰ که در رامسر استان مازندران و با هدف صیانت از تالاب‌ها و حمایت بهتر

سایر نهادهای تنظیم‌گر قانونی تشکیل شده است. کارشناسان این حوزه همان زمان هشدار داده بودند که با تشکیل کمیسیون عالی تنظیم مقررات این شورا به نوعی وارد حوزه فعالیت مجلس شورای اسلامی شده و بجای آن قانونگذاری می‌کند. همچنین بخشی از وظایف قوه قضاییه را که به عنوان مرجع می‌بایست به شکایات رسیدگی کند، بر عهده گرفته و مرجعیت اعمال ضمانت‌های اجرایی را به خود اختصاص داده بود.

اینهمه در حالیست که حتی بدون در دست بودن طرح صیانت نیز مقامات ارشد جمهوری اسلامی از جمله سران قوا امکان تصمیم‌گیری درباره اینترنت و کاربران را دارند و برای اعمال محدودیت‌ها یا رصد شهروندان در شبکه‌های اجتماعی نیازی به اجازه قانونی در قالب طرح صیانت ندارند!

محدود ساختن اینترنت بطور جدی در دستور کار مقامات جمهوری اسلامی قرار داشته و دارد. همزمان با مصوبات شورای عالی فضای مجازی، روز سه‌شنبه پانزدهم شهریورماه از «اینترنت کودکان» هم رونمایی شد. این رونمایی در چهارمین جلسه «کارگروه راهبردی و تدوین الگوی عملیاتی و مقررات عمومی صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی» با حضور وزیر ارتباطات دولت ابراهیم رئیسی انجام شد. چند روز بعد اما جنبش انقلابی در ایران در پی جان باختن مهسا امینی در پی ضرب و جرح مأموران گشت ارشاد آغاز شد. مقامات جمهوری اسلامی به سرعت اینترنت را قطع و سرعت آن را به شدت محدود کردند. شمار زیادی از اپلیکیشن‌ها از جمله اینستاگرام و واتساپ نیز فیلتر شدند.

محدود ساختن اینترنت یکی از راهکارهای سرکوب شهروندان در مقاطع و به دلایل مختلف است که سال‌هاست از سوی جمهوری اسلامی اعمال می‌شود. در چنین شرایطی اگرچه جناحین رقیب اخبار طرح صیانت را برای بدتر جلوه دادن رقیب نزد افکار عمومی مورد توجه قرار می‌دهند اما واقعیت اینست که تصمیم بر کنترل اینترنت و رصد کاربران در دست مقامات ارشد نظام است.

از آنسو محدود ساختن اینترنت به صورت مقطعی یا در قالب طرح صیانت و به صورت همیشگی، نمی‌تواند جمهوری اسلامی را از سقوط حفظ کند. این موضوع از سوی الهه بقراط در سرمقاله روز جمعه ۱۵ مهر ۱۴۰۱ کیهان لندن نیز مورد تأکید قرار گرفت.

سردبیر کیهان لندن می‌نویسد: «چند جنبش اجتماعی و انقلاب آزادیخواهی می‌شناسید که علت شکل گرفتن، وقوع و یا تداوم آنها به «اینترنت» وابسته باشد؟! البته وجود اینترنت آزاد و سریع یک امکان بی‌ظنیر برای اطلاع‌رسانی و ارتباطات است. اما آیا اگر نباشد و یا محدود باشد، اطلاع‌رسانی و ارتباطات متوقف می‌شود؟! قطعاً نه! گذشته از اینکه همزمان راه‌های غلبه بر این محدودیت‌ها نیز همواره ارائه می‌شود».

در این مطلب همچنین آمده بود که «در تمام زمانی که اینترنت نیز با همه محدودیت‌های تحمیلی در اختیار مردم بوده، سبب شکل گرفتن اعتراضات نشده که حالا با «طرح صیانت» و «اینترنت داخلی» و قطع آن از شبکه جهانی بتوان اعتراضات را خاموش کرد! تنها فایده‌اش برای رژیم این است که صحنه‌های سرکوب و جنایات آن شاید دیرتر منتشر شود!» الهه بقراط تأکید کرده است که «طرح صیانت» شمشیر چوبین مقابله با اعتراضاتی است که علت شکل گرفتن و تداوم و فرا رویدادن آن به یک انقلاب ملی، خود جمهوری اسلامی است! وگرنه اطلاع‌رسانی و ارتباطات بین مردم همانطور که در دوران پیش از اینترنت انجام می‌شده، باز هم از راه‌های موجود و ممکن انجام خواهد شد!

# گزارش ویژه؛ خروج مشکوک طلا از ایران سرویس‌های امنیتی اروپا را حساس کرده است



نیروی دریایی فرانسه صدها قبضه کلاشینکف ارسالی به یمن را که منشاء آن ایران بود کشف کرد

هسا) را در فهرست تحریم‌ها قرار داد و شرکت هواپیمایی آلمانی لوفت‌هانزا پروازهایش به مقصد ایران را به دلیل شرایط امنیتی حریم هوایی ایران و ناامنی فرودگاه تهران متوقف کرد. اقداماتی که در گذشته اروپایی‌ها از انجام آن طفره می‌رفتند.

همچنین فرانسوی‌ها در گذشته تمایلی به همکاری مشترک با اسرائیل در خلیج فارس و خلیج عدن یا دریای سرخ نشان نمی‌دادند. حالا اما برخی منابع فرانسوی گزارش دادند که دولت فرانسه و بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل قرار است در مورد تشکیل یک ائتلاف نظامی علیه رژیم ایران مذاکره کنند. رادیو فرانسه به نقل از «لیبراسیون» گزارش داده «اسرائیل طرح حمله به ایران را در جزئیات کامل تهیه کرده است. در این طرح حدود سه هزار هدف شناسایی شده و دولت اسرائیل مایل است هرچه سریع‌تر اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران در چارچوب یک ائتلاف با قدرت‌های غربی از جمله فرانسه و آمریکا و چند کشور عرب منطقه صورت بپذیرد.»

یک منبع آگاه به کیهان لندن می‌گوید «اروپایی‌ها به ویژه فرانسه نسبت به بعضی تحولات امنیتی در ایران حساس شده‌اند. نهادهای امنیتی اروپایی اطلاعاتی در مورد جابجایی مقادیر زیادی طلا از ایران به مقصدهای مختلف به دست آورده‌اند.»

جابجایی محموله‌های طلا در حکومت‌هایی که با بحران و اعتراضات گسترده داخلی روبرو هستند دارای پیشینه است و پیام آشکار به غربی‌ها می‌رساند.

بر اساس اسناد وزارت خارجه آمریکا جابجایی چندین تُن ذخایر طلا لیبی توسط معمر قذافی در سال ۲۰۱۱ از دلایلی بود که فرانسه را ترغیب به «مداخله نظامی بشردوستانه» در لیبی کرد. در آن دوران اعتراضات ضدحکومتی در لیبی به اوج خود رسیده بود و نیروهای وفادار به قذافی

اعمال تحریم تسلیحاتی سازمان ملل متحد علیه حوثی‌هاست با اینهمه اما به نظر می‌رسد فرانسه و انگلیس که متحدان اصلی آمریکا در ناتو و منطقه خلیج فارس هستند بیش از گذشته نسبت به ارسال تسلیحات نظامی از جمهوری اسلامی به سایر نقاط منطقه حساسیت نشان می‌دهند. در همین ارتباط «وال استریت ژورنال» نوشت تا همین اواخر، ارتش ایالات متحده رهبری تعقیب قاچاقچیان اسلحه در آب‌های خاورمیانه را به عهده داشت اما اکنون، فرانسه و بریتانیا نقش بزرگتری ایفا می‌کنند.

در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ هرچند او و امانوئل ماکرون رئیس‌جمهوری فرانسه برای «مهار رفتارهای رژیم ایران» توافق کردند اما در عمل بین اقدامات فرانسه و آمریکا به ویژه در مورد برخورد با اقدامات تهدیدآمیز رژیم ایران در عمل همکاری بیشتری نشد.

در آن دوران وقتی موضوع افزایش فشارهای بین‌المللی علیه رژیم ایران مطرح بود، علاوه بر انگلیس و آمریکا، استرالیا، بحرین، عربستان، امارات، کویت، اسرائیل، آلبانی و کره جنوبی و کمی محدودتر ژاپن در یک ائتلاف همکاری می‌کردند و «ائتلاف دریایی اروپایی» با همکاری آلمان، فرانسه، بلژیک، دانمارک، یونان، ایتالیا، هلند و پرتغال تشکیل شد. آنها تحت عنوان «ماموریت نظارت دریایی اروپایی در تنگه هرمز» (EMASOH) در تنگه هرمز و خلیج فارس حضور داشتند.

اگرچه به نظر می‌رسد مأموریت هر دو ائتلاف مشترک است اما در عمل گروه دوم محافظه‌کارانه‌تر عمل می‌کرد و تا جای ممکن از هرگونه اقدامی که به نوعی احتمال درگیری در منطقه را افزایش می‌داد خودداری می‌کردند. اکنون اما وضعیت دگرگون شده و به نظر می‌رسد عزم اروپایی‌ها برای برخورد با جمهوری اسلامی بیشتر شده است.

پیش از این نیز اتحادیه اروپا شرکت هواپیماسازی ایران

● نشانه‌هایی وجود دارد که جمهوری اسلامی برای تأمین کسری منابع پولی خود سراغ ذخایر طلا رفته است. همچنین بر اساس گزارش‌های غیررسمی استخراج طلا از معادن ایران طی چهار ماه اخیر همزمان با تشدید بحران‌های داخلی افزایش پیدا کرده. در مورد خروج مشکوک طلا از ایران گزارش‌هایی به سرویس‌های اطلاعاتی غربی رسیده است.

● یک منبع به کیهان لندن می‌گوید «سپاه پاسداران و روسیه به کمک هم به اسم ایجاد یک نوع پول دیجیتال که پشتوانه آن طلاست در حال غارت منابع طلای ایران هستند.» همین منبع می‌گوید «در ماه‌های اخیر با کمک کارشناسان روسیه و قزاقستان چند معدن با رگه‌های طلا در ایران کشف شد.» استخراج معادن طلای ایران به دست گروه‌های نظامی افتاده و حتا دولت نمی‌تواند آن را پس بگیرد! برخی منابع می‌گویند بخشی از این طلا بابت بدهی‌های خارجی ایران است. یکی از طلبکاران اصلی روس‌ها هستند.

● در هفته‌های اخیر با وجود کسری قابل توجه بودجه پول‌های کلانی برای افزایش استخراج از معادن طلای ایران تأمین شده و برخی از تجهیزات جهت استخراج از قزاقستان و روسیه وارد کشور شده است.

● در چنین شرایطی شایعات در مورد معادن طلای ایران قوت گرفته زیرا واگذاری معادن طلا هم به روسیه و هم به چینی‌ها نیز سابقه دارد. یک نمونه مربوط به بهره‌برداری چینی‌ها از معدن طلای خوی است که اخیراً زلزله‌ای مهیب بخش‌هایی از منازل مسکونی در آن منطقه را ویران کرد. مردم می‌گویند نیروهای امنیتی در اطراف مسیرهای منتهی به معدن طلا مستقر شده‌اند. برخی می‌گویند چینی‌ها برای دسترسی سریع‌تر به رگه‌های طلا اقداماتی کرده‌اند که منجر به وقوع زلزله اخیر شده است. آنها زلزله خوی را از چشم چینی‌ها می‌بینند.

ستاد فرماندهی مرکزی آمریکا (سنتکام) در بیانیه‌ای اعلام کرد که در چند رشته عملیات توسط فرانسه که در ماه ژانویه صورت گرفت چند محموله سنگین تسلیحات نظامی ارسالی به یمن که منشاء آن ایران بود توقیف شد. نهادهای امنیتی اروپا اکنون اما روی یک مسئله حساس‌تر متمرکز شده‌اند: اقدام نظامی احتمالی علیه جمهوری اسلامی و خروج غیرعادی طلا از ایران!

در یکی از این مأموریت‌ها که ۱۵ ژانویه در خلیج عمان صورت گرفت بیش از سه هزار کلاشینکف، بیش از ۵۷۸ هزار فشنگ و انواع گلوله و ۲۳ موشک هدایت شونده ضد تانک در یک لنج کشف شد.

سنتکام اعلام کرد «این ستاد و نیروهای دریایی شریک بطور منظم عملیات امنیت دریایی منطقه‌ای را انجام می‌دهند و این توقیف یکی از چهار مأموریت مهم برای ممانعت از محموله‌های غیرقانونی در ماه‌های گذشته بوده است که طی دو ماه توانسته از رسیدن بیش از پنج هزار سلاح و یک میلیون و ششصد هزار گلوله به یمن جلوگیری کند.» به گزارش روزنامه «وال استریت ژورنال»، مایکل کورلا فرمانده سنتکام از نیروهای امنیتی یمن بابت توقیف ۱۰۰ موتور پهناد ارسالی به حوثی‌ها، قدردانی و تمجید کرد.

این عملیات دریایی بخشی از اقدامات بین‌المللی برای

## بیانیه شماری از اصلاح طلبان در حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و برای «جلب اعتماد آحاد ملت به حاکمیت»!



رزمایش بسیج و سپاه برای تمرین مقابله با «اغتصابات» و سرکوب مردم

به مبارزات و تلاش‌های نیروهای ملی خود، بنا بر تجربیات تاریخی، در مقابل هرگونه دخالت دولت‌ها و قدرت‌های خارجی ایستاده است.»

در بخش پایانی این بیانیه نیز آمده است: «ما همچنین از حکومت ایران مصرانه می‌خواهیم که با تجدید نظر در سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که باعث کم‌رنگ شدن روز به روز اعتماد آحاد ملت به حاکمیت می‌شود، اجازه ندهد که دخالت همیشگی بیگانگان یکبار دیگر باعث تضعیف مؤلفه‌های قدرت ملی ایران شود. بازسازی قدرت ملی مستلزم احترام به خواست مردم و حاکمیت قانون و پذیرش عقلانیت در اداره امور است.»

افرادى مثل عباس عبدی، لطف‌الله میثمی، حمیدرضا جلابی‌پور، نعمت احمدی، حمزه غالبی، صادق نوروزی، رها اعتمادی ثقفی، زهرا نژادبهرام و حمید بهشتی از امضاکنندگان این بیانیه در حمایت از «جلب اعتماد به حاکمیت» هستند.

نمایندگان پارلمان اروپا دو هفته پیش از این به دلیل نقض حقوق بشر و سرکوب وحشتناکه مردم توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تروریستی بودن این تشکیلات نظامی و موازی ارتش رسمی جمهوری اسلامی رأی دادند و قرار است شورای وزیران اتحادیه اروپا در اینبار تصمیم‌گیری کند.

از آغاز خیزش ضدحکومتی در ایران از اواخر شهریور تا کنون حدود ۵۵۰ نفر کشته شده‌اند اما «حاکمیت» مورد دفاع این امضاکنندگان مسئولیت هیچکدام از این قتل‌ها توسط نیروهای سرکوب رژیم از جمله افراد وابسته به سپاه پاسداران را به عهده نگرفته است!

امضاکنندگان این بیانیه در حالی از حکومت خواسته‌اند صدای مردم را بشنود که خودشان آن را نشنیده‌اند: «بسیجی سپاهی، داعش ما شماین!» شعاری که از سراسر کشور حتی به گوش غرب نیز رسیده و سبب چرخش سیاسی کشورهای غربی شده اما این «فعالان داخل و خارج کشور» مانند تمام سال‌های گذشته ترجیح می‌دهند به «ماله‌کشی» نظام چهل و جنایت بپردازند و صداهای رسا و بلند مردم را خنثی کنند!

● امضاکنندگان این بیانیه در حالی از حکومت خواسته‌اند صدای مردم را بشنود که خودشان آن را نشنیده‌اند: «بسیجی سپاهی، داعش ما شماین!» شعاری که از سراسر کشور حتی به گوش غرب نیز رسیده و سبب چرخش سیاسی کشورهای غربی شده اما این «فعالان داخل و خارج کشور» مانند تمام سال‌های گذشته ترجیح می‌دهند به «ماله‌کشی» نظام چهل و جنایت بپردازند و صداهای رسا و بلند مردم را خنثی کنند!

● افرادی مثل عباس عبدی، لطف‌الله میثمی، حمیدرضا جلابی‌پور، نعمت احمدی، حمزه غالبی، صادق نوروزی، رها اعتمادی ثقفی، زهرا نژادبهرام و حمید بهشتی از امضاکنندگان این بیانیه در حمایت از «جلب اعتماد به حاکمیت» هستند.

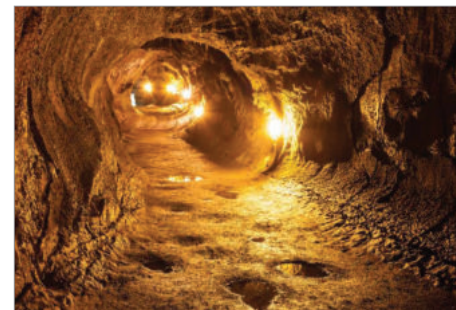
● در این بیانیه آمده «گذشته از اینکه پارلمان اروپا مجوزی برای دخالت در ساختار نظامی سیاسی کشورهای خارج از اتحادیه ندارد، این عمل برای ما به مثابه یک تهدید و دخالت آشکار غیرقابل‌پذیرش است!»

شماری از فعالان سیاسی، مدنی و رسانه‌ای اصلاح طلب در حمایت از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با امضای بیانیه‌ای رأی پارلمان اروپا به قرار دادن تشکیلات تروریست و نامتعارف در فهرست سازمان‌های تروریستی را محکوم کردند. در این بیانیه از سوی این «فعالان داخل و خارج کشور» که خبرگزاری ایسنا ۱۲ بهمن به آن پرداخته آمده است «گذشته از اینکه پارلمان اروپا مجوزی برای دخالت در ساختار نظامی سیاسی کشورهای خارج از اتحادیه ندارد، این عمل برای ما به مثابه یک تهدید و دخالت آشکار غیرقابل‌پذیرش است. مردم ایران طی تاریخ هزاران ساله خود فراز و فرودهای بی‌شماری دیده‌اند و اسناد تاریخی معاصر گواهی می‌دهند که هرگاه قدرت خارجی با تمسک به هر شعار و از هر راهی در مبارزات ملی آنها دخالت کرده است، جز ویرانی و عقب‌ماندگی حاصلی به بار نیاورده است.»

در بخش دیگری از این بیانیه با اشاره به اعتراضات ماه‌های اخیر در ایران تأکید شده است: «ملت ایران با اتکاء

→ در شهرهایی مثل بنگازی حمام خون به راه انداخته بودند. رئیس سابق بانک مرکزی لیبی که به مخالفان قذافی پیوسته بود در مصاحبه با روزنامه ایتالیایی «کوریا دلا سرا» گفته بود قذافی قصد دارد این طلاها را بفروشد تا هزینه حفاظت از حکومت خود را تأمین کند. بخشی از این پول‌ها صرف تأمین هزینه‌های مزدوران و شبه‌نظامیان می‌شد تا به نفع قذافی علیه مردم بچنگند.

اتفاقاً در آن دوران قذافی به دنبال گسترش نفوذ خود در کشورهای آفریقایی بود و برای آنها تسلیحات ارسال می‌کرد. از سوی دیگر، نشانه‌هایی وجود دارد که جمهوری اسلامی برای تأمین کسری منابع پولی خود به سراغ ذخایر طلا رفته است. همچنین بر اساس گزارش‌های غیررسمی استخراج طلا از معادن ایران طی چهار ماه اخیر همزمان با تشدید بحران‌های داخلی افزایش پیدا کرده است. در مورد خروج مشکوک طلا از ایران گزارش‌هایی به سرویس‌های اطلاعاتی غربی رسیده است.



معادن طلای زرشوران در تکاب

یک منبع به کیهان لندن می‌گوید «سپاه پاسداران و روسیه به کمک هم به اسم ایجاد یک نوع پول دیجیتال که پشتوانه آن طلاست در حال غارت منابع طلای ایران هستند.» همین منبع می‌گوید «در ماه‌های اخیر با کمک کارشناسان روسیه و قزاقستان چند معدن با رگه‌های طلا در ایران کشف شد.» استخراج معادن طلای ایران به دست گروه‌های نظامی افتاده و حتی دولت نمی‌تواند آن را پس بگیرد! برخی منابع می‌گویند بخشی از این طلا بابت بدهی‌های خارجی ایران است و یکی از طلبکاران اصلی روس‌ها هستند.

لوان جاگاریان سفیر سابق روسیه در تهران تیرماه ۱۴۰۱ گفته بود «ایران به روسیه بدهکار است، بدهی‌اش را هم پرداخت نمی‌کند.»

در هفته‌های اخیر با وجود کسری قابل توجه بودجه، پول‌های کلانی برای افزایش استخراج از معادن طلای ایران تأمین شده است. برخی از تجهیزات جهت استخراج از قزاقستان و روسیه وارد کشور شده است.

در چنین شرایطی شایعات در مورد معادن طلای ایران قوت گرفته زیرا واگذاری معادن طلا هم به روسیه و هم به چینی‌ها نیز سابقه دارد. یک نمونه مربوط به بهره‌برداری چینی‌ها از معدن طلای خوی است که اخیراً زلزله‌ای مهیب بخش‌هایی از منازل مسکونی در آن منطقه را ویران کرد. مردم می‌گویند نیروهای امنیتی در اطراف مسیرهای منتهی به معدن طلا مستقر شده‌اند. برخی می‌گویند چینی‌ها برای دسترسی سریع‌تر به رگه‌های طلا اقداماتی کرده‌اند که منجر به وقوع زلزله اخیر شده است. آنها زلزله خوی را از چشم چینی‌ها می‌بینند. اینهمه در حالیکه اگر طلاهای ایران به دست روس‌ها برسد، آنها را در جنگ اوکراین تقویت خواهد کرد و این برای اروپا علاوه بر تجهیزات نظامی و پهپادهای ارسالی جمهوری اسلامی به روسیه، تهدید جدی دیگریست که اصلاً قابل قبول نیست.



عکس هفته | آستیاژ حقیقی ۲۱ ساله و امیرمحمد احمدی ۲۲ ساله پس از انتشار ویدئوی رقص خود در کنار میدان شهید (آزادی) ۱۰ آبان ۱۴۰۱ دستگیر و به ۵ سال زندان محکوم شدند!